

یکسال در کشور آسیائی

چین

تذکره
۱۳۳۷

تالیف سید مهدی فرخ

۱۳۳۱

هفت آثار هنری در لیبی و جرجیا
بعد از مرگم به بین تو آثارم

برچیده از کتابخانه دیجیتال هندوستان <http://dli.iit.ac.in>
باز تکثیر از کتابخانه کتاب فارسی <http://www.KetabFarsi.com>

سرگت سپاسی جاب - سمانان حمام

برچیده از کتابخانه دیجیتال هندوستان
<http://dli.iit.ac.in/>

علت نگارش

در ۱۳۲۸ که از مسافرت چین مراجعت کردم جناب آقای علی اصغر حکمت وزیر امور خارجه وقت از من تقاضا کردند که نتیجه مطالعات خود را در کشور چین بطور کنفرانس باستحضار اعضای وزارت امور خارجه برسانم چون در این موضوع قبلا فکری نکرده بودم عذر خواستم ولی اصرار وجدیت فوق العاده ایشان و علاقه شخص من با آقای حکمت که از ایام طفولیت و دوستی خانوادگی سرچشمه می گرفت فرمایش ایشان را پذیرفتم و در شب جمعه دویم دی ۱۳۲۸ در وزارت امور خارجه مشاهدات و استنباطات خودم را بطور اختصار در یکساعت و چند دقیقه بعرض آقایان محترم وزارت امور خارجه رسانیدم این کنفرانس اگرچه خیلی مختصر بود ولی جلب نظر آقایان محترم را نموده و جناب آقای حکمت اصرار نمودند که راجع بمسافرت خود در چین و نتیجه مطالعات و مشاهدات خود را روی کاغذ آورده و در دست رس جامعه قرار دهم اگرچه مقتضیات سن و گرفتاری های سیاسی مانع عمده این تصمیم بود ولی چون نسبت بکشور پهنای چین هنوز در ابران کسبی تنظیم نشده و اطلاعات ایرانیان نسبت باین کشور منحصر بخانواده محترم نیازی است و باجریان زندگانی و سیاست ملل در عصر حاضر لازم دانستم که دستور و خواهش دوست معظم خود را بندهم و با گرفتاریهای سیاسی و کسالت روحی فلم در دست گرفته و از خداوند بوفیق می خواهم که بانجام این امر موفقیت حاصل کنم و قبل از آنکه لبیک حق را اجابت گویم بتوانم این کتاب را بهم وطنان عزیز بنام ارمغان سفر چین بخدمت رسانم و اگر بطوری که شناسه است از عهده بر نیایم از قارئین گرام معذرت بخیراسه و از تقابص و معذرت آن عفو و اغماض را منتهم .

مقدمه

شناسائی و اطلاع از طرز زندگی و معاشرت و تفکر و تعقل و اخلاق و روحیات ملل یکی از عوامل مهم موفقیت سیاستمداران هر کشوری است و چنانکه تجربه بما ثابت کرده است عدم اطلاع باخلاق و روحیات يك ملت و یا زمامداران آنکشور صرفاً را دوچار اشتباهاتی نموده که بالنتیجه موجبات عدم موفقیت را فراهم نموده است و بهترین نمونه برای اثبات این مدعا اشتباه دیپلماتهای امریکا در کشور چین است؛ که مستر اچسن وزیر امور خارجه امریکا در یکی از نطقهای رسمی خود می گوید ما در کشور چین اشتباهاتی کردیم ولی امیدواریم در آینده حتی المقدور کمتر اشتباه کنیم؛ که موجب شد يك کشور ۴۸۰ میلیونی طعمه کمونیست و اسائیلین بتود عقیبندان نویسنده این کتاب که در مدت یکسال در کشور چین مدتی با ناسیونالیست ها و مدنی هم با کم مونیست ها گذراندم بقدر مقدور و در حدود قدرت خود مطالعاتی نمودم که لازم دانسم اطلاعات ناچیز خود را در دسترس هموطنان گرامی بگذارم ولی قارئین محترم انتظار نداشته باشند که من تاریخ سیاسی و اقتصادی یا مذهبی و یا جغرافیای کشور چین را بتفصیل شرح دهم زیرا برای مطالعه تاریخ و جغرافیای چین بقدری کتب متعدد نوشته شده است که ضالین می نوانند مراجعه و مصنوب خود را بدست آورند و اگر مختصری از این قسمت ذکر میشود برای تکمیل اطلاعات مقدماتی هموطنان شاید مورد استفاده واقع شود.

موضوع قابل توجهی که برای ما ایرانیان لازم است اطلاع بروحیات و اخلاق و طرز زندگی و عادات و معاشرت این ملت بزرگ و این کشور پهناور است که این جانب با استعداد مزجات خود بقدری که نوانائی من اجازه میداد در این کتاب شرح داده و امیدوارم تا حدی برای مطالعه کنندگان مفید واقع شود و در حقیقت این کتاب سفرنامه مختصری است که با مطالعه بحقایق و عمق روش سیاسی و طرز زندگی و عادات و خط مشی سیاسی يك مملتی میتواند اطلاعاتی را در دسترس هموطنان محترم قرار دهد و امیدوارم در نظر دانشمندان و ارباب بصیرت اگر از معایب و نواقص و اشتباه مصون نباشد با تصحیح و اصلاح آن نویسنده را قرین تشکر فرموده و مورد مرحمت قرار دهند.

بسمه تعالی

علت مسافرت چین

در روز شنبه ۵ نیر ۱۳۲۷ جناب آقای هژیر رئیس الوزرای وقت از من دیدن نموده و اظهار نمودند من از عملیات قوام السلطنه نسبت به جناب عالی خجل بوده و از رفتار جناب آقای حکیم الملک متأسف هستم و چون از قراری که خودتان بنوستان فرموده بودید مایل به مسافرت خارج هستید و محل مهیا و خالی حاضر هست نمی میکنم جناب عالی پست خود من را قبول فرمائید و من فرمان سفارت کبری چین را بشما تفدیم میکنم نظر باین که از جربانات داخلی و تحریکات کسل بودم بعلاوه مسافرت به کشور چین بطور ساده و سهیل غیر عملی است و می دانستم مشاهدات در این کشور خیلی قابل دقت خواهد بود بشنهاد ایشان را ندیرفتم و چون اولین سیر کبری که از طرف دولت ایران به چین اعزام میشود من بودم بایستی سفارت کبری تأسیس شود برای تأسیس سفارت و هزینه آن مذاکره شده آقای هژیر اظهار داشتند موهبی که من برای سفارت چین مأمور شدم اعتبار لازم برای تهیه اثاثیه و سایر احتیاجات تصویب شده و اعتبارش موجود است که عیناً پرداخته خواهد شد بنا بر این دیگر موضوع خانمه حاصل نمود و آقای توری اسفند باری وزیر امور خارجه برای من آکرمان خوانستند و روز یکشنبه ۲۰ نیر ۱۳۲۷ از وزارت خارجه نقاضای ملاقات من را نمودند و پس از حضور در وزارت خانه رسیدن آکرمان را رسماً اطلاع داده و فرما شاهنشاهی صادر شد ولی در این موقع اعلیحضرت همايون شاهنشاهی بلندین مسافرت فرموده بودند و عهد نامه رئیس جمهور را بکسی نامه خانمه مأموریت وزیر مختار سابق *Lettre De rappel* و دو به نامه معرفی سفیر کبری جدید که هر دو را از لندن صحه فرموده و ارسال داشتند لرد راپل و *Lettre De Créance* بمن تسلیم و اعتبار مصوبه برای اثاثیه اومبیل و غیره من پرداخته شد ولی برای حرکت بایستی تا مراجعت اعلیحضرت شاهنشاه صبر کرده و پس از اسبجازه از پیشگاه ملوگاه حرکت نمایم علیهذا بنسبه مسافرت پرداخته و برای سفارت کبری تعدادی عالی و قابلتجه و نقره آلات سیاه فلز کار اصفهان ساخته بودند و بنا کرده بودند و همراهانم نیز حاضر شدند بوسیله رئیس پست و تلگراف خرده سفر در کسبی *Damra* چهار کابین در روی سده و به بهی هم بلگراف شد که در اولین کسبی چهار کابین برای هنگنک تهیه نمائند و در شب دوشنبه ۸ شهریور که بافتخار مراجعت اعلیحضرت ۱۵ نون شاهنشاهی در صاحبزادیه از طرف دولت دعوت داشتیم اعلیحضرت در ۲۰ نیر مرا یک بگرفته اند من کردم قبل از شرف پیشگاه ملوگاه و اسبجازه شهر سینه حرکت کرده باشم و در ۲۵ نیر میفرمائند برای اجازه مرخصی شرفیاب شده و بزرگی حرکت من کرده فرمودند من نزدیکی شمارا احتضار خوانم کرد و سه شنبه



سید مہدی فریح مؤلف کتاب

نهم شهریور ساعت ۱۰/۵ احضار شده و پس از اصرارهای او امر ملاو کانه اجازه حرکت صادر و مرخص فرمودند با هیئت دولت هم خدا حافظی کردم که روز شنبه بیستم شهریور حرکت نمایم روز چهارشنبه ۱۷ برای ساعت ۸ از طرف سفیر کبیر چین من و خانم بشام دعوت شدیم در این پذیرائی که خیلی صمیمانه بود آقای وزیر خارجه بواسطه گرفتاری عذر خواسته معاون وزارت خارجه و رؤسای ادارات مربوطه حاضر بودند در این شام من غذا خوردن بادوچوب بطرز چینی ها را آموختم و این مهمانی با کمال گرمی و محبت خاتمه حاصل کرده و از میزبان و خانم محترمه ابشان خدا حافظی کردیم .

روز جمعه ۱۹ تلگراف رسید که کشتی دامرا بعلل مخصوصی ورودش دوچار تأخیر شده و روز شنبه ۳ مهر حرکت نماید عینها اجباراً حرکت بتأخیر افتاد و روز شنبه ۳ مهر ۱۳۲۷ ساعت ۷ صبح آقای سفیر کبیر چین و مستشار و اتاشه نظامی سفارت دودستان و اقوام و بسته گان من در راه آهن از من مشایعت فرمودند و آقای عدیلی نطفی بیان نموده و با آقایان حاضرین یکجمله کتاب کنفرانس های من را راجع بافغانستان که از طرف وزارت فرهنگ طبع شده بود یادگار دادند و با دودستان مراسم تودیع بعمل آمده ساعت ۷/۵ ترن حرکت نمود .

روزیکشنبه ۴ مهر ساعت ۷ و ربع با هواز وارد شده و رئیس راه آهن برای صرف صبحانه ما را بمنزل خود دعوت نمودند و پس از صرف صبحانه ساعت ۸ صبح طرف خرمشهر حرکت کرده و ساعت ۱۰/۵ وارد شدیم آقای فرماندار از من استقبال کرده و در اداره حکومتی ما را منزل دادند روز دوشنبه کشتی حرکت خواهد کرد علیهذا آقای متین فرماندار آبادان ما را بشام دعوت کردند در این مهمانی تمام رؤسای کمیته نفت جنوب نیز حضور داشتند پذیرائی مجللی بعمل آمد و روز دوشنبه برای دیدن مؤسسات نفت جنوب با آبادان رفته و این مؤسسه عظیم صنعتی را مشاهده کرده و چند عکس هم برداشته شد .

در مدت بعدی وزارت صناعت من مؤسسات نفت جنوب را بازدید نکردم زیرا بدون اجازه آنحضرت ساهنشاه فقه مجاز نبودم و از دو دعوتی هم که کردند بدلائل سیاسی معذرت خواستم در موع بعدی وزارت کشور هم که باهواز آمدم چون تمام منطقه در تصرف متون انگلیس بود نتوانستم خودم را راضی کنم که وزیر داخله کشور باشم و برای انفال بشهرهای داخلی کشور خودم از زائران اجنبی اجازه بخواهم و بهمین جهت بدون مسافرت بخرمشهر و آبادان از خوزستان مراجعت کردم ولی در این موع که عازم چین بودم مانعی برای دیدن این مؤسسه صنعتی مهم نبود .

باین جهت صبح دوشنبه ناظر وقت ما بتماشای مؤسسات نفت جنوب گذشت و آقای انجمنی افسر نیروی دریائی که در واقع برادر راجه من بود در تمام مدت در روز توقف در خرمشهر منتهای مساعدت و پذیرائی را نمودند و چون تمام بارهای ما از گمرک طهران بآنسب رسیده بود در گمرک خرمشهر معطلی نداشتم و بالاخره بانسکر از میزبانان محترم و سایر رؤسای ادارات مخصوصاً رئیس تلگراف ساعت ۴ بعد از ظهر در وسط شط العرب

و مجرب و مطلق است و وجودش بسیار مؤثر و مفید میباشد اثاثیه ما را از کشتی دامرا
 با بار کشتی Canton کامیون منقل نمودند و خودمان سهامتخانه باج محل که از
 معروف ترین هبل های مشرق است و فعلا رزرو سنده بود منقل شدیم و بار را باروردوشه
 ۱۹ مهر مستطرا بشیم با کسی کامیون از لندن هجنتهم وارد شود و ما ۱۹ تا این کنسی طرف
 هکت حرکت بنامیم

بهبودی

شهر سستی مکی از سادرمهم
 سرق است که من از سناکهای
 مسوان آبرا دومین مدرسرو داسب
 من در مسافرت ر مستان در ۱۳۰۷
 با س سهر آمده و آسنای کامل داسبم
 وای همراهان من مایل بودند که در
 چند زوزه بوقع در این شهر بباط
 دیدنی و مرا گرمهم آبرادیده استند
 و میربان مجمره ما حاجم آفای
 نهادری هم از مسلمان و آری و اظهار



باج محل در سستی

مهر خوشبختانه فروگذار نکردند علیهدا حاجم من و هریم باعای حاجم نهادری موره
 سهر و موره سهرناری و باع و حس و باع معنی و سایر بباط که دیدنی بودند بوسله
 سر بان مجمره دیدند و من هم بمعالجه دیدان بردا حسم و من از عکس برداری معالجانمی
 عمل آمد که موصا قابل بحمل بود

بالاخره روز ۱۸ مهر کنسی کامیون وارد شد و صبح سه سه ۱۹ مهر ساعت ۱۲
 اعضای ژرئال فو سولگری و حذیم ها ارما متناصب کردند و در اسکله از دوسان وداع
 بوده و آفای کارروبی هم مسهای کمک و مساعتب را با ما نمودند که همواره از لطف
 آقانا و بانوان مجمره مسکرم

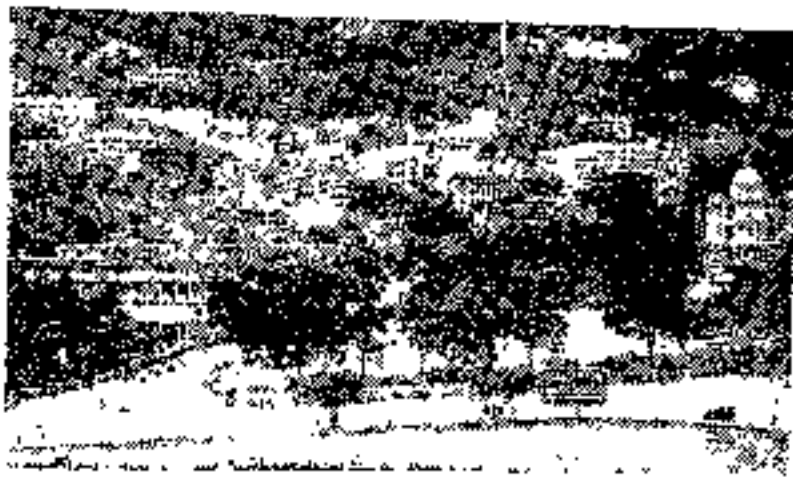
گشتی کاژتی

کنسی کامیون ۱۸۸۰۰ من طریقت دارد و دارای مرانی ساری است از فصل
 استخرها و سالی سنا و مباره برای خرید اشاع مورد احتیاج و معاره سلماپی و احتیای
 لازم و محل ناری برای اطفال و سالی غذاخوری که بر بنا ۲۰۰ الی ۳۰۰ هر مسوان استند
 استاده من به مسافرن این کنسی بعد درجه اول و درجه دوم است و برای طبعاب
 با سار محیی وارد در این کنسی مکی از همسفرهای ما مپاراحه Drampour بود که
 من از اسلال بندوسان و وقت مقام سابق را از دست داده و چون مرد معمولی بود
 در زاده و در سنی مسافرس خود را می کرد من مسافرت می نمود در این کنسی سوارم
 تیغ و دم گدرا من و با بود سسها مورنك در روس و گاهی قمارهای کوچک به بعد

و بازی لوتو و غیره نیز وجود داشت .

مریم چون هنوز طفل بود از استخر شنا استفاده می کرد و چون در منطقه حاره مسافرت میکردیم البته مطلوب بود .

روز چهارشنبه ساعت ۳ وارد کلمبو Colombo شدیم این شهر که بندر مهم سرانندیب است فعلا مستقل و در تحت امر حکومت هندوستان نیست انگلیس ها این جزیره را هم مستقل نموده و جزء دولت کامین ولت وارد نمودند و این موضوع خیلی روشن است که سیاست انگلستان در تمام مدت ۱۵۰ سال اخیر این بوده است که ملل را به يك عنوانی بایکدیگر بمخالفت وادار وهر يك را اسماً مستقل و رسماً زمام در دست انگلستان باقی بماند حکومت مستقله سرانندیب نیز یکی از این شاهکار های لندن است چنانکه مشایخ ساحلی خلیج که تحت الامرا ایران بوده اند هر يك را بنام شیخ مستقل معرفی کرده و تحت حمایت خود گرفتند و در هر موقعی که سیاست لندن اقتضا نماید بر علیه یکدیگر وارد مبارزه می نماید .



جزیره سنکنگ

در هر حال این جزیره دارای جنگل های زیاد و شهر کلمبو نسبتاً شهر زیبایی است برای تماشای شهر از کشتی خارج شده و بعضی از قسمتهای شهر را گردش کردیم و اول غروب بکشتی مراجعت کردیم روز پنجشنبه ساعت ۱۲ کشتی کانونون از کلمبو حرکت کرد حال خط سیر ما از جنوب شبه جزیره هندوستان رو بسمان است ولی وارد خلیج کلکته

نمی شویم و از شمال جزائر اندونزی در گوئده شمائی شبه جزیره مالایا ما روز یکشنبه ۲۵ به بننگ پنینگ pening رسیدیم و ساعت ۵ بعد از ظهر کشتی پپلو گرفت روز دوشنبه قدری در شهر گردش کردیم این شهر که در کنار کوهی مستور از اشجار جنگلی واقع و شهر زیبایی است و مزایای تمدن این عصر را دارا میباشد و حتی فوننی کولر هم دارد (فوننی کولر راه آهن که از کوه بالا میرود) روز دوشنبه ساعت ۱۲ کشتی از بننگ حرکت کرد و ساعت ده صبح سهشنبه وارد سنگاپور شدیم این شهر که بشکل پائی در دریا دراز شده است آخرین نقطه جزیری قطعه آسیاست شهری است بسیار زیبا و دارای تمام مزایای صحی و تفریحی ولی تمام مدت سائ ناپسان است زیرا روی خط استوا واقع شده مناسبانه چون انگلیسی نمی دانسیم و آدرس نمازی ها را هم ندانستیم از نمازهای شهر استفاده کامل بنماییم فقط چند خیابان را گردش کرده و بکشتی مراجعت کردیم و شهر سنگاپور را در موقع مراجعت از چین بنفصیل دیده و شرح آنرا بموقع مراجعت از چین واگذار می کنم .

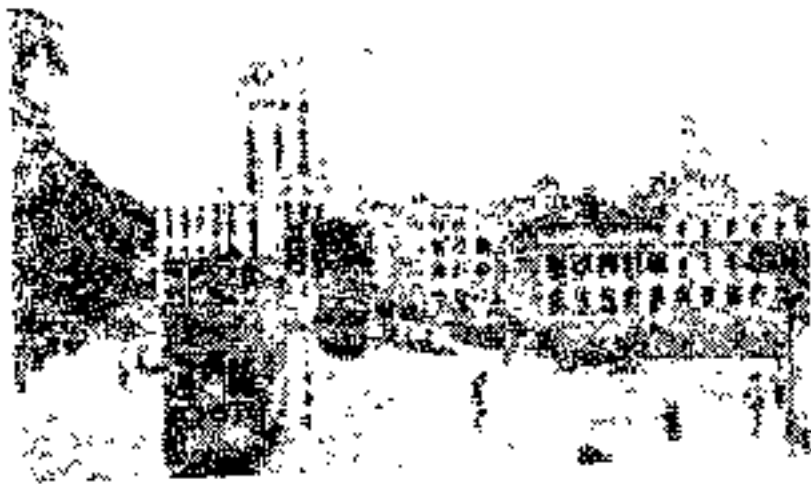
در حال کشتی کانتون پنجاه ساعت در سنگاپور توقف نمود و خوار و باز محل آنجا را

را تهیه کرد و بالاخره ساعت ۱۲ روز پنج شنبه ۲۹ مهر از سنگاپور حرکت کردیم همسفرهای ما یکی ژنرال قونسول ایران در تبریز است که حالا بسمت ژنرال قونسول دولت انگلستان در شانکهای منصوب شده باخانمش و دخترش با ما همسفر هستند کاپیتان این کشتی منزل همه انگلیس ها خیلی مغرور و متکبر است روزهای یکشنبه در عرشه کشتی مراسم مذهبی بعمل می آید و ساعت ۱۰ صبح کاپیتان بسمت قائم مقام کشیش برونستان متغول فراموش دعا و انجام مراسم مذهبی و یک نفر از موزیسین ها هم بزدن اراک مشغول میشود ما و عده دیگر از مسافران که عیسوی بودیم مؤدبانه در گوشه بتماشای مراسم پرداخته و من حقیقاً متعجب بودم و نسبت بمراقبت اینگلیس ها غبطه می خوردم که حتی در روی اقیانوس ها هم از مراسم مذهبی غفلت نمی نمایند از سنگاپور خط سیر ما مسو به شمال می شود و بطرف کشور چین در حرکت هستیم ولی از بهیسی که حرکت کردیم در تمام شهرها عده زیادی از مسکنه چینی بودند بعدی که در سنگاپور چهاردهم جمعیت شهر چینی است و بالاخره روز دوشنبه ۳ آبان ساعت ۸ صبح کشتی کانتون در ساحل جزیره هنگکنگ پهلو گرفت بمحض توقف کشتی آقای مهدی نمازی رئیس تجارتخانه نمازی در هنگکنگ وارد کشتی شد اگرچه من ایشان را ندیده بودم ولی بمحض ورود ایرانی بودن او بر من مسلم شد آقای نمازی هم یا بهمان تقریبی که من متوجه شده بودم و یا از عکس های سابق در جراید متوجه شده فوری بسمت ما آمدند و پس از تعارفات لازم ما را بآلتکا بطرف دیگر جزیره هدایت کرده و از آنجا با اتوموبیل ایشان ما را بخانه خود بردند و اثنایه سفارت را نیز گماشتگان ایشان از کشتی بانبار گمرک منتقل نمودند.

جزیره هنگکنگ

این جزیره منطبق بکشور چین است و انگلیسی ها با همان تریبیات و تشبیهات که

در مابعد آمد دست روی ممالک دیگر گذاشته اند این جزیره را هم ۹۰ ساله از کشور چین اجاره کرده اند و صد درصد جزء مملکت امپراتوری است و از جهت صعی و تشکیلات بلدی کاملاً یک شهر غربی است و چون بکفست جزیره کوهی است پر از اشجار چنگلی بطرز زیبایی راه های آسفاله و فونی کوار و لوله کشی آب و برق و غیره کاملاً مرتب است



جزیره هنگکنگ

و شهر دارای واگن الکترونیک و اتوموبیل الکتریک و مقررات منظم و مرتبی است این جزیره از بنادر آزاد کشور انگلستان و کلیه مال التجاره و اشیائی که باین جزیره وارد می شود بدون گمرک است و بهمین جهت قیمة اشیاء که صد درصد تمام مال التجاره انگلستان

است از سایر نقاط ارزاتر فروخته میشود و شیها بواسطه بست و بلندی شهر و در کنار دریا و از چهار طرف محصور بنظره اوقیانوس است فوق العاده جالب و زیبا می باشد در مرتفع ترین قله این کوه مشاهده میشود که چندین استخر شنا و محل بازی تنیس در طبقه به طبقه مرتب بوده تا سطح شهر و کنار دریا و پس از روشن شدن چراغ و انعکاس آن در آب دریا منظره فوق العاده جالبی خود نمایی می نماید و چون امشب شب تولد اعلیحضرت همایون شاهنشاهی بود تلگراف تبریکی از هنگکنگ پیشگاه ملوکانه عرض شد .
در ورود باولین نقطه کشور چین قصیده ساختم که فقط چند بیت از مطلع آن در این کتاب ذکر میشود و چون همه قصیده مفصل است از درج تمام آن معذرت خواسته اشعار این است :

ای چراغ شرق در روی زمین	السلام ای کشور زیبای چین
باد از شاهنشاه ملک انام	بر تو و بر پیشوایت صد سلام
میلیونر زافر ادهم از مال و زر	آسمانی کشور با محدود فر
دست کی باز کسی بر تو بقهر انخ	سر زمین صنعت و تاریخ دهر

برای حرکت بشانکهای تصمیم گرفتیم که اتانیه را با محمد پیشخدمت با کشتی چینی روانه نمایم (کشتی انگلیسی در این خط مهبیان بود کشتی های چینی هم مورد اطمینان و مخصوصاً از نقطه نظر صحتی مورد اعتماد نمی توانست قرار گیرد) علیهذا سه بلیط طیاره گرفته و حرکت خود را بزیرال قونسولگری شانکهای تلگراف کردم ضمناً چون قالی های ابنیاعی از طهران برای اطاق خواب و دفتر مناسب نبود سه تخته قالی کار قشقایی که ارزان قیمت بود از آقای نمازی خریداری نموده و با سایر اناشه با اتفاق محمد شاپوری پیشخدمت شخصی خودم از راه دریا روانه شانکهای نمودم .

روز سه شنبه ۱۴ آبان ساعت ده با طیاره حرکت کردیم و ساعت ۳ بعد از ظهر در فرودگاه شانکهای طیاره بر زمین نشست خانم بهجت السلطنه خانم آقای میرفندرسکی صبیح مرحوم مشاور الممالک که نسبت بن سست پدری داشته و من خودم را نسبت باولاد مرحوم مشاور الممالک ملزم میدانم که احترام و صمیمیت کامل را رعایت کنم بادسته گلی از ما استقبال فرمودند .

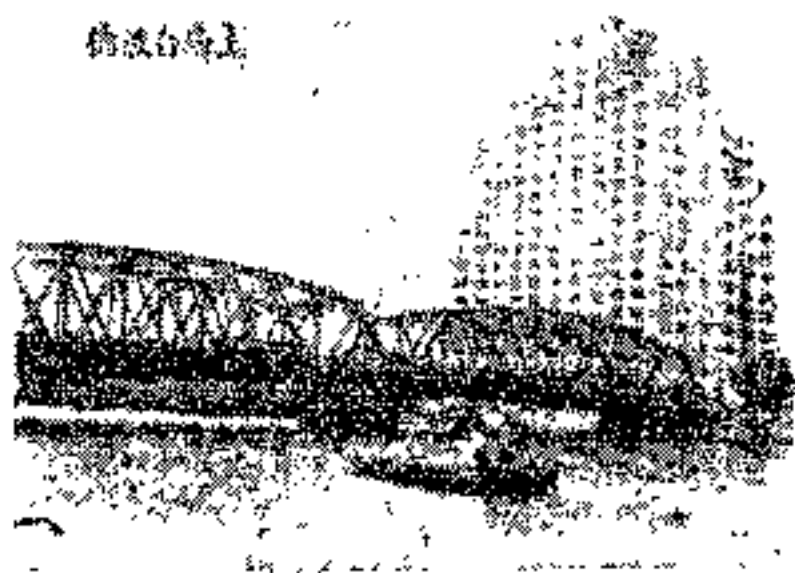
آقای نصیر الملک ژنرال قونسول شانکهای با فرزند ایشان و آقای فریدون دیبا فرزند سرانشکر دیبا سردار مکرم نواده مرحوم علاء الملک که نواده عمو و سر عمه خانم من هستند با اتفاق ایرانی ها و نماینده وزارت امور خارجه کشور چین هر یک دسنه گلی هدیه فرموده و تبریک ورود و غیر مقدم گفتند کلنی ایرانی ها در شانکهای نیز همه حضور داشتند و آقای احمد مدبر نجارتخانه آقای حاجی محمد نمازی در شانکهای نیز از طرف تجارتخانه نمازی تبریک ورود گفت .

پس از استراحت از آقایان مستقبلین طرف ژنرال قونسولگری ایران حرکت کردیم و این مسافرت پنج روزه را در پنج ساعت با کمال راحتی گذرانده بمحل مقصود رسیدیم در حالی که اگر با کسی می آمدیم پنج روز در راه بوده و باتشجرت بحری این منطقه

خیلی بزرگت می گذشت و از طرفی بواسطه اثاثیه سفارت مجبور بودم که گماشته خود را در این قسمت با کشتی روانه نمایم و از راه دریایی طریق بعمل آید .

شانکهای و نمازی

حاجی محمد نمازی در این موقع در چین نبود و بسبت نماینده تجارتی ایران در



شانکهای

و اشنگتن بسا هیئت سفارت کبری ایران همکاری مینمود آقای حاجی محمد نمازی شخصی است وطن پرست و خیر مثل تمام شیرازیها با علو نظر چنانکه در قسمت لوله کشی آب شیراز و بنای مریضخانه و مدرسه و سایر مؤسسات خیریه که این شخص تأسیس نموده شایسته اینست که تمام ایرانیها مخصوصاً اهالی فارس از این مرد قدر دانی نمایند علاوه بر صفاتی که فوقاً ذکر شد تجارتخانه نمازی در

شانکهای

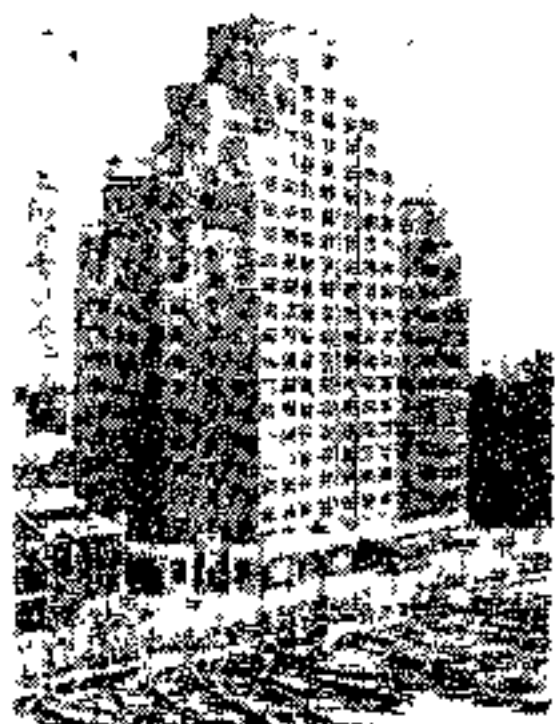
تمام بنادر شرق اقصی بسیار آبرومند و موجب سربلندی ایرانیان است زیرا در هر يك از بنادر شرق اقصی نام تجارتخانه نمازی با احترام برده می شود .

من در شهر هنگکنگ و بعد در شانکهای و بعد در سنگاپور بی نهایت مسرور بودم که خداوند بایرانیها هوشی کرامت فرموده که در هر نقطه و در هر يك از بلاد گره زمین خود را معرفی کرده و تاحدی موجب سربلندی ایرانیان است من وقتی خودم را در هنگکنگ در خانه یکنفر ایرانی با تمام مزایای يك تجارتخانه معروف و خوشنام دیدم بی نهایت خوشوقت شدم چنانکه در موقع مراجعت از چین که بیش از ۱۵۰ نفر از مأمورین سیاسی دول مختلف در هنگکنگ پیاده شدیم از طرف حکومت انگلستان برای هر میسیونری اتومبیل فرستاده و معطلی برای پذیرائی معین کرده بودند وقتی ژنرال گورنر انگلستان پسن مراجعه کرد من با نهایت افتخار جواب دادم کلنی ما در هنگکنگ دارای محل مناسبی هستند و اتومبیل رئیس کلنی ایرانیان حاضر است از مساعدت جنابعالی متشکرم ولی مزاحم شما نمی شوم .

با اتومبیل تجارتخانه نمازی که اتومبیل آبرومندی بود بخانه نمازی منتقل شدیم و هر يك از سفرا که بدیدن من می آمدند تعجب میکردند که کلنی ایرانیها در جزیره هنگکنگ دارای همچو عمارت و مبیل و اثاثیه است و وجود تجارتخانه نمازیها در شرق اقصی بی نهایت اسباب سربلندی ایرانیهاست .

در حال در شهر شانکهای هم بواسطه اختلافاتی که با چینیها راجع بیک خانه ایجاد شده بود و حقاً هم يك دکتر چینی قنط کرده بود و در موقع خود در این کتاب ذکر خواهد شد . آقای طوطی مدیر تجارتخانه در شانکهای با امریکا رفته و آقای احمد تبعه

پاکستان متصدی تجارتخانه نمازی بود و احمد هم شهیدان طبع دستور آقای حاجی محمد نمازی بسیار آبرو مند و شرافتمندانه در موارد لازم اقدام و عمل می نمود .

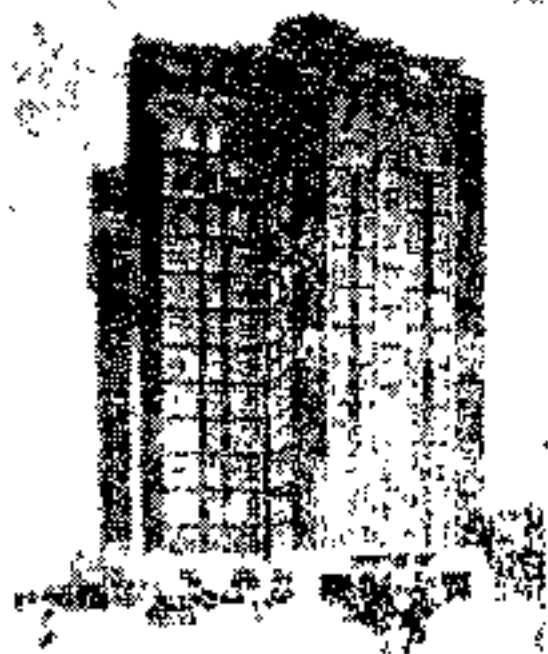


شانگهای

شهر شانگهای که اول بندر شهر اقصی است بر طبق همان اصولی که ذکر میشود از طرف دول معظمه تصرف شد و بنام شهر بین المللی هر محله را یکی از دول بزرگه اداره میکردند و بهین جهت شهر شانگهای که دارای ۶ میلیون جمعیت است تقریباً يك شهر اروپائی است و تمام مزایای شهرهای غربی را دارا میباشد از قبیل لوله کشی آب و واگن و اتوبوسی الكریك و خیابانهای آسفاته و ابنیه ۲۵ تا ۳۵ طبقه و مهمانخانه های بسیار عالی و مرتب با آسانسور و تجارتخانه های مهم و بالاخره شهری است که موجبات آسایش و وسائل زندگی و صحیه کمالا میباشد و پس از جنگ دویم بین المللی بر حسب دخالت امریکائی ها مداخله سایر دول در شانگهای و تین تن ممنوع و تمام شهر و مؤسسات آن بتصرف مأمورین دولت

چین داده شده و در اینموقع که بشانگهای رسیدیم تشنجی در شهر ایجاد شده بود که علت آن ذکر میشود .

برای تکمیل اثاثیه سفارت بایستی بدانم که احتیاجات ما چیست علیهذا به نامکینک تلگراف کردم که آقای پارسا نایب دویم سفارت کبری با صورت اثاثیه موجود بیاید بشانگهای و من برای معالجه دندان که باز هم در زحمت بودم بر حسب معرفی و توصیه خانم بهجت السلطنه خانم میرفندرسکی بیک دندانساز روسی مراجعه کردیم دکتر لازم دانست که دندان را بکشد علیهذا اینر کسیونهای لازم را برای بی حی نمود ولی مسافانه وقتی دندان را کشید من دوجار ضعف شدم و مثل انکه رك مغز من را بکشند بی هوش شدم بالاخره پس از خونریزی زیاد باحال بسیار بدی بر نرال قوسولگری منتقل شدم بمحض ورود آقای پارسا را دیدم آقای پارسا فرزند آقای پارسا از تاجر نجیب و محترم خوی است که چند دوره به نمایندگی مجلس شورای ملی انتخاب شده تحصیلات آقای پارسا در مدرسه حقوق و زبان انگلیسی را در چین آموخته جوان باهوش و زرنگی



شانگهای

است و من در مدتی که در چین با این جوان همکاری میکردم از ایشان خیلی راضی بودم تنها نأثر من این بود که ایشان بشانکهای منتقل شدند و از همکاری با آقای میرفندرسکی چقدر رنج کشیده اند من از این مناسف هستم که این پیش آمد هم برخلاف میل من بود که از نانکینگ تشریف آوردند ولی من طوری بی حال بودم که قادر به تکلم نبوده و پس از ۲۴ ساعت استراحت و مداوا تا خون بند آمد بی حرکت در تخت خواب افتاده بودم و ناچار از معالجه بقیه دندانها صرف نظر کردم تا در نانکینگ بدندان ساز دیگری مراجعه شود .

بالاخره پس از قدری تسکین یافتن خواستیم احتیاجات اثنائیه سفارت را تهیه کنیم و بپرمغازه وارد شدیم دیدم مثل مسجد از خانه خدا یا ک تراست در حالی که در روز قبل تمام مغازهها بر از اشیاء محل احتیاج از هر قبیل و حتی لوکس ترین و مجلل ترین اشیائی که در پایتخت های ممالک اروپا دیده می شد در مغازهها بحد و فور موجود بود ولی در ۴۸ ساعت تمام این مغازهها لخت و مثل اینکه این دکا کین تخلیه شده و اساساً هیچ چیز در این مغازهها وجود نداشته است این منظره برای من تعجب آورد بود و البته قارئین محترم نیز تعجب خواهند فرمود و حال من علت این پیش آمد را باستحضار قارئین گرام میرسانم :

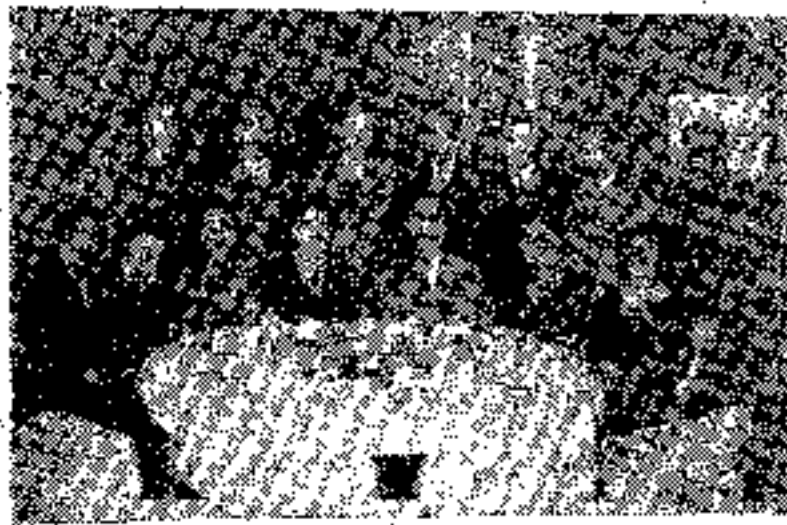
دلار چین

بول کشور چین دارای پشتوانه معین نبود اولیای دولت می گفتند بشنوا نه اسکناس چین عمارت های شانکهای و ابنیه دولتی است در موقع تصدی کمونیست ها نیز می گفتند سوازه اسکناس چین بر نجهای چین است . بدیهی است با این ترتیب اسکناس چین هیچ وقت وضع ثابت نداشته .

با این مقدمه قبل از ورود ما بچین چون دلار چینی شکسته و چند ملیون اسکناس چین در مقابل يك دلار امریکا معامله می شد دولت بول را تغییر داد و اسکناسی منتشر کرد سه بنام جیوای و دولت هر ۴ دولار چینی را در مقابل يك دلار امریکا قیمت معین کرد و امر نمود تمام اسعار خارجی باید باین قیمت بدولت تحویل شود و در مقابل جیوای دریابند در محل معاملات عمده و تجارت هم شهر شانکهای است تجار این تصمیم دولت را نپذیرفتند و بهیچان پس جان کای چک مأمور شد و آمد بشانکهای که این تصمیم دولت را بوضع اجرا بگذارند کسانیکه در مقابل این تصمیم مقاومت میکردند شدیداً تنبیه میشدند و حتی در شانکهای يك سرهنگ و دوسه نفر دیگر را در مقابل همین عمل اعدام کردند ولی بآنیری نداشتن بچار هم تمام مال التجاره خود را مخفی کرده و تمام مغازه های بزرگ خالی بود و در ۲۴ ساعت در این شهر باین عظمت هیچ چیز خرید و فروش نداشت و اگر در يك مغازه چیزی باقیمانده بود از قبیل يك میز یا يك قفسه يك انیکت روی آن گذارد بودند که فروخته شده است .

در این وضعیت من بزحمت در يك خانه با هزار مشقت سه میز منبت کاری کار چین بحرمانه خریداری کردم و بدون موقیعت مجبور شدم شانکهای را ترك نمایم و جیوای چینی روز بروز ارزش آن کمتر میشد تا بحدی که اواخر حکومت ناسیونالیست ها چند هزار جیوای چینی در مقابل يك دلار نسعیر میگردد .

شب چهارشنبه از طرف کلنی ایرانیان دز شانگهای تجارخانه آقای نمازی دعوتی



کلنی ایرانیان

بشام نموده و ایرانی ها ورود من را تبریک گفته و من هم نطقی مبنی بر امتنان و علاقه ایرانی ها را بکشور چین تذکر دادم و عکسی هم برداشته شد که از نظر قارئین محترم میگذرد و چون بایستی فردا از شانگهای حرکت کنیم از آقایان خدا حافظی کردیم .

بالاخره روز چهارشنبه ۱۲ آبان درحالی که ژنرال قونسول و تمام اتباع ایران ما را مشایعت نمودند

ساعت ۸ صبح باترن سریع السیر با بطیحا درجه اول طرف نانکینگ حرکت کردیم .

راه آهن چین برای مسافرت روز کویه مخصوص نداشت و اطاق درجه اول هم مثل اطاق درجه سویم درهرواگن بیش از ۴۸ نفر می نشستند و با کمال زحمت این مسافرت ۴ ساعته خاتمه حاصل نمود در استاسیون هنگکنگ رئیس تشریفات وزارت امور خارجه تبریک ورود گفت و دست گنی بخانم اهدا شد ما هم با عرض تشکر با آقای جوادی قدیمی مستشار سفارت کبرای ایران با اوتومبیل سفارت کبرای ترکیه و یک اوتومبیل کوچک ارسبستم تا کسی های تهران حرکت کرده وارد عمارت سفارت شدیم .

دفتر سفارت ایران

خانه که محل سفارت بود از قرار ماهی ۱۸۰ دلار امریکا اجاره شده بود و تمام

این خانه از دو بیست متر تجاوز نمی کرد و دارای ۸ اطاق بود که بزرگترین آنها ۳ در ۴ متر بود و در هیچو خانه سفارت کبرای ایران منزل داشت علیهذا من مجبور بودم هرچه زودتر خانه که مطابق شأن و حیثیت سفارت باشد اجاره نمایم و پس از تفحصات وجد و بجهت عمارت قاضی - القضاة (رئیس قوه قضائیه سابق) را در



استاسیون نانکینگ

تبریک ورود رئیس تشریفات وزارت خارجه آقای سفیر کبیر ایران

ماهی ۲۰۰ دلار امریکا یکساله اجاره کردیم و یکسال هم باید اجاره قنلا پرداخت شود این باغ تقریباً ده هزار متر و دارای سه دستگاه عمارت بود یک دستگاه دارای ده اطاق و یک حمام و سالی ۱۴ متر در ۷ متر و سالامتر (عداحوری) برای ۲۴ نفر تا ۳۶ نفر قابل پذیرائی بود یک دستگاه دیگر در پیش این عمارت برای مسجدمین و آسرخانه و یک حمام حدس اطلاق هم در بزرگ در ورودی برای مسجدمین و گذارد سفارت و دوگاراژ بود در ورودی سفارت هم بدو به یک باغچه کوچک بهر یک ۱۵ متر در ۲۰ متر بود که بعد از یک مدخل دویم وارد باغ بزرگ می شد و ما محل بیرون سفارت را در این باغچه ندوی معین کرده و نصب چوب برق با ارتفاع ۲۵ متر در این محل قرار دادیم در سردر عمارت عس شرو و حورشید و برنان حیسی و انگلیسی و فارسی سفارت کبرائی دولت ساهساهی ایران را در روی سردر ورودی زیر علامت شهر و حورشید برسیم نمودیم و ملاقاتیله محضر معمرات عمارات را حاشیه داده و سفارت را حاشیه حاشیه منتقل کردیم و چون فرس که عمده و اساس مله کردن سفارت بود همراه داسیم در ناکیک احیاحات سفارت را تهیه کردیم و با کمال سرعت باخندی و سائل ندوی تهیه شد روز جمعه ۲۴ آبان وزیر امور خارجه را ملاقات کرده روز شنبه نامه ها را بایسان دادیم و مسطر روز سر میانی شدیم که از طرف دربار روز سه ۲۲ آبان مطابق ۱۳ نوامبر ساعت ۱۱ برای سر میانی حضور رئیس جمهور معین شد

سر میانی

دکتروان سیچه Vanchitche وزیر امور خارجه و مارشال دربار و رئیس سر بهات رئیس جمهور و رئیس سر بهات وزارت امور خارجه مایکمر مرحم آزان هر اسه در موضع سر میانی حضور خواهند داشت و روز موعود ساعت ۹/۵ دو از یومین دولتی نارتمس



سر میانی سفیر کسیر ایران

تشریفات دربار و رئیس تشریفات وزارت خارجه برای مراقت و هدایت هیئت سفارت کبیرای ایران در عمارت سفارت حاضر شدند و در کشور چین اوتومبیل های دولتی را دویروق در دو طرف اوتومبیل نصب مینمایند و عده موتوسیگنت سوار اسکورت مینمایند دو ساعت ده و سه ربع در اوتومبیل اول سفیر کبیر ایران و رئیس تشریفات دربار و در اوتومبیل دوم رئیس تشریفات وزارت خارجه بامستشار سفارت و در اوتومبیل کوچک خودمان دوناب دویم حرکت کردیم .

سفارت ایران دارای يك مستشار و يك تایپ دویم بود ولی در شانکهای معلوم شد که دولت چین برای ژنرال قونسول ها و نواب آنها مسزایی کر دینماتیک را منظور نمی نمایند و بهمین جهت سایر دول ژنرال قونسولهای خود را بعضویت سفارت خود مفیم شانکهای معرفی می کنند باین جهت من آقای فریدون دیبا را به هنگنک احضار کردم و در روز شرفیایی خود بدربار بردم .

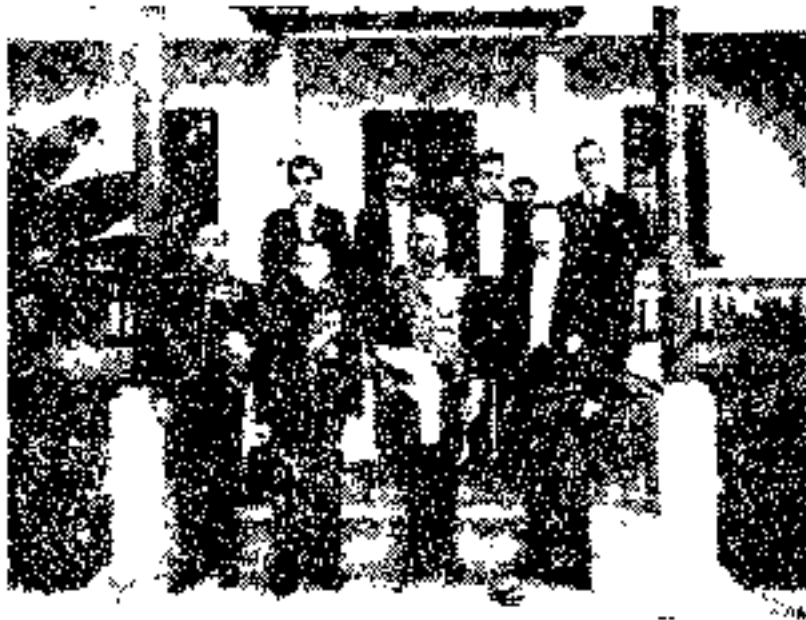
۷ دقیقه ساعت ۱۱ وارد درورودی قصر ریاست جمهور شدیم گذارد نظامی احترامات لازمه را بجای آورده و دسه موزیک سلام ایران را نواخته من و آقای قدیمی بالباس تمام رسمی و دوناب دویم سفارت بافراک ملبس بودیم پس از ورود در اطلاق مارشال دربار پنج دقیقه توقف کرده بطرف سائن رئیس جمهور حرکت کردیم طرف دست راست من مارشال دربار و دست چپ رئیس تشریفات دربار و پشت سر من مستشار سفارت و در دست راست او رئیس تشریفات وزارت خارجه و پشت سر آنها نواب سفارت وارد سائن شدیم در صند قدیمی بکمر نیه و در منجاء قدیمی در مرتبه دویم و در پنج فنی برای دفعه سویم تعظیم کردیم رئیس جمهور بالباس نظامی و وزیر امور خارجه بافراک و نشان منظر بودند رئیس جمهوری بمن دست داد و من نامه های اعلیحضرت شاهنشاه منبوع معظم خود را بر رئیس جمهوری تقدیم کردم .

رئیس جمهور از اعلیحضرت شاهنشاه احوال پرسی فرمودند من بانسکر جواب عرض کردم و استدعای معرفی همکاران خود را نمودم و آقای میرزا جواد خان قدیمی را سمت مستشار سفارت کبیری و آقای عینی اصغر پارسا و فریدون دیبا را سمت نیابت دوم سفارت کبیری معرفی نمودم .

رئیس جمهور نامه هارا دادند وزیر امور خارجه و بعد يك معظم کرده عقب در ۴ هدی معظم تریم و در پنج دقیقه قدیمی تعظیم سویم را نموده طرف چپ گرد کرده و از سائن رئیس جمهور خارج شدیم در اطلاق مارشال يك گیلان شامپانی بسلامتی اعلیحضرت شاهنشاه ایران نوشیده و در موقع خروج مجدداً مارشال ایران نواخته شد و احترامات نظامی عمل آمد و با همان تشریفات سفارت مراجعت کردیم .

ساعت ۱۱ و سه ربع مارشال دربار و رئیس تشریفات دربار و رئیس تشریفات وزارت خارجه و رئیس اداره ممانک اسلامی سفارت ایران آمده مارشال از طرف رئیس جمهور خبر مقدم گفته و بسلامتی رئیس جمهور يك گیلان شامپانی صرفه شده يك قطعه شکر برداشته و آنگاه مراجعت کردند .

برحسب تعیین وزارت خارجه روز چهارشنبه ۲۶ آبان با این زور و سبلندر به همراهی



معاون تشریفات وزارت خارجه با مستشار و نواد سفارت دسته گل بزرگی تهیه کرده با آرامگاه سون یاتسن بدرجه پوریت حرکت نمودیم و این آرامگاه که از ابتدای ورود تا مقبره ۳۸۵ پله ارتفاع دارد پیمودیم در اطاق جلو که مجسمه سون یاتسن را گذارده اند دسته گل را در پای مجسمه گذاردیم و بعد داخل مقبره که سینه مقبره اعلیحضرت رضا شاه کبیر است وارد شده در اطاق زیر که قبر در آنجاست از زرده بالا نماشا

بازدید مارشال دربار چین از طرف رئیس جمهور

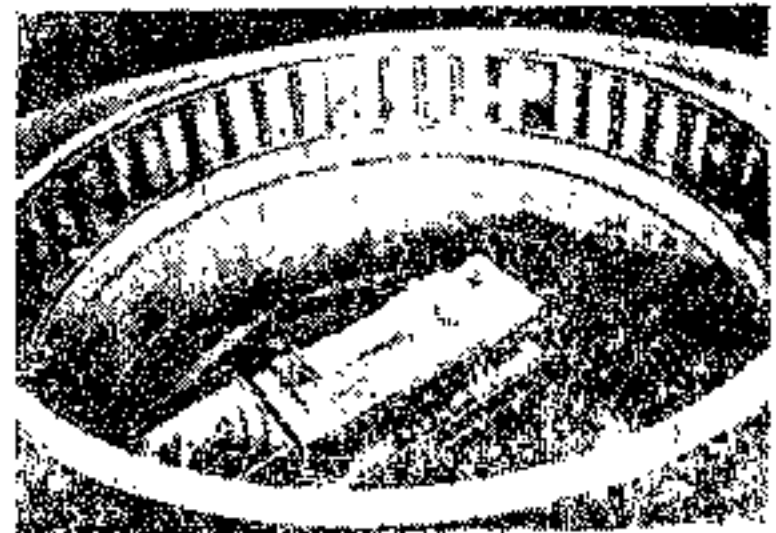
کردیم و نئی مقبره اعلیحضرت شاهنشاهی مجلل تر است

و روی قبر سون یاتسن يك بیرق دولت چین کشیده شده بود بعد بطرفی که احقران این محل است از مقبره خارج شدیم و عده از نظامی ها که همیشه در آنجا بنام گزاره احرام موافق هستند احقران نظامی بعمل آوردند.

این محوطه که در دامنه این تپه واقع شده است تمام مشجر و امسام کاج بقدری که در این محل دیدم که در هیچ يك از ممالک دیده نشده است و در تمام قسمت ها گل کاری بسیار زیبا دیده میشود و نم کت های سمیتی برای نشستن ساخته شده و تمام مجاری آب سبزی و لوئی کسی سده است و در شهر نانکینگ یکی از باصفایان این نقاط همین مقبره سون یاتسن است و تمام سفرای دول س از سرفیایی دسته گل پای مجسمه بدرجه پوریت گذارده و احقران هم با این مجمل با نظر احقران بطر مسکنند پس در انجام این تشریفات به وزارت خودمان مراجعت کرده با مأمور وزارت خارجه خدا حافظی نمودیم.

پس از سرفیایی خون ادبانیس بعمل آمد باید از همکار های خود دیدن نمایم

و بر طبق برنگی بطور الوده می الازم از سفرای کبار و بعد از وزیر مختار ها و بعد سایر دایرها دیدن نمودم و آنها نیز هر یک رسماً بازدید کردند و ضمناً برای تکمیل اتمام سفارت برای نوروز سالکهای و تمام احتیاجات سفارت را تهیه کردیم و معط سربس غذاخوری با مارک سیر و خوردن شید حاضر بود که دستور دادیم از



قبر سون یاتسن

لیدن تهیه نمایند و آنچه بقره آلاب لازم بود از طهران بقره سیاه قلم کار اصعبان تهیه کرده بودم بقره سیاه قلم در جن البته خیر تازة بود ولی شخصاً پستمان شدم زیرا بقره کاری چسبندگی عالی و مزین دارد که عمل بپهوده مرکب شده بودم

در هر حال گلدان بزرگ برای وسط مریه خوری و سکنان و برسیگاری های بقره هم ارشاد گپای و سروس منرویات هم تهیه نمود و باین جهت سفارت از حیث فرش و مبل و مبل بهار خوری و دفتر باحدی مصلح بود و سپاه نقصه مبل سفارت سروس غذا خوری بود که مناسبانه و بی رسید که عیناً به سفارت کرای ایران در کراچی بخواهیل گردید و بطریقی که مهمانی های رسمی همکارها شروع شده بود من مجبور بودم در تکمیل اثاثیه سریع نمایم که سواهم مهمانی ها را جواب بدهم و بهین جهت بعد از امکان سریع شد و موفقیت هم حاصل گردید

بعینه دیگر او بومیل سفارت بود که آقای ساری سنگراف کردم بک او بومیل کاد بلاک برای سفارت خریداری کرده بیمه آبرو سنگراف نمایند که حواله بنام آقای ساری جواب داد اعیان سفارت چه مبلغ است

این جواب قدری بی ادبانه بود زیرا من گفتم بودم هر منعی هست اطلاع دهید با حواله بنام و این جواب بیک سفر کسری دور از اصول بود زیرا من ناچار بودم که اعیان من بخرم بود

باین جهت جواب دادم لازم نیست آقای حاجی محمد ساری هم که سوار مرد مؤدبی است موافق استباه خود شد و عنبر خواهی بود ولی دیگر گندسه بود من بهر دانستم که در خود با یکیک او بومیلی تهیه نمایم و باقی آقای حسابانده ضروری و زمر محسار او باستان بک او بومیل بیوک بازه وارد کرده بود که بهر وسند من از این موقع استفاده کرده این او بومیل را نه ۳۵۰۰ دلار آمریکا خریداری کردم و با حدی او بومیل آبرو بندی بود و چون سایر سفرای امریکای جنوبی و اعیانستان از موفقیات خود سوء استفاده کرده این قبیل چیزها را وارد کرده و از معافیت گمرکی سوء استفاده میکردند من بهر دانستم که حتی الامکان از خارج چیزی وارد نکند و چون اولین سفر کبیر ایران باین مملکت هشتم بصورت بود که ما هم مثل سفرای امریکای جنوبی منظورمان تجارت و سوء استفاده است و در تمام مدت اقامت در حین حسی سیگار بزرگ هم از خارج بخواهیم و باقیمه گران بر در بانکست - بیداری بودم که اساساً بهاصناف معافیت گمرکی نکند و این عمل سفارت کرای ایران در روز اول امور خارجیه حین سفار حسی اثر کرده بود و گفته بودند فقط سفارت کرای ایران است که با کمون معافیت گمرکی باصفا بکرده است

حالی که شرح سفارت خود را با ورود بای تحت حسی شرح دادم لازم میدانم اطلاعات مجدداً جمع آوری و باز حسی شرح دهم که با حدی مورد استفاده قاره این محترم قرار گیرد و پس از شرح مجدداً موقوف مساهلات و اطلاعات و استیضات خود را ذکر نمایم

مسافرت و جمعیت چین

کشور حین محدود استار طرف شمال بسرنای سوزوی و از طرف مغرب بگوسه سگه نامر (اعناستان) و هندوستان و از جنوب سیام و برمه و هندو حین و از سری باو فیلیپین

کثیر و همسایه گوی کسور زاپون و مجمع الجزائر فلیپین.

مساحت کسور حین در لاروس ۱۱۷۹۵۱۰۰ کیلومتر مربع و آفرای داویند سچو من
۱۵۶۰۰۰۰۰ کیلومتر مربع میسوسید ولی در سحیفن دستو من بطور قطع روس نسبت
که تمام معولستان خارجی و بی و فر مر آ یا حرق این مساحت میسود ناحیه و ملاک این سحیفن
چیس و در هر حال مساحت اسکسور با تمام مناطقی که ذکر شده بدو آردده مننون کیلومتر
مربع سیر سدر برا طبق کتب مشویه حسی مساحت تمام حین (کیلومتر مربع ۱۱۵۶۲۱۸۴)
و فر مر ۱۳۸۸۶ کیلومتر جمعا (۱۱۵۷۶۰۷۰ کیلومتر مربع است

جمعیت حین را از چهار صد و سی و هشتاد و پنج میلیون و سیصد و پنجاه و پنج
در کسور حین تحقیق نمودیم جمعیت تمام کسور چین با معولستان خارجی و جمهوری و بی
و فر مر قطعاً از چهار صد و هشتاد میلیون تجاوز میکند

زاد چین

اهالی این کسور از پنج براد تشکیل مسود (۱) براد حینی که براد اصلی حین را
سکن میدهند که در سواحل رودخانه زرد ساکن بوده و بعدها قسمتی حینی را بر
مختار ساخته و سکونت اختیار کردند (۲) زاد من که مقصود براد منجوری است (۳) براد
هوی که کلمه هوی از (هویوش هوی) منسی شده و این براد که بعضی آنها را رگ می
گویند بواسطه آنکه مدتی نامع حکومت برک بوده است آنها را برک بر منگویند و
بعد از علمای براد سانس معلها را از براد منجوری میسازند منجل سکونت معواها در منطقه
ماه منغولیا بوده و مدتی بعد منطقه جنگر و بواده گان او فراد گرفته (۴) براد حوی که
براد مسلمان حین است این براد نادونام نامیده مسود یکی براد حین حوی که در برکستان
ساکنند گوی میگردند و دیگر براد حین حوی که در داخل کسور حین سکونت دارند زبان آنها
برکی است ولی سیر برکی معزلی تکلم میسازند و این براد مسلمان بوده و عادات مسلمان
حینی حفظ کرده اند و در واقع عادات رسوم آنها معزول حینی است از عادات اسلامی و
حینی و کرار این حینی هم میسازند و از این مقدمه معلوم مسود که اسلام بنوا بسینه رگ
ها حین داخل شده است و کلمه حوی را از ویفور گرفته اند و حینی ها دین اسلام را حوی حینا و
من گویند منی دین ویفور را برکی (۵) براد حینی را می که براد است و حینی ها این
را برکی منگویند و این براد همان ساکن است

۱- معزلی از حوی زرد برک در سیر دراری مسگادارند سلسله دراهم حینا و این
۲- حینی حینی در زبان و بدستان منون هوو مردها ز من و سسل مدار است و حینی مردها
منه در سیر و کینی کلکوره میسازند و در لتهپازا بر من سید و این سحیفن من مردها را مسوران
شدند و از راعودها مسور مردها هو بداند و در سیر و سیر اصلاندار و هوی است که
۳- من مردها در راعودها از من سید نظر این که اول من منسی که وسیدن نام من را سحیفن
دند و بعد از بوده است و این است و سیر مثل ار حین بنامند کرده اند و این سحیفن من
استان که سانس من و من و سینه و د بواسطه و من استعمال لباس روز بعد از سندن

نژاد به بدنش بهیچ وجه مومی روید و این موضوع را دلیل بر قدمت تمدن ملی چین میدانند و پیر مردها و زنهای مویشان حتی سفید نمیشود و خیلی کم و به ندرت موی سفید در ایشان مسن دیده میشود ولی این موضوع منحصر بنژادخن که نژاد اصلی چین است میباشد و سایر ساکنین این کشور و نژاد اربعه دیگر دارای این مزیت نیستند.

حکومت چین

تشکیلات کشور چین شبیه بهیچ يك از ممالک عالم نیست و بطوری که بعداً ذکر خواهد شد این کشور دارای تشکیلات مخصوصی است ولی قبل از اینکه بشرح و توضیح تشکیلات کشور چین پردازیم ناچار باید بطور خیلی اختصار اصول حکومت چین که قبلاً سلطنت مستبد و بعد جمهوری شده است بیان نمایم.

دولت چین از قرار نوشتهجات مورخین چینی تقریباً از پنج هزار سال قبل سلطنتی بوده و قسمتی از تاریخ گذشته هنوز هم برای ملت چین تاریک است ولی آنچه معلوم و مورخین ضبط کرده اند بیست و پنج سلسله در این کشور سلطنت کرده اند که عده آنها را تقریباً ۲۵۰ نفر نوشته اند از این عده سه نفر ملکه و ۲۴۷ نفر پادشاه بوده اند که باصطلاح محلی خاقان نوشته میشود و کلبه خاقان بجای قیصر یا امپراطور یا شاهنشاه است و از این ۲۵ سلسله سلاطین چینی دو سلسله را خود چینی ها خارجی میدانند یکی سلطنت مغولها که ۱۹۰ سال در چین سلطنت کرده اند و دوم سلسله منچو گو که ۲۶۸ سال سلطنت کرده اند و چینی ها سلسله منچوری را هم خارجی میدانند در حالی که منچوری هم جزء کشور چین و در حقیقت نمیتوان آنها را نسبت بمملکت چین خارجی دانست و بالاخره در ۱۹۱۱ مطابق ۱۳۲۹ قمری به پیشوائی سون یاتسن حکومت سلطنتی پس از چند سال که دوچار انقلاب و تشنجات شدید شده بود در ۱۹۱۲ میلادی جمهوری گردید.

اصول حکومت چین مثل سایر سلاطین مشرق مستبد و خاقان اولوالامر بوده ولی مثل سوابق تاریخی ایران در هر ایالتی یک نفر مقتدر تمام امور را در دست داشته و در امور داخلی آن حوزه مطلق العنان بوده که تا حدی مطابق اصول ملوک الطوائفی حکومت میکردند.

آخرین پادشاه کشور چین ملکه بوده است از سلسله منچو گو موسوم به (چی شی تایخو) که در ابرقیام آزادی خواهان بریاست سون یاتسن در ۱۸۹۵ هجری در شهر کوانچو انقلاب شروع گردید و حکومت مرکزی آزادی خواهان را سر کوبی کرده عده مقنول و بقیه فراری شدند ولی مجدداً خود آراعی کرده و در هر قسمتی بر علیه حکومت مرکزی انقلاباتی ایجاد نمودند تا اینکه پس از ۱۷ سال زد و خورد موفق شده در بین قشون هم تبلیغاتی کرده و بالنتیجه در ۱۹۱۲ با همراه کردن (ژون شی کای) وزیر جنگ ملکه مجبور یا استعفا شده و حکومت سلطنتی چین تبدیل بجمهوری گردید ولی ژون شی کای که بریاست جمهور انتخاب شده بود بخیال سلطنت افتاد و در مقابل خود فقط حزب تونگ منک هوی که بعدها تبدیل بگمین تانگ شد و در این حزب جان کای چک ایدرو پیشوا گردید مانع اجرای خیالات او بود معیناً عده از



متنفذین را با خود همراه کرده اعلان سلطنت نمود و طی این سلطنت دو سه سال بیشتر دوام نیافت و آزادی خواهان بر ریاست سون یاتسن قدم بقدیم در ایالات قشون دولت را شکست داد و بالاخره در ۱۹۱۵ که ژون شی کای فوت شد آزادی خواهان دکتر سون یاتسن را بر ریاست جمهوری انتخاب نمودند و مشارالیه در ابتدای حکومت جمهوری مجبور بچنگهای داخلی گردید و پس از زحمات زیاد تا حدی اساس حکومت جمهوری را مستحکم نمود مدت ریاست دکتر سون یاتسن ده سال بود و در ۱۹۲۵ فوت نمود و چون پکن مرکز و پای تحت حکومت مستبدانه خاقانی بود آزادی خواهان موافق باین تحت بودن پکن نبودند و این خیال بقدری قوت گرفت که پس از فوت سون یاتسن جنازه او را هم از پکن بنانکنیک حمل کرده و در روی تپه که در شمال شرقی این شهر واقع است دفن نمودند آرامگاه سون یاتسن یکی از باغهای بسیار زیبا و از ابتدای

دکتر سون یاتسن جمهوریت کشور چین

این باغ تا فته این کوه ۳۸۵ پنه ارتفاع دارد و تمام این باغ مشجرو با گل کاری بسیار زیبا تزئین شده است و چون اعلان جمهوریت در نانکنیک شده بود باین تحت کشور چین را بنانکنیک منتقل کردند پس از مرگ دکتر سون یاتسن که در چین اورا پدر جمهوریت لقب داده اند ژنرال چای کای چک زمامدار و جانشین سون یاتسن گردید که مادر قسمت مشاهدات خود در چین سوابق و علل زمامداری و جدیت و خدمات چای کای چک را ذکر خواهیم نمود .



ژنرال چای کای چک باقیام ایالات

بر علیه مرکز حکومت جمهوری

در جاز گردید و با چنگهای متعدد و زرد و خورده های متوالی بالاخره موفق شد تا حدی حکومت جمهوری را مستقر نماید ولی قبل از آنکه وارد دره موضوع اصلی خود شویم باید مختصراً سیاست دول بزرگ را در چین شرح کنیم تا مشکلات حکومت چین را بتوانیم درک نماییم .

یکی از ابنیه های شهر نانکنیک

سیاست دولت معتدله در چین

تاریخ قرن هیجده و قرن نوزدهم قرن استعمار است که دول اروپا بیروسپله و هر دست

آویزی بدول آسیا و بممالک افریقا حمله کرده و به يك عنوان سلطه خود را بملل تعمیل مینمودند یکی از ممالک پر جمعیت و پر ثروت کشور پهناور چین است که پس از سلطه فرانسه ها و انگلیس ها به هندوستان مورد طمع و حرص و آزار این دو دولت قرار گرفت و با این که قشون فرانسه در هندوچین از چینی ها شکست خورد معینا با اقدامات سیاسی و بندوبست های دیپلماتی هندوچین تحت سلطه فرانسه مستقر گردید و رسماً جزء مستعمرات فرانسه شد دولت انگلیس چندین مرتبه بچین حمله کرد و این فشارها بقدری زیاد بود که ملت چین را با تمام بردباری و خونسردی عصبانیتی میکرد چنانکه یکمرتبه وزیر مختار انگلیس بعنوان این که خاقان چین باید سن را فوری بپذیرد و خاقان بواسطه سر بیض بودن بچند روز بعد محمول نموده بود کشتی های جنگی انگلستان سواحل چین را بمبارده کردند و دفعه دیگر در اثر اقدامات تجاوزکارانه و تعدیات ژنرال قونسول انگلیس در نانکتینگ اهالی شورش نموده و ژنرال قونسول را بقتل رساندند و از این پس تحریکات و اقدامات تجاوزکارانه اروپائی ها بقدری در کشور چین زیاد واقع شده است که خود کتابی جداگانه بایستی برشته تحریر در آورد و این اقدامات انگلیس ها و فرانسه ها طمع دولت امرای طوری روس را نیز بجوش آورده و آنها هم بنوبه خود در مغولستان خارجی و منچوری شروع با اقداماتی کردند و بالاخره ملت چین و اشخاص منورالفکر باین فکر افتادند که وطن خود را چگونه از چنگال دول ضایع نجات دهند این فکر موجب انقلاب و تغییر رژیم گردید که حکومت خاقانی را بجمهوریت مبدل نمود ولی بطوری که ما ایرانی ها کاملاً در این قسمت گرفتار دو همسایه منجاوز بودیم و بیروسیله ما را میتراشیدند دولت و ملت چین هم بهین درد مبتلا بود مثلاً در ایران روس ها قفقاز و ترکستان را از ما جدا کردند و انگلیسها افغانستان و بلوچستان و تمام سواحل خلیج و عمانات را از ما جدا کردند و با تحریک عثمانی قسمت عراق عرب و بغداد که باغ داد انوشیران است و هنوز خرابه های بای تخت ایران (مشائین) در این شهر خود نمائی میکنند و بصره و غیره را از ما جدا کردند و حتی در کمیسیون سرحدی ۱۳۳۰ قمری در قسمت شمال حق برای ما قائل و در قسمت جنوب برای عثمانی ها ایجاد حق مینمودند و در روس ها با آذربایجان ما و انگلیسها به بغداد و سواحل بصره چشم طمع دوخته بودند عیناً همین رویه در کشور چین تعجب میشد تب تب را انگلستان تحت نفوذ قرارداد و مغولستان خارجی و حتی منچوری را روس ها تحت سلطه و نفوذ خود گرفته و بندر پرت ارتورا مجهز کردند فرانسه ها هم که هندوچین را برده و در آنجا طمع آلمان بجوش آمد و بعد از آنکه در جاک ۱۸۶۴ و ۱۸۹۵ دولت چین در مقابل ژاپون شکست خورد دولتهای انگلستان و روسیه و آلمان و فرانسه و ژاپون هر ایش خطه وسیعی را بعنوان منطفه نفوذ متصرف شدند دولت امریکا که این رویه را برخلاف منافع تجارتی خود تشخیص داد اقداماتی نمود که منجر بتعهد دول معظمه برای آزادی تجارت که معروف به (در باز) گردید چینی ها از این عملیات عصبانیتی شده و جمعیتی بنام بوکسر ها تشکیل داده و سفیر کبیر آلمان را در پکن کشتند و در نتیجه اقدامات دول اروپا بوکسر ها مغلوب و دولت چین مبنغسی بعنوان خسارت

پرداخت ولی امریکائی ها چند سال بعد نصف مبلغ مأخوذه را بچینی ها مسترد داشته و بعدها در جنگ تریاک بازم چین مغلوب و هریک از دول معظمه سهمی بردند و جزایر هنگکنگ را انگلیس برده و شهرهای شانگهای و تین تسن را بین المللی اعلان نمودند و در این جریان دولت ژاپون هم که ۸۰ سال است وارد درجه دول معظمه شده است و از این خوان بخواهم سهم بیشتری ادعا نمود و بالاخره در شهرهای بین المللی ژاپون هم يك محله را تصرف نمود جزیره فرمز و چند جزیره دیگر را هم که قبلاً بود و بالاخره چون روس ها طعمشان مثل انگلیسها حدی نداشت ناچار در شرق اقصی جنگ ۱۹۰۴ در گرفت و روسیه اجباراً از پرت ارتور و منچوری دست کشید و ژاپون گذشته از تصرف کره و نصف جزیره ساخالین يك حریف را هم در چین از میدان بیرون کرد و بخیال تصرف منچوری و بعد تمام چین منتظر فرصت شد تا در جنگ اول بین المللی که آلمان را هم بیرون راند و کیاچو در ایالت شانگونگ و کلیه جزایر اقیانوس کبیر در شمال خط استوارا که سابقاً سهم آلمان بود تصرف نمود ولی حریف دیگری از مشرق وارد صحنه شد که از ۱۹۰۵ منافع تجارتمی خود را در شرق اقصی در نظر داشت و مبارزه با او مشکل تر بود چنانکه بعدها ورود دولت امریکا موجبات شکست ژاپون را فراهم کرد ولی موضوع مهم تر در تمام این وقایع سیاست روس و انگلیس و ژاپون این بود که از پیشرفت چین جلو گیری شود زیرا اگر دولت ۵۰۰ میلیونی ارکانیزه و مجهز شود خطر زرد که سالهاست اروپائی ها از آن سخن میرانند پیش خواهد آمد و لهذا در هر قدم از ترقی و پیشرفت چین جلو گیری میکردند تا این که ژاپون دیگر معطل نشد و بدون پیش بینی وقایع آتی بهین حمله نمود زیرا شروع اصلاحات و مخصوصاً تشکیلات نظامی چنان کای چک موجب تسریع در حمله ژاپون شد و تمام کارشکنی ها و جنگها و دخالتها برای جلو گیری از ترقی چین عملی میشد و در خاتمه جنگ دوم بین الملل روس ها موقع را مغتنم شمردند و بدون اینکه متحمل تلفاتی در شرق اقصی بشوند دوباره منچوری را تصرف شده و بندر دایرون (Dayron) را بجای پرت ارتور مسلح کردند و علاوه بر تصرف منچوری اولین خیانتی که دولت کومونیست چین و مائسه تونگ بکشور خود کردند تصدیق استقلال مغولستان بود که در واقع تحریر نمودن این ایالت وسیع بکشور شوروی بود و این عمل اولین اجر و مزدی بود که استالین از مائسه تونگ گرفت و ملت چین با نظر نموجب و تالم آوری باین صحنه می نگرد زیرا بنام وطن پرستی و نوع دوستی و حفظ حقوق کارگروزارع قسمتی از کشور را بروسها تسلیم نمودند. علاوه تقدیمی دویم مائسه تونگ و چوئین لای بشوروی واگذاری بندر دایرون یا پرت ارتور است که بعنوان عدم انعقاد صلح با ژاپون دولت چین کم مونیست اجازه داد که قوای نظامی شوروی بندر پرت ارتور را در تصرف خود نگاهدارد ولی دولتی که بندر نظامی دایرون را در خلیج پیچ لی در دست داشته باشد حاکم بر خلیج پکن بوده و بواسطه تصرف نظامی پرت ارتور البته باید خط ارتباط را هم حفظ نماید و با این امر ساده در واقع حکومت منچوری در دست شوروی باقی می ماند و بطور قطع قبل از جنگ سوم بین المللی روشن شدن اوضاع دنیا دولت شوروی از منچوری دست نخواهد کشید و بعنوان تجدید ژاپون این ایالت را هم تخلیه

نمیکنند و این خیانت دویمی است که حکومت کم مونیست چین نسبت بوطن خود نموده است و اگر درست دقت کنیم باخت انگلیسها و برد روسها را واضح و روشن می بینم زیرا حکومت کم مونیست چین تبت را تصرف کرد و انگلیسها را بیرون راند ولی پس از ۴۸ سال روسیه بآمال خود رسید و بندر پرت ارتور و ایالت منچوری و مغولستان را مجددا تصرف نمود و آیا در آتیه قوه خواهد بود که شوروی را از این دو ایالت مهم و بزرگ خارج نماید مورد تردید است در هر صورت ملت حقیقی چین و اشخاص وطن پرست چین با نهایت بغض و کینه باین دو عمل بوجه دارند تا نارنج دنیا و جنگ آتیه چه تکلیفی برای روسیه معین نماید و در هر حال این قدم اول رسمی بود ولی اگر جنگ سوم بین الملل شروع نشود تمام کشور چین مستعمره روسها خواهد بود مگر این که مائسه نیک و چوئین لای یا لآخره متوجه شده و اگر بتوانند تی توی شرق بشوند والا تاریخ چین این آفایان را خائن بکشور خود ثبت خواهد نمود .

در هر حال منظور این است که در تمام اشدت و از اشدای قیام سون یا تنس کشور چین هم مثل ایران گرفتار نقشه ها و پشت هم انداز بیای دولت معظمه فرار گریه و در هر قدم مشکلی برای لوا ایجاد کرده و تمام انقلابات داخلی بدست خارجی ها و طمع ورزی ژنرال های طماع چین صورت گرفته و مانع از پیش رفت این کشور بودند و حالیه هم در جنگال کم مونیست دست و پامیزند تا مقدر چه باشند و آتیه دنیا در مقابل طمع ورزی دولت بزرگ تا چه حد بخاک و خون کشیده شود و دولی که در مقابل طمع ورزی کم مونیست ها و نقشه های شوم مسکو که پیروی از وصایای پطر کبیر است قرار گرفته اند بچه بدبختی ها و خون ریزی ها دوچار شوند فقط ملل مسلمان عالم باید با یکدیگر متحد شوند و شاید پیاری خداوند منعال از این ورطه هولناک نجات پیدا کنند لعل بحدث الله بعد ذالك امرنا

تشکیلات کشور چین

کشور چین که با اصول جمهوریت اداره میشود دارای سه مجلس است یکی مجلس مؤسسان یا کنگره عمومی کشور که هر ۶ سال یکمرتبه با انتخابات عمومی فردی و مسقیم تشکیل و عده منخبین ۳۰۴۵ نفر که از هر ناحیه یک نفر انتخاب میشود و مهم ترین وظیفه این مجلس انتخاب رئیس جمهور است برای ۶ سال مجلس ثانی مجلس شورای ملی چین (پارلمان) که دارای ۷۷۳ عضو است که مسقیم و فردی انتخاب میشود و وظیفه این مجلس مل تمام پارلمان های دنیا را برون گذاری و نظارت در اعمال دولت است و مدت این مجلس سه سال است مجلس سوم مجلس بعیش امور کشور است که انتخاب آن بوسیله شورا های ایالتی ملی می شود عده آنها ۲۲۳ نفر و برای ۶ سال انتخاب میشوند

رئیس جمهوری

رئیس جمهور که وسیله کنگره یا مؤسسان انتخاب میشود راستن عالییه تمام هوای کشور دارد و رئیس الوزراء مسما از طرفه راستن جمهور انتخاب میشود هیئت دولت چین تشکیل میشود از دو نژده و دوازده هزار رئیس که مسنون بسرح ذیل:

وزیر امور خارجه - وزیر دفاع ملی - وزیر داخله - وزیر دارائی - وزیر ارتباطات
 وزیر فرهنگ و وزیر اقتصاد ملی - وزیر داد گستری - وزیر فلاح و آبیاری و جنگلهای وزیر
 فواید عامه - وزیر خوار بار عمومی و وزارت بحریه - رئیس کمیسیون اداره مغولستان خارجی و تبت
 رئیس کمیسیون صحتیه عمومی - رئیس کمیسیون املاک ملی رئیس کمیسیون چینهای مقیم خارجه:
 هیئت دولت از این ۱۶ نفر تشکیل میشود و مستقیماً مسئول رئیس جمهور و مجلس شورای ملی هستند

رؤسای خمسه

این نامیکه نگارنده مینویسم برای اینست که نام دیگری بیافتم زیرا کشور چین
 تشکیل میشود از پنج قوم: قوه مجریه - قوه مقننه - قوه قضائیه - قوه امتحانیه - قوه نفتیشیه

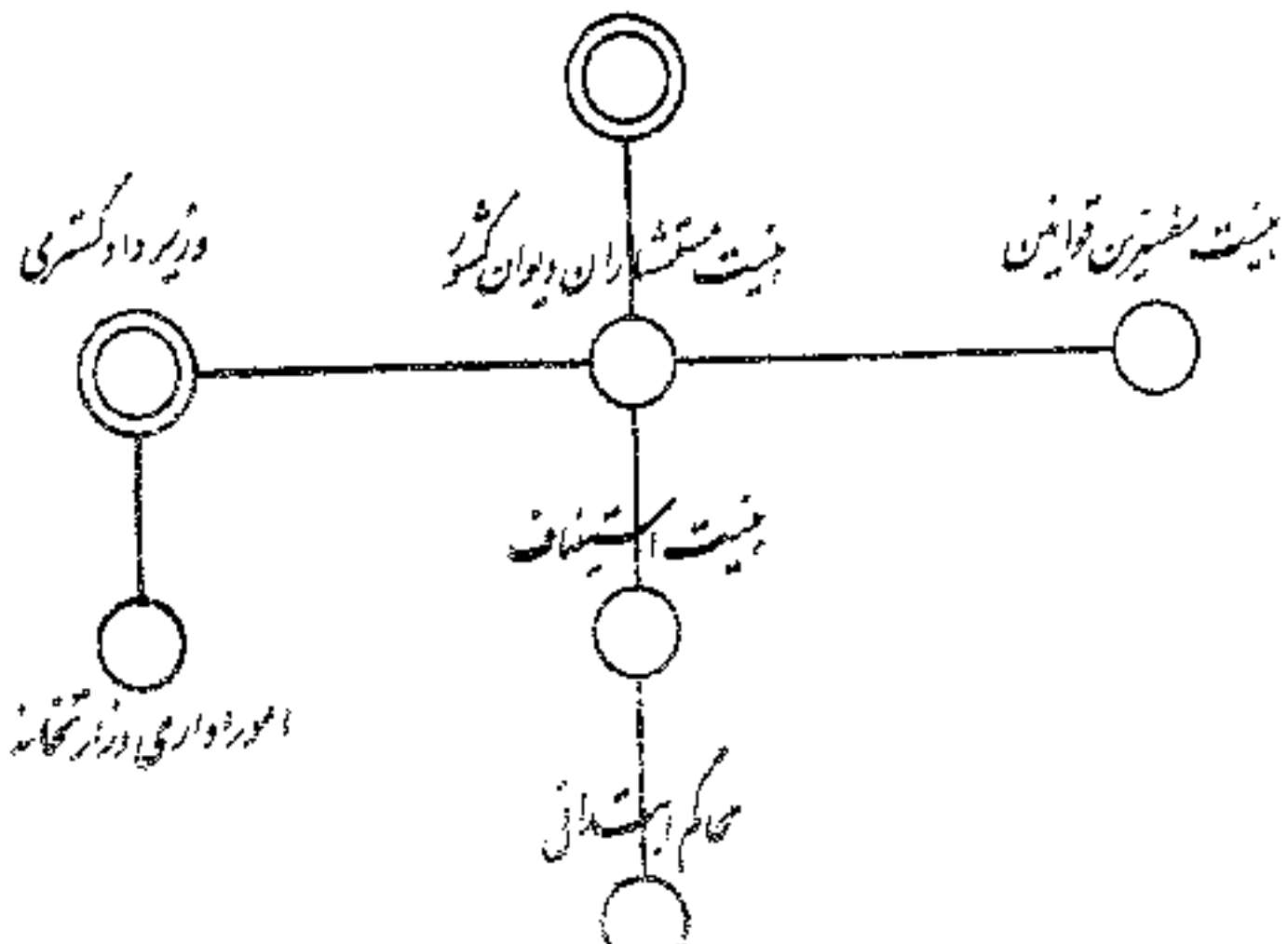
وظایف رؤسای پنج گانه

رئیس جمهور که بوسیله مجلس مؤسسان یا کنگره برای ۶ سال انتخاب میشود دارای
 اختیارات وسیعی است تعیین هیئت دولت و فرماندهی کل قوا و ریاست بر تمام قوای پنج گانه با
 رئیس جمهور است معاون رئیس جمهور نیز از طرف کنگره انتخاب میشود و در موقع استعفا
 یا فوت قبل از ۶ سال قائم مقام رئیس جمهور خواهد بود.

(۲) رئیس قوه مقننه برای مدت سه سال از طرف ملت انتخاب میشود و وظایف رئیس قوه مقننه
 عبارت است از انتخابات نمایندگان کنگره و نمایندگان پارلمان و سایر نمایندگان مجلس نفتیشیه و
 ریاست عالی بر قوای قانون گذاری

(۳) رئیس قوه قضائیه که از طرف عموم ملت مثل رئیس قوه مقننه برای ۳ سال انتخاب
 میشود در رأس تمام قوه قضائیه است و تشکیلات قضائیه کشور چین مطابق نقشه ذیل تشکیل میشود:

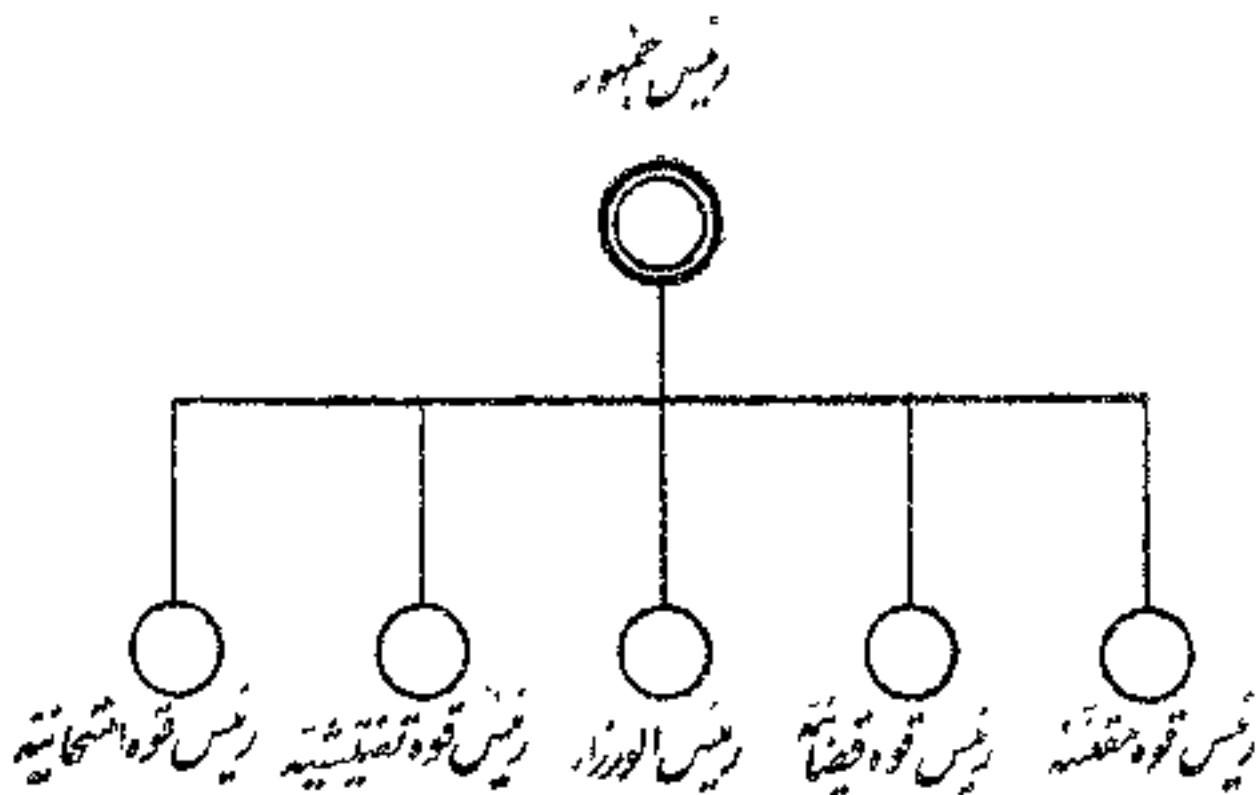
رئیس قوه قضائیه



تشکیلات وزارت دادگستری منحصر است بامور اداری و رابط بین هیئت دولت و قوه قضائیه است دادستانها و دادیارها هم مثل سایر قضات تحت ریاست رئیس قوه قضائیه هستند و وزیر در عزل و نصب آنها دخالتی ندارد.

۴) رئیس قوه امتحانیه نیز برای مدت سه سال از طرف ملت انتخاب میشود وظیفه این قوه کلیه امتحانات و تشخیص صلاحیت تصدی تمام مستخدمین و قضات و کسانی که باید بهر عنوانی خدمتی در دولت بعهده داشته باشند.

۵) رئیس قوه تفتیشیه نیز برای مدت سه سال انتخاب می شود وظایف رئیس قوه تفتیشیه عبارت است از رسیدگی بتمام امور کشور و مجلس ۲۲۳ نفری که از طرف شورا های ایالتی برای مدت ۶ سال انتخاب میشوند نیز بار رئیس قوه تفتیشیه ارتباط خواهند داشت و این قوه حتی در اعمال و رراء و وکلای پارلمان هم حق تفتیش دارد بنا بر این راوس دولت و تشکیلات کشور چین بقرار ذیل خواهد بود

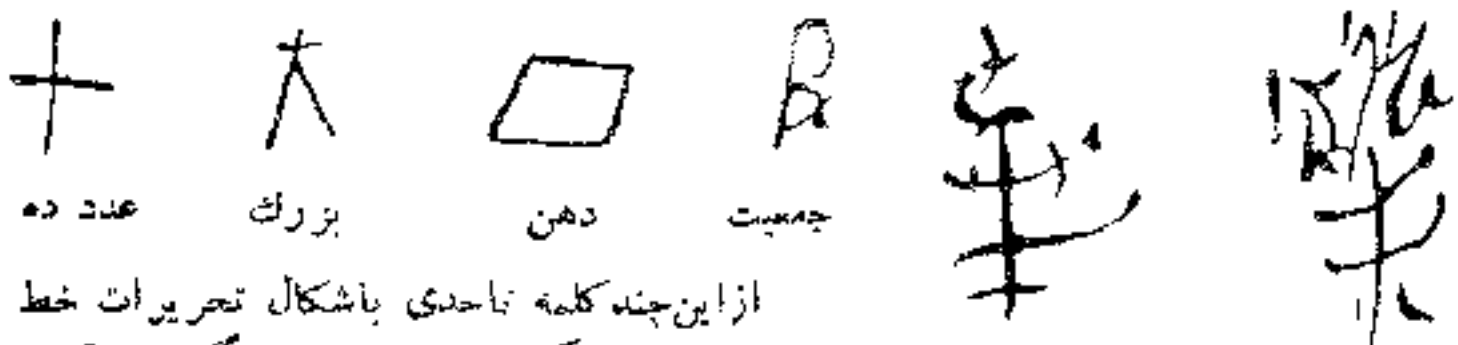
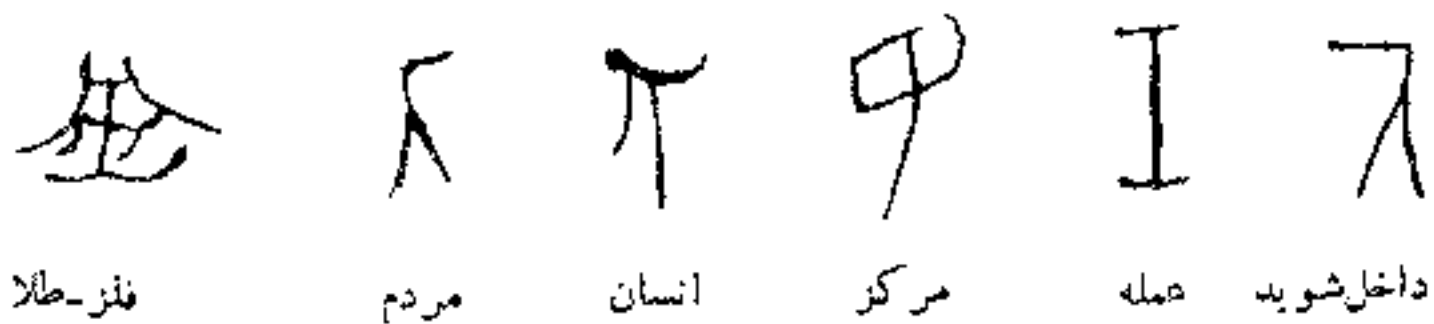


کشور چین از جهت فرهنگی پس از جمهوریت قدیمهای مهمی برداشته و در قسمت های مختلف این کشور دارای علمائی است که از دول منرقی درجه اول کم تر نخواهد بود مثلا علمای شیمیست در چین در تمام دنیا دارای مقام علمی درجه اول هستند و حتی در این قسمت نسبت بسایر علمای ممالک غرب هم همسری نموده و در درجه علمی از آنها کم تر نیستند.

مدارس چین تا زمان حکومت ناسیونالیست ها پرگراش تقریبا مثل پرگرام سایر ممالک است و عده مدارس در تمام کشور چین تا موقع تغییر رژیم بقرار ذیل بوده است مدارس ابتدایی ۲۱۷۷۵۸ - مدارس متوسطه ۲۷۱۹ - و دارای ۱۷ دانشگاه میباشد.

زبان و خط چینی

زبان چینی در تمام کشور یکی نیست و در بعضی قسمت‌ها بقدری مختلف است که محتاج مترجم میشوند. مثلاً مستر استوارت سفیر کبیر دولت امریکا در نانکینگ که سی سال رئیس دانشگاه پکن بوده است چینی پکنی را در کمال فصاحت صحبت میکرد ولی در نانکینگ گاهی محتاج مترجم می‌شد و این موضوع نسبت بسایر ایالات چین هم از همین قرار است و این اختلاف مثل کشور ایران نیست که در لهجه کاشی و یزدی و کرمانی و رشتی و مازندرانی مشاهده میشود اصولاً کلمات معانی دیگر دارد و اکثراً بدون مترجم مذاکرات بایکدیگر را استنباط نمی‌نمایند ولی خط در تمام کشور بزرگ نوع است ولی مناسبانه بسیار مشکل و شاید بیش از ۱۲ هزار شکل را باید شخص محض باشد تا بتواند بخط چینی مکاتبه نماید و من برای اطلاع قارئین محترم چند کلمه برای نمونه در این کتاب رسم می‌نمایم ولی باید متوجه بود که هر کلمه که بصورت نقاشی نوشته میشود دارای معنی و مفهوم مخصوصی است.



از این چند کلمه تا حدی باشکال تحریرات خط چینی توجه می‌شود که چقدر مشکل است اگر چه نه کلمه که نوشته شده است سعی کردم از کلمات سهل تر

انتخاب شود ولی پنج کلمه دیگر درجه اشکال نوشتن خط چینی را تا حدی واضح میسازد و بعضی کلمات از دو کلمه اخیر هم نوشتنشان مشکل تر است و بهین جهت محررین کشور چین خیلی کم و نادر هستند و در جامعه چینی نویسندگان دارای مقام مهمی بوده و حقیقتاً دارای هوش و حافظه فوق العاده هستند

پس از شرح مختصری نسبت به نشکیلات و طرز حکومت اینک بشرح مشاهدات خود در چین می‌پردازیم

وادات و اخلاق و روحیات ملت چین

قبل از شروع باین موضوع باید طرز حکومت را در ایالات و نقاط بعیده تشخیص بدهیم و بعد وارد اخلاق عمومی شده و روحیات این ملت بزرگ را بسنجیم بنا بر این باید متوجه باشیم که این کشور پهناور بمعنائی که ما تشخیص میدهیم تمام تقاطش تحت سلطه قطعی حکومت مرکزی چین نیست زیرا در ایالات مختلف مثل سی کیان سین کیان (ککوار) تبت منغولیا و هانان کوانسی یون نان هر يك دارای ژنرالی است که در واقع خان و فرمانفرمای آن ناحیه است قشونی هم دارد نسبت بجمعیت آن ایالت مثلا کوانسی که ۹ میلیون جمعیت دارد قشونی هم بعده دو بیست هزار نفر دارد و این ژنرالها در مواقعی که از طرف حکومت مرکزی احضار میشوند با قشون خودشان در مرکز حاضر می شوند و حتی گاهی هم حاضر نشده با حکومت مرکزی مخالفت میکنند چنانکه در موقع حمله ژاپون بچین که مارشال چای کای چک مشغول جنگ بود و عقب نشینی میکرد در موقعی که تهمیم گرفت مرکز خود را در شهر چون کینگ قرار دهد خان یا ژنرال آن ناحیه موافقت نکرد و چان کای چک مجبور شد با قوه قهریه وارد این ناحیه بشود و این عمل بماتشان میندهد که رو به خان های محلی در کشور چین از چه قرار است و اگر قدری دقت کنیم بی شبهات بطرز حکومت ایران قبل از سلطنت اعلیحضرت پهلوی نیست زیرا در دوره قاجاریه و قبل از آن هم در ایالات ایران رو اسامی بودند که صورتاً مطیع حکومت مرکزی بوده ولی معناً خود سر و در حوزه حکمرانی خود مطلق العنان بودند مثلاً اقبال السلطنه ما کوائی مطیع ولیعهد و مرکز حکومت نشین آذربایجان شهر تبریز بود و در موقع حمله قشون دولتی بشهر تبریز فرماندهی عین الدوله اقبال السلطنه یک اردوی ۶ هزار نفر بریاست عزت الله خان سالار مکرّم تبریز فرستاد و با آزادی خواهان هم وارد جنگ شد ولی در داخله ما کو امر و دستوری از طرف ولیعهد قابل اجرا نبود چنانکه یک مرتبه فرستاده محمد علی میرزا ولیعهد را بچوب بست و تحت الحفظ روانه تبریز کرد و ولیعهد تلگراف نمود چون نسبت به پیرغلام بی اجزای کرد تنبیهش کردم پنج هزار تومان نقد تقدیم شد از طرف ولیعهد هم بسکوت گذشت در واقع نمونه حکومت رو اسای چینی در ایالات مختلف از همین فرار بود و قشونی که برای کمک حکومت مرکزی میفرستادند مطیع رئیس خود بوده و اطاعتی از ارکان حرب نداشتند مثل قوای چریکی سابق ایران که بختیاری و قشقایی و کلهر و سنچایی و غیره هر يك در موقع جنگ مطیع رئیس طایفه خود بوده و اگر رئیس طایفه در وسط میدان جنگ جبهه را ترک میکرد تمام عده او هم از رئیس خود متابعت کرده جبهه را ترک می نمودند و این موضوع در موقع حمله کمونیستها کاملاً واضح و روشن شد که در موقع خود ذکر خواهیم نمود بعلاوه در بعضی از قسمتهای کشور چین هنوز خارجی قدم نگذاشته و اطلاعاتی از بعضی ایالات چین در دست نیست و شاید تقاطعی هست که هنوز بعد از چهل سال تصور میکنند حکومت چین سلطنتی است و خاقان منغول حکمرانی می باشد و در موقع حمله ژاپون تقاطعی از کشور چین اطلاع از حمله دشمن نداشتند و وسائل از نیاز سایر وسائلی که موجبات سلطه حکومت مرکزی را فراهم نماید فاقد هستند و آنچه محقق است که تحت امر و سلطه حکومت مرکزی است همان حاشیه

لوقیانوس کبیر است که از شمال منچوری شروع میشود (ولی خود منچوری همیشه تحت امر چین نبوده گاهی روس ها و گاهی ژاپونیا در تصرف داشتند) و تاپکن و نانسینگ و و شانگهای و کانتون و چند ایالات مرکزی زیادتر نیست و سایر ایالات ارتباطشان با حکومت مرکزی همان قدر است که مرحوم دوست محمدخان بلوچ در ادوار سابق یا شیخ خزعل یا اقبال السلطه نسبت به حکومت مرکزی ایران داشتند ولی پس از تشکیل حکومت جمهوری سون یاتسن و چان کای چک نهایت جدوجهد بعمل آمد که کشور چین را از کانیزه بکنند ولی بواسطه سیاستهای خارجی و مداخلات اجانب همواره حکومت مرکزی با آنها در کشمکش بوده است و بهمین جهت اگرچه تا حدی موفقیت حاصل کردند ولی هیچ وقت کشور چین بتمام معنی ساکت و اهالی در امنیت و آسایش نبوده اند و در تمام مدت قرن اخیر نقاط مختلف چین با یکدیگر در زدوخورد بوده اند و از طرف حکومت مرکزی هم کمکی بیسیج یک قابل عمل نبوده است ولی سون یاتسن باین کار شروع نموده و چان کای چک که جانشین سون یاتسن شد نهایت کوشش را نمود که قشون چین را از کانیزه نماید و همانطور که اعلیحضرت پهلوی مؤسس قشون ایران است باید تصدیق کرد که مارشال چان کای چک نیز مؤسس قشون چین می باشد زیرا بدو که رئیس مدرسه نظام بود نهایت سعی و جدو جهد را بعمل آورد که صاحب منصبان و ذلیفه شناس تربیت نماید و بعد بوسیله همین افسرها تشکیلاتی در قشون داد و تا حدی که توانست ۸ سال در مقابل قوای ارکانیزه ژاپون مقاومت نماید ولی مهم ترین نقطه ضعفی که تا حال در قشون چین بوده است رقابت و خودخواهی و عدم صمیمیت ژنرال ها با یکدیگر و بامر کز فرماندهی است که ماجزئیات آنرا در عمل شکست حکومت ناسیونالیست در مقابل کمونیست ها بیان خواهیم کرد.

اصول خانواده

در کشور چین مهم ترین ارتباط و اتصال بوسیله اصول خانواده گی مرتب و منظم می شود و می توان تصدیق کرد که بدون خویشی و انتساب خانواده گی هیچ قدری با دیگری کمک نمی کند و این حس در چین بقدری قوی است که اگر کسی در خیابان زیر او نومبیل برود و بعضی از اعضای بدنش قطع شود یا فوت نماید احدی با او کمک نخواهد کرد مگر این که یکی از بسته کان یا افوامش برسند و موجبات نجات یا آسایش او را فراهم نمایند و بهمین جهت در تشکیلات کشور نیز اصول قوم و خویشی و انتصاب کاملاً مؤثر است و یکی از علل شکست چان کای چک همین موضوع است که نسبت با فوام و بسته کان خود بی حد مساعد و حمایت می کرد و بطوری که در کشور چین معروف بود تمام ثروت این کشور در دست چهار خانواده موسوم به خانواده فونگ ، سونگ ، چونگ ، چیانگ بوده است و حتی شنیدم که رئیس خانواده فونگ در امریکا در تمام بانکها اعتباری بی حد و بساطت *ouverte* (باز) دارد و نیز در تمام تجارت خانه های عمده این چهار خانواده شرکت داشته و خانم چیان کای چک بی اندازه از افوام خود حمایت می کرد و گاهی وزیری که معین می شد تمام اعضای وزارتخانه را از بسته گان و افوام خود معین می نمود و همین موضوع

موجب می‌شود که رشوه گرفتن بطور عادی تلقی می‌گردد و بدون ترس و بیم و باطمینان مقامات بالاتر اکثر رشوه می‌گرفتند و هر قدر هم پیمان کای چک سعی کرد که این موضوع را تغییر بدهد و جلوگیری کند کاملاً موفق نشد زیرا یکی از روحیات و اخلاق عمومی چینی پول دوستی است و در تمام کشور چین بکثرت یهودی وجود ندارد زیرا خود چینی‌ها در امور اقتصادی بقدری مبرز و زبردست هستند که هیچ یهودی در این کشور نمی‌تواند استفاده نماید و حتی در سایر بلاد که کلنی چینی‌ها مستقر شده است تمام امور اقتصادی آن ناحیه در دست چینی‌ها قرار گرفته است و وزیر مختار فیلیپین بهمین می‌گفت تمام امور مالی و اقتصادی ما عملاً درید چینی‌هاست و هر قدر کوشش می‌کنیم نمیتوانیم جلوگیری کنیم.

زیرا هوش طبیعی و اخلاق مقتصد چینی‌ها بر ما غالب است و حریف نمی‌شویم و علاقه مالی افراد نیز بعدی است که قابل توجه است و شدت پول پرستی چینی‌ها را در مراسم اعیاد و اظهار تبریک بیان خواهیم نمود و حتی خود مارشال چیان کای چک هم از این رویه عمومی برکنار نیست چنانکه دولت یك عمارتی که بیش از يك میلیون ونیم دلار امریکا تمام شده و منك دولت بود بدکتر سون فو رسون یا تسن هدیه نمود و معلوم نیست دولت چگونه مال عمومی کشور را به يك نفر از رجال آن مملکت هدیه می‌دهد در روزنامه‌ها هم اظهار خیلی داد و فریاد کردند ولی کسی اعتناء نکرد و دکتر سون فو هم خانه را متصرف بود و می‌گفت که این عمل مهمی نیست و یک هدیه دولتی است - *souvenir gouvernemental* مرحمت شده است و وقتی درست دقت کنیم خیلی هم غیر طبیعی تلقی نمی‌شود و از همین قرار نسبت با اصول خانواده گوی عموماً این قبیل مساعدت‌ها را بکلی عادی میدانند زیرا دکتر سون فو رسون یا تسن پدر جمهوریت تاپسری خواهر خانم چیان کای چک است و چون تقریباً خواهرزاده خانم رئیس جمهور است می‌توان مال مملکت را باو هدیه داد و بیشتر استفاده کم مونیست‌ها از همین امور بود که بر ضد حکومت تبلیغ می‌کردند ولی وقتی خودشان هم زمامدار شدند از این رویه مبری نبوده و نخواهند بود زیرا روحیات و اخلاق عمومی مستلزم همین عملیات است و باید سال‌ها بگذرد تا تربیت جدید جای گزین اخلاق سابق شود در هر حال خویشی و اصول خانواده تنها موقعیت قابل توجه و قابل استفاده است که در کشور چین جریان دارد.

احساسات عمومی

بطوری که قبلاً تذکر داده‌ایم ملت چین بواسطه صدماتی که از خارجها دیده و خساراتی که از خارجی‌ها تحمل کرده است و فشارهای ظالمانه و اهانت‌هایی که اروپائیها و ژاپنی‌ها نسبت به ملت چین وارد کرده‌اند عموم ملت چین نسبت به خارجیها تنفر عجیبی دارند و این تنفر بخشی تئوی و غیر قابل فراموشی است که در مواقع مشکل و پیش آمدهای غیر منرفب و نزلت حکومت وضعیت خارجی‌ها بسیار مشکل و خشن ناک است و این تنفر عمومی و خصومت درونی چینی‌ها با خارجی‌ها بقدری همسربوط بر روحیه ملت چیت است زیرا چینی‌هایی نهایت کینه جو و منتظم هستند.

هیچ امری برای چینی قابل فراموشی نیست انگلیس ها در موقع تسلط خود در شانگهای باغیرا برای تفریح و تفریح و کلوپ خودشان معین و مرتب کردند ولی روی همان اصل خودخواهی نژاد آنکلو ساکسون روی در باغ نوشتند (در این باغ سگ حق دخول ندارد ولی چینی حق ورود ندارد) چینی ها این اهانت را بایک کینه و بغضی دیده و تحمل می کردند.

تا روزی که سلطه آقایان انگلیس ها متزلزل شد روی در همین باغ نوشتند (در این باغ سگ حق دخول دارد ولی انگلیسی حق ورود ندارد) در موقعی که قشون ناسیونالیست ها شکست خورد و شهر نانکینگ بدست قشون کم مونیست افتاد کارد سفارت هم با قشون چای کای چنگ عقب نشینی کردند و سفارت ایران بدون مستحفظ بود حکومت کم مونیست هم بنا نوشتند شما Ex. Ann. هستید (سفیر سابق و رسمیتی ندارید گماشتگان چینی سفارت که نوزده نفر بودند فوراً تغییر رویه داده زیرا قبل از ورود کم مونیست ها مردمان مؤدب و وظیفه شناسی بودند ولی پس از ورود کم مونیست ها رویه تمام مستخدمین تغییر کرد و اخراج آنها هم غیر ممکن بود زیرا کمیته کاری کم مونیست مانع بود روابط هم با دولت های خودمان مقطوع و حتی تلگرافات ما را قبول نمی کردند با این پیش آمدها شبها پشت درها را میز و صندلی چیده و هفت تیر زیر سر خود میگذاریم که مبادا شب نوکرها سوء قصدی بنمایند و این رویه منحصرأ در اثر تنفر عمومی از خارجی ها است و برای چینی هم فرق نمیکند زیرا از صورت ما معلوم است که ما چینی نیستیم علیهذا انگلیسی و روسی یا ایرانی و ترك و عرب و غیره فرقی نمیکند و حتی در بازار وقتی میخواستیم خریدی بکنیم همین که صورت ما دیده می شود و معلوم است ما چینی نیستیم ما را واجب الجپاول می دانستند و هر چیزی را چند برابر گران تر بمانفروختند و ما هم چاره نداشتیم زیرا این عمل در تمام دکا کین باالسویه عملی می شد و ما چون خارجی بودیم باید پول زیادتر مصرف کنیم مخصوصاً که وسیله خوبی در دست کسبه و تجار بود و این وسیله پول چین است که هر ساعت در تغییر بود صبح سه هزار جیوای يك دلار امریکا ساعت ده - ۳۵۰۰ - ظهر ۵۰۰۰ يك دلار امریکا و بهمین نسبت لا بنقطع در تغییر بود و ما نمیتوانستیم پول چینی نگاه داریم و بایستی دلار امریکائی حاضر داشته و هر روز و گاهی روزی دو مرتبه بقدر احتیاج تبدیل کنیم.

و همین موضوع موجب استفاده کسبه و تجار بود و وقتی می گفتیم این قیمت گران است میگفتند جیوای تغییر کرده است و این تغییر هم در دست خود کسبه بود و موضوعی که هنوز هم برای من لاینحل است اینست که کسبه و تجار که با جیوای معامله میکردند چگونه از ضرر و ورشکستگی خود جلوگیری می کردند زیرا کاسب یا تاجری که امروز صد هزار جیوای جنس فروخته است با سه نرخ سه هزار و سه هزار و پانصد و پنجاه هزار و فردا صبح هشت هزار و پانزده هزار و بیست هزار جیوای يك دلار می شود و این کاسب و یا تاجر امشب چه میکند که صد هزار جیوای او که امروز مثلا چهل یا سی و پنج دلار امریکا بوده فردا صبح میشود بیست دلار و این ضرر و خسارت را چگونه جلوگیری میکند

و من توانستم بفهمم و هنوز هم برای من لاینحل است.

احساسات و تنفر عمومی چینی ها از سایر ملل تاحدی حق با ملت چین است زیرا اروپائی ها و ژاپونی ها از هیچ جنایتی و از هیچ چپاولی قصور نکردند و اگر قدری انصاف و وجدان را قاضی قرار بدهیم نمی توانیم زیاد بملت چین خورده گیری کنیم زیرا سال ها منتها درجه سختی و اهانت را بملت چین روا داشتند و حال قدری انصاف بدهیم عملی که انگلیس ها با ما ایرانیان کردند چه لزومی داشت.

پس از استعفای اعلیحضرت پهلوی برای چه انگلیسها مانع شدند که اعلیحضرت فقید با امریکای جنوبی رفته و بطور آزاد بقیه عمر را بگذرانند و بآن طرز فجع و بی ادبانه اعلیحضرت را بجزیره موریس بردند در حالی که هیچ علتی مستنزم این عمل نبود زیرا اعلیحضرت پهلوی ناپلئون بناپارت نبود که بعد از مراجعت بفرانسه جنگ و اترلو را ایجاد نماید و بعقیده من نسبت به ناپلئون هم حکومت انگلستان بر خلاف شرافت و عدالت و جوانمردی رفتار نمود زیرا ناپلئون بملت انگلیس پناهانده شده بود و ملتجی را هیچ قانونی محکوم به حبس نمی نماید و این عمل بزرگترین لکه سیاه در تاریخ حکومت انگلستان است.

و نسبت بملت ایران این عمل بدرجات فجع تر بود زیرا بدون اینکه هیچ موجبی برای دشمنی و خصومت اعلیحضرت پهلوی نسبت بانگلستان موجود باشد (و وطن پرستی پهلوی دشمنی بانگللیس نبود) دولت انگلیس بملت ایران این اهانت را روا داشت که نتیجه آن تحریک احساسات عمومی و تنفر فوق العاده ایرانیان و با مال خلع ید و بیرون کردن انگلیسها از ایران و عدم پذیرفتن آنها در موسسات نفتی است که تنفر فوق العاده جامعه ایران نسبت بانگللیسها موجب این پیش آمد است منتها ملت ایران ضعیف است و همین ضعف را هم انگلیسها فراهم کردند ولی اگر ایران قوی بود غیر ممکن بود این اهانت را بپذیرد که شاهنشاه ایران را انگلیسها در جزیره موریس حبس نمایند در هر صورت همین رفتار خشن و غیر خردمندانه انگلیسها موجب شد که چینی ها خود را بدامن روسها ببندازند ولی چینی ها در این قسمت اغفالی شده اند زیرا تصور کردند که روس های کم مونیست غیر از روسهای تزاریم هستند در حالی که اشتباه کرده اند و دنیا ثابت شده است که روس های کم مونیست بدرجات خطرناکتر از روس های زمان تزار هستند و ملت چین تاحدی منوجه شده است و اظهار نمایند گان سوسیالیست ها در مجمع پکن که بعد از شرح خرابیم داد صحت عقیده ما را ثابت مینماید ولی این عمل چینی ها فقط و فقط در اثر چپاول و سوء عملیات انگلیسها بود امریکاییها هم اگر ضروری می بینند بواسطه همکاری بانگللیسهاست.

و در هر حال روسها فقط عااسک خود را عوض کرده اند سابقا با تصرف پرت ارتور منچوری را تحت سلطه خود گرفته بودند که با سر نیزه ژاپونی ها بیرونشان کردند حالا بندر دایرن را تصرف کرده بمنچوری حکومت میکنند ولی اصل همان است و وصیت بطر کبیر در تمام قسمت ها بسوء عمل گذارده میشود و من بیش بینی میکنم که با جنگ سوم بین الملل یا اتحاد رویه تی توئیسم که در چین مابسه تونگ یا جانشین او عملی خواهند

نمود. روس هارا هم از چین بیرون خواهند کرد
ملت چین بهمان اندازه که از انگلیسها منتظر است از روسها بدرجات بیشتر
تفر دارد و اگر امروز هشتاد هزار روسی در چین حکومت میکنند از ترس چان کای چانگ
که در فرمز نشسته و قوای امریکاست ولی بعضی اینکه این مانع مرتفع شود و ملت چین
بنواند بکنفر روس در تمام چین باقی نخواهد گذاشت و وقتی بدقت مطالعه کنیم معلومی
شود که ملت چین دارای صفات متضادی است و بکنفر چینی دارای صفات مخصوصی است
از قبیل بردباری، خونسردی، قناعت و زحمت کش، بر طاقت، صبور، طماع و کینه جو
منتقم و تا حدی شدید العمل و وقتی تمام این صفات را در بکنفر جمع کنیم میتوانیم بروحیات
و ضمنا اخلاق بکنفر چینی پی ببریم زیرا همین صفاتی که ذکر شد و اعمالی که از شخص
ناشی میشود مبنی بر همین صفاتی است که در خون چینی است و در جریان امور همیشه
سعی میکنند که اختلافات با مذاکره حل و تصفیه شود و در این موضوع فوق العاده صبور
و بردبار هستند ولی اگر مذاکره قاطع نبود و اختلاف حل نشد و موضوع بمضاربه و
زد و خورد رسید یکی از طرف باینه مضمحل شود گاهی میدیدیم که دو نفر با کاردهای
بلند شبیه بقمه به یکدیگر حمله میکنند تا یکی از دو نفر کشته شود و یا اقتلا بسختی
مجروح گردد و بواسطه همین صفات و اخلاق و روحیات خارجی ها گاهی دچار اشتباهی
میشوند که به تباهی آنها تمام میشود چنانکه یکروز در شانگهای یک یاور افسر
امریکائی در ریکشا (۱) سوار شد و بمحلی که میخواست برود بیان نمود و حامل ریکشا به
غلط او را بطرف خیابان دیگر حرکت داد افسر امریکائی عصبانی شده زد پیشت گردن
چینی که چرا منرا بغلط میبری شخص چینی بسرعت وارد یک کوچه خلوتی گردید و
با یک ضربه از سینه تا ناف او را شکافت و ریکشا با مقتول را در همان محل گذارده فرار
نمود و بعدها با اینکه نمره ریکشا معین بود قاتل را نتوانستند پیدا کنند (۲)

و نیز در نانکینگ یک دختر بلژیکی ولوسیت خود را در کریدور خانه دکتر پاراکار
Pacar امریکائی گذارده بود که دزدیدند پس از چند روز ولوسیت را مالک اصلی
دید بکنفر ستوان چینی سوار است فوری او را تعاقب کرده بوسیله پلیس دستگیر و ولوسیت
را مسترد داشت تا بعد معما که شود شب همان روز دختر بلژیکی را در تخت خواب خود
کشته دیدند و افسر مذکور بدست نیامد اگر چه مدتی نگذشته بود که ما از چین خارج
شدیم و شاید بعد دستگیر میشد ولی از این قبیل وقایع و واقعه تاجر پرتغالی که در موقع
مراجعت از چین ذکر خواهد شد تمام دلیل کینه جوئی و شدت عمل و تفر فوق العاده است
که این ملت از خارجی ها دارند و باز هم باید انصاف داد که رفتار اروپائی ها و
ژاپنیها با ملت چین بقدری مخالف اصول انسانیت و انصاف و مروت بوده که ملت چین

- (۱) ریکشا درشکه های کوچک که بکنفر آنها میکشد دو قسم است یکی ریکشا
که انسان میدود و حامل را در درون درشکه حمل مینماید دویم بدیکا که یا جلوی آن و یا
پهلوی درشکه ولوسیت باو متصل کرده و بکنفر با پا زدن مسافر را حمل میکند
- (۲) از مقتول که کسی چیزی نشنیده است قاتل هم بدست نیامد ولی این جریان را
اداره پلیس اینطور نقل نموده است .

را پذیرفت .

همچنین در چند مورد دیگر دیده شد که يك فرمانده آرمه که دو بیست هزار فزون دارد برای يك نفع سیاسی یا مادی تغییر مذهب میدهد و از مذهب بودائی نکول کرده عیسوی میشود پس از غسل تعمید تمام آرمه این فرمانده بهم که بودائی بودند عیسوی میشوند و پس از چند ماه با یکی دو سال آن استفاده سیاسی یا مادی که فرمانده خیال میکرد بدست نمی آید فرمانده از عیسویت پشیمان شده ب مذهب بودائی رجعت میکند در این موقع تمام آرمه فرمانده که عیسوی شده بود مجدداً بودائی میشوند مسلمانهای چین که تقریباً بشصت میلیون میرسند از اسلام دو کلمه میدانند (لاله الهی الله ممد رسول الله) گوشت خوک هم استعمال میکنند ولی سایر مزایای مسلمانی و آداب و رسوم این مذهب را نمیدانند پیشوای مسلمانها در کشور چین ژنرال عمر است که اسم چینی او پایچون چی است این شخص بسیار مرد درست و صحیح العمل و خوش عقیده است و رئیس انجمن مسلمین چین است که میتوان او را یکی از شخصیت های مهم و ذی نفوذ کشور چین دانست و نسبت ب مذهب اسلام بسیار متعصب و خوش عقیده و مرد پاکدامنی است .

رئیس روحانی مسلمین در نانکنیک شخصی بود که دستاری بر سر داشت و میگفت در مصر و جامع الازهر تحصیل کرده است در موقع عقد پروین خانم صبیح آقای قدیمی مستشار سفارت کبرای ایران برای آقای پارسا نایب دوم سفارت با این شخص مراجعه کردم قدری ترکی منولی میدانست و متوجه شدم که اطلاعاتی ندارد ناچار خود من صبیح ایچاب را جاری کرده و قبول را روی کاغذ نوشتم و آقای فریدون دیبا صبیح قبولی جاری نمودند و عقد واقع شد و قبالة در دفتر سفارت طبق مقررات قانونی ثبت و تمبر گردید .

منظور اینست که مقررات و قوانین مذهبی بطوری که در سایر ممالک اسلامی جریان دارد در کشور چین نیست و اینکه آقای داوید دینجومین نایب سفارت کبرای چین در طهران که دارای مذهب اسلام است در کتاب خود مینویسد :

(در خلافت عثمان ابن عفان پادشاه چین موسوم به تای چون نسیبده بمدینه فرسناد و تقاضا نمود که مبلغ برای اشاعه دین اسلام بچین اعزام دارند و عثمان سعد ابن ابی وقاص را با عده برای تبلیغ دین اسلام بکشور چین فرسناد) : مطابق با واقع و حقیقت تاریخ بیست زبراً من هر قدر در تاریخ عرب و اسلام تفحص کردم خبری از اعزام سعد ابن وقاص که از سردارهای معروف عرب بود و حتی در کیسیون سته که خلیفه دوم برای تعیین جانشین خود معین کرده عضویت داشته ندیدم بعلاوه پس از شکست ساسانی ها و قتل یزدگرد عده زیادی از شاهزادگان و رجایا دوره ساسانی از راه خراسان و ترکستان بچین پناهنده شده و بیشتر در ایالت سین کیان و مغولستان سکونت اختیار کردند و هنوز اعیان آنها در چین هستند و در آن موقع هنوز اثری از اسلام در چین نبوده است و بعدها پس از سلطه عرب بتمام خراسان و ماوراءالنهر دین اسلام بوسیله ترکها وارد چین شد و آقای داوید دینجومین در همین کتاب خود مینویسد سوزون پادشاه چین برای سرکومی دونفر یافی و مسرد از حکومت ترکستان کمک خواست و ترکها هشت هزار نفر سپاهی بچین اعزام داشتند و پس از ختم واقع مسردین این هشت هزار نفر که همه مسلمان بودند در پای تخت

حکومت موسوم به چان آن اقامت گزیده دینت اسلام بوسیله اینها در چین نمود و حتی قبر سعد بن ابی وقاص را در بندر کوان جو معین بنمایند که باز هم مسند تاریخی ندارد. مرادوات و روابط تجارتنی عرب با چین از قبل از اسلام از راه خشکی و بیشتر از سه راه بوده است یکی راه خن و دیگری راه کنمیر و سوم راه مغولستان و از دریا هم از طریق خلیج فارس تجارت می شد است ولی بواسطه مخاطرات بحری بیشتر از راه خشکی عبور و مرور تجارتنی می شنیده است ولی پس از ظهور اسلام او این مرتبه در خلافت ابو جعفر بن منصور دوانقی که سوسانک پادشاه چین برای سرکوبی آن لوجان بقولی چهار هزار نفر و بعضی هشت هزار نفر از دشمنان را بکمک طلبیده و پس از شکست آن لوجان این عده در چین اقامت نموده و ترویج دین اسلام با این وسیله توسعه حاصل میکنند و حتی در خلافت عثمان ابن عفان و فوجات عرب به بچوجه از اعزام مأموری بچین ذکر می نمودند مخصوصاً از اعزام سعد ابی وقاص که از سردارهای معروف عرب و فاتح جنگ فادسیه بود بکشور چین در هیچیک از منشآت مورخین دیده نشده.

در هر حال از نتیجه مطالعات و مشاهداتی که در کشور چین نمودم معلوم گردید که مذهب اصولاً بطوری که در سایر ملل ریشه دارد در چین نیست البته تمام ادیان میسیونرهای بچین اعزام داشته اند و مخصوصاً عیسویها و بالخصوص کاتولیکها مؤسسات زیاد در چین دارند و عده زیادی اطفال صغیر را نگاهداری و تربیت میکنند و دینت عیسوی را با آنها تلقین مینمایند ولی پس از رسیدن بکارت و خروج از مؤسسات مذهبی عیسوی علاقه باین مذهب اظهار نموده و حتی در صورتی که منافع سیاسی یا مادی اجازه دهد تغییر مذهب میدهند و حتی يك خانواده را در چین شنیدم که سه پسر و دو دختر و مادر و پدر هر يك پیرو یکی از مذاهب کاتولیک و پروتستان و ارتودوکس و مسلمان و بودا و خافان پرست هستند (۱) و این خانواده با اختلافات عقیده مذهبی با هم صمیمانه زندگی میکنند و با رئیس خانواده و برادرها و خواهرها هیچوقت هم اختلاف حاصل نمیشود و این خود بزرگترین دلیل عقان عقیده ذات مذهبی است.

فقیر و بیچاره

جامعه حسنی خیلی بی بضاعت هستند و در قسمت هایی که من دیدم املاک بزرگ در دست سگور بود و تقریباً بشهر مزارع و املاک رراعی چین حورده مالک است و علت العلل این موضوع جنگهای داخلی و انقلابی است که سالها در چین در جریان است و چون هر کس فاتح میسد تمام دارائی مغلوبین را بصرف منسوب و باین جهت منعدین و رؤسای عده نیسر دارائی خود را به هدیه تبدیل می نمودند ولی شاید در ایالات غربی چین

(۱) جماعتی خافان را خدا میدانند و کسانی که موی سر خود را از کاکل بلند کرده و می تابند پیروان این عده هستند.

که من ندیدم و منتفد محلی یک ژنرالی است که تمام قوا در دست اوست املاکی داشته باشند و ملاکین بزرگی هم وجود داشته باشد ولی آنچه من تحقیق کردم بیشتر پاسخ شنیدم که خورده مالکین اکثریت املاک و مزارع چین را تشکیل میدهند و زارعین نیز بواسطه نداشتن وسائل علمی و سد بندی اکثر آزارعشان در خطر کم آبی یا طغیان رودخانه است که زراعشان را ازین میبرد ولی رویهم رفته کشور چین یک کشور زراعتی است و در مناطق مختلف انواع محصولات بدست میآید اما بواسطه انقلابات داخلی که بیش از شصت سال است مستمر آ در چین جاری است باسشنای چند بندر شرقی تجارت تاحدی متوقف و در اثر قشون کشی ها جامعه دوچار فقر و بدبختی و فقط در حدود چهار پنج هزار نفر که همه جزو چهار خانواده هستند متمول بوده و بقیه سرمایه مہمی ندارند از وقتی که شهر های شانکهای و تین تن بین المللی شد و آرامشی بدست آمد متمولین چینی در تاسیس کارخانه ها و شرکتها داخل شدند ولی این تجارتخانه ها و کارخانه ها و شرکتها پس از تصرف دولت چین و حالا که کشور چین تحت سلطه کم مونیست قرار گرفته است نیز ازین رفته است و روی هم رفته جامعه چینی دوچار فقر و نسبت بجمعیت خود حتی از جامعه ایرانی هم فقیرتر هستند زیرا در شهر نانکنک که یک میلیون و دویست هزار نفر جمعیت داشت تقریباً ۱۲ هزار نفر در کرجی و روی رودخانه عظیم یانک تسه زندگانی می کنند و شب و روز توالد و تناسل و خواب و خوراک این عده در درون یک کرجی روی رودخانه در چهار فصل می گذرد و عده زیادی که شغلشان بردن ریگشا است بواسطه تپش قلب و دودیدن زیاد سنشان از سی سال تجاوز نمیکنند و اکثر آ با این سن فوت میشوند و علت العلل پیشرفت کم مونیست در چین سه چیز است که در موقع خود ذکر خواهد شد و آن سه چیز اول فقر عمومی و دوم نبودن مذهب و سوم اختلاف و رقابت منتفدین و رؤسای لشکری و کشوری است .

صحه و احتیاجات

در کشور چین نسبت بجمعیت و وسائل صھی کم است و بهمین جهت امراض گوناگون زیاد و علاه بر اینکه در بسو ورود درهنکنک ما اجباراً آبله کوبی کردیم پس از چند روز که در نانکینگ گذرانیدیم یکروز دکتر پاکار آمریکائی که بسیار دکتر فاضل و مجرب و خوش اخلاقی بود از من سئوال کرد شما خودتان و همراهان را واکزینه کرده اید یا خیر من جواب دادم خیر با کمال تعجب گفت شما بچه اطمینانی پس زندگانی می کنید من سئوال کردم چه واکزن هائی لازم است دکتر پاکار گفت فوری باید واکزن ضد وبا و ضد طاعون و ضد تیفوئید و تیفوس و ضد تب زرد و ضد دیفتری و مالاریا تزریق نمائید و اجباراً یکروز در میان تمام این واکزن ها را تزریق کردیم که بعضی ها هم را آکسیون شدید تا ۳۹ در ۵۰ تب میآورد و متاسفانه بایستی بعضی از این واکزنهارا سه ماه به سه ماه تجدید کنیم و یکروز در مطب دکتر پاکار سفیر کبیر هلاند و خانمش آمده بودند که واکزن بزنند سفیر کبیر هلاند بمن گفت این امراض هم جزء پرنکل و روی سفارت

کبرای چین است در هر حال البته احتیاجات عامه هم بقدری که این کشور پر جمعیت احتیاج دارد وسائل فراهم نیست دندان سازهای چینی هم نسبتاً بد نبودند و بطور قطع از دندان ساز روسی که در شانگهای باو مراجعه کردم بدرجات بهتر بود و ناچار بدکتر دندانساز چینی رجوع کردم ۷ دندان دیگر از من کشید ولی خیلی راحت و دندان عاریه گذاشت و ۸۰ دلار امریکا گرفت که بعقیده من گران نبود البته دندانهایی که ساخته بود منتهای راحتی را نداشت ولی نسبتاً موجبات راحتی من را تا حدی فراهم کرد و برای کسالت و ناخوشی خودم و خانواده بدکتر پاکار مراجعه می کردیم که بسیار دکتر لایق و عالمی بود و اگر دکتر پاکار در نانکینگ نبود برای کردیلماتیک بسیار مشکل بود که بتواند صحت خود را حفظ نمایند سایر احتیاجات تا حدی فراهم بود چینی ها با اصطلاح علف خوار هستند و زیاد بگوشت تمایل نشان نمیدهند گوشت گوسفند پرواز در چین دیده نمی شد فقط گوسفند های زل که دنبه ندارد وجود داشت و گوشت این گوسفندها بقدری بومیدار که برای ما مطلوب بود بهمین جهت برای خارجی ها گوساله و گاو می کشند و از این جهت برای ما اشکالی فراهم نبود گوشت خوک هم در چین زیاد استعمال می شود که استعمال نمی کردیم .

ولی گوشت های سفید از قبیل مرغ آبی و فاوز و فاول و کپک و مرغ و خروس بهمه رفور دست می آمد ماهی هم زیاد بود ولی مرغ و خروس خیلی گران بود بعدی که قاز و فرقاوول سهل تر و ارزانتر تهیه میشد ماهی هم بعد و رفور بود ولی بخوبی ماهی های ایران نیست مخصوصاً ماهی آزاد و قزل آلا در این مدت در چین دیده نشد ولی اقسام ماهی های دیگر بواسطه یانکته سه و استخرهایی که در شهر بود زیاد تهیه میشد و حتی در استخر سفارت کبرای ایران یکروز يك ماهی بطول دو متر که بیش از ۱۶ کیلو وزن داشت نوکرها صید کردند .

ولی میوه بزحمت تهیه میشد و فقط مرکبات از فرمز میآوردند و بنان از جنوب چین ولی میوه های دیگر وجود نداشت مدت کمی گیلان آوردند ولی خیلی ریز بود و بهیچ وجه بگیلاسهای ایران نمیرسید هندوانه هم بدست میآمد ولی خربوزه و طالبی و گرمک نیز وجود نداشت سیب و گلابی هم از خارج می آوردند ولی خیلی مطلوب نبود مخصوصاً ملك قسم سیب در چین میآوردند که ظاهر آن بسیار عالی بود خیلی درست و خوش آب و رنگ ولی طعم گاه میداد و بهیچوجه خوردنی نبود سایر اقسام میوه در قسمت هایی که من در چین دیدم دیده نشد اگر در ایالات غربی چین وجود داشته باشد ما بی اطلاع بودیم و رویهمرفته کشور چین از حیث میوهجات خیلی مطلوب نبود سیگار هم سیگارهای خارجی استعمال میشد زیرا توتون خود چین را درست نمی توانستند عمل بیاورند بهمین جهت با اینکه صدی دو بیست دولت گمرک از دخانیات میگرفت بیشتر سیگارهای امریکائی و انگلیسی و سیگار برگ فیلیپین استعمال میشد و اگر دولت ایران سیگار و سیگار برگ را طوری تهیه میکردند که رطوبت در آن اثر نکند بسیار طالب داشت و ما میتوانستیم بازار خوبی برای تجارت دخانیات در چین بدست بیاوریم ولی متأسفانه عدم توجه اداره

دخامات ایران ناین قبیل مسائل و کوران بودن قیمت سنگار و عدم توجه بطرز تهیه آن اهدام موثری شد

مثلا سنگار مرگ که در ایران دانه ۷ هزار فروجه مسعود سیگار فیلسن که نظر و ضول آن کمی هم از سنگار ایران سراسر است به سه هزار و دهشاهی درجهن با آن گمرک سنگین فروجه مسعود بدیسی است ناین جهت ما هیچوقت نمی توانیم رفایب بمانیم و من در موقع خود را بورت مشروح و مفصلی در این باب بود از داری فرسادم که البته بطور قطع کسی در این نگارده و ناگنایی شده است

مشروبات حسن سسر عروق برنج است و یک قسم و دیگر از سن سن می آوردند که سسنا با و دکای روسی رفایب مسکرد سراب خوب درجهن کمناست است و سراب های ایران اگر خوب سسندگی مسود درجهن مسمری زیاد خواهند داشت خود حسنی ها شراب را با عدا و گرم می خوردند

سایر مشروبات از خارج تهیه می شد و سفارت خانه ها برای اخصاحات خود از خارج وارد می کردند و بعضی سفارت خانه ها و قونسولها هم از معامات گمرکی مسود استناده کرده سس از اخصاحات خود وارد کرده و مسمر و حمید و البته مأمورین دولت حسن هم مسوجه بودند و در زمان ناسم و نالسمها برای حفظ برآکت بروی خود نمی آوردند و مأمورین امر نکای سسوی و بعضی از قونسولها از این جهت برآکت مسود استناده مسمودند

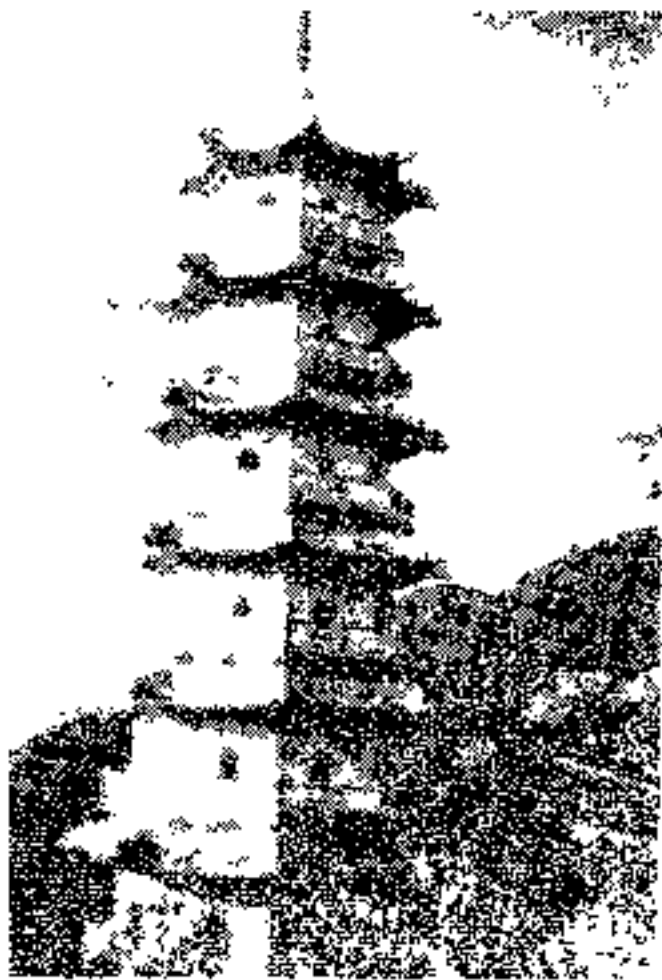
معماری در چین

معماری درجهن دارای اسدلی و مخصوصی است که معموده من ناخندی رساست و بطر بر طوب بودن اکثر نقاط حسن ساها سسر نا خوب ساچه می مسود و قطر دیوارها از ۲۵ سانتی متر تجاوز نمی کند و این در ساکنهای اسده که با ۳۵ طبقه است و توسط ازونا مپا و اهر نکاها ساچه سسده است البته از من اسول سس می است و بواسطه داسن حسکنهای زیان و افساس خوبهای محکم بالوان مختلف سسر در اسده خوب استعمال مسود و در داخل عمارات هم سسویها نا خوب ساچه مسود روی نام عمارات میل گیلان و ه در ایران مسوهنل و سس مسنهت و لی در سن سو و آنهازا میل کاسی سازیها نا خوب مسنهت و روی سس مامها که ناین سو هالها بالوان مختلف بر سکنهای فرس و از عوای و سسر و رزد و کل کاسی را آبی سوسن دارند بواسطه ناز سکی زیاد سسب و سو سسده و ی بها سس مسطره را نا و حاله را سسب مسدهد و کوسه های سارر سسروای باز بر نام را سسکنی ازدها مسود سسک آرم عالی حسن است رسا رسیده و حوس مسطر مسود

معمولن حسن سساز مردم ناسلحه مسسد و در موقع ورود کپه و سسب ها در حال و سس و در اسر ازجه خانه خود را داخل آغای ازما سالی ناک دلار حاضر شد اساره سسده مسنور ان و دیگر بواسطه سرق اراپ کپه و سسرها خانه را مسرفه مسانه آغای ازما که در سسنا پات و ان سسده و در ازمن اسسجاره کرد که سساره سسکم نا حدر من اسجاره محب سسری سساده و کسب اگر مان سسده اسجاره سسکه مسسارند و این خوب

سفر ایران در محل دیگری است و ممکن است بی احتیاطی بشود بروی حق ندارند
نصب نمایند

بهین جهت احاره نگردیم ولی برای بناسای این خانه که در روی بهر معنی واقع
بود رویم این بنا فوق العاده لوکس ساخته شده و سپهرین طرزى منله سده بودارسالی
پدیرائی و سالی عداحوزی و دهر و کنا بجان و اطای مورثک و خواستگاه که تمام دیوار
بامجمل سار عالی امسه دوزی سده و در وسط خطوط منله های برر کار کرده بودند و
همچس بار و حمام و سایر احتیاجات در پهاست سنگی و مسنگی بود ناع ناگنکاری سسار
رنا و آهای ژیرال و ودحن ازر حال هم و عسو کس نایک و وزر امور خارجه بود
که کم و بسبب ها بدون وسیل عابون اورا به نور -



الدم اعلان کرده و دید و نامدار هراز بود و کم -
موسب ها هم بسخت و رود بدون وسیل عابون
مصادره اموال این خانه و انابه را تصرف نمودند
و اصولا هر چه منحنی نظر دارند از آن جان کئی حاک بود
صنط سده جان که خانه سفارت ایران را محص
خروج ما سر بارهای شرح تصرف نمودند در هر
صورت ماهای طرز اروپائی و امرنگی هم حالا
در چس ساخته مسود ولی حیده من اسبل خود
چس اسل را ناسب و نر سالی ناسب جمهور
عده رادی سون چوبی برنگ هر مر موجود بود
که بی ساهت سالی کر منلی بود منسها در مسکو
سونها کاهت بر و نا آخر و سبب ساخته سده روی
آبرارنگ روعی رده بودند که بعضی سسه بود
ولی در چس هدزی حس چوبها عالی و رنا است
که احتیاجی بمملکات دیگر ندارد و اسه مال همان
چوبها بر رنائی سالی ماهراند و رویم رهه

خیابان مدور - تاکدا

اسبل حسی بر کسبی است از اسبل سرهی و کمی عربی با بر سبات منی حس و هم حس با
های مدور در حس ساخته مسود که آرا نا کا امکو بد که نا دوارده طله من مساهنده
بودم و اطراف این دوارده طله بانوان و بانیه های چوبی سکل ازدها و سار علام ملی
حس بطرز رسائی بطوری که در عکس مساهنده مسود خود منای مسکنه و این طرز بنا
سکی از اساه معماری چس است که من حسی سسندیم و ناس منصوصی دارد

اتباع خارجه و داد گشتری

قبل از جمهوریت اصول کاسولاسون در کسور حسی رهراز بود و س از سبل
ررم نازهم دون مضمه مول بگردند و ارحق حاکمب موسول های خود اسعاده می
کردند نا اسکة حس کاسولاسون از طرف دولت حس انطال گردید ولی دراز بعد ناب

اتباع خارجه و فشاری که به ملت چین وارد کرده بودند این عمل يك عكس العمل شدیدی ایجاد کرد بطوری که اتباع خارجه اعم از حق یا باطل در معاکم چین حتماً و قطعاً محکوم میشدند و در هیچ موردی معاکم چین حق را بخارجیها نمیدادند بعضی از اتباع خارجی بخیال رشوه دادن افتادند و بعضی قضات رشوه میدادند ولی شیکه بایستی محکمه رأی بدهد آن قاضی رشوه گرفته تبدیل و معزول میشد و قاضی جدید باز هم بمحکومیت خارجیها رای میداد .

و در این قسمت کمیته‌هایی هم تشکیل شده و اصول هو و مینچان هم وارد صحنه شده بود در موضوع خانه نمازی بك دكتر چینی از آسمان افتاده و خانه را تصرف کرده بود و قتی بقوه نظامی متوسل شدند که خانه را از چنگال آقای دكتر بیرون بیاورند به محض ورود مأمورین دكتر غش کرد (معلوم شد این متد در چین هم مؤثر است) و این غش موجب شد که مأمورین نتوانند وظیفه خود را اعمال و اجرا نمایند و هر وقت باد کثریا قضاات صحبت میشد جواب میگفتند موفعیکه خارجیهادر چین حکومت میکردند گذشت و آن زمان سری شد هر قدر میخواستیم بفهمانیم که ما ایرانیها هیچوقت در چین حکومت نمیکردیم و از کابیسولاسیون استفاده نکرده و یا حدی تعدی نکرده‌ام و همواره نسبت به مملکت متوقف فیها و عموم اهالی بارأخت و برادری رفتار کرده‌ایم و شما چرا تلافی اعمال روس ها و انگلیسها و آلمانها و ژاپونیها را سرما در میآوردید باز هم با خنده مخصوص خودشان میگفتند بلی صحیح است ولی دوره حکومت خارجیها بچین گذشته و شما نباید در چین مآلك باشید .

هر قدر استدلال میکردیم که طبق عهدنامه و قوانین کشور ما ممنوع نبوده‌ایم و بهمین اطمینان در این کشور اتباع ما تجارت می کردند و ورقه مالکیت در دست دارند باز هم جواب میشدیم که حکومت خارجیها بچین سبری شده و با مکاتبات عدیده که بین سفارت کبرای ایران و وزارت امور خارجه و وزارت عدلیه و رئیس فوه قضائیه رد و بدل شد مهرباناً نتوانستیم خانه ملکی با ورقه مالکیت را ازید آقای دكتر چینی خارج نماییم تا حکومت تبدیل شد و اصول کم مونیستها خانه را از مالکیت ما و از تصرف آقای دكتر هر دو خارج نمود و حکومت اساساً این قبیل خانه ها را تصرف نمود ولی موضوع مهم که قابل ذفت است همان کینه جوانی چینی هاست که این قبیل تعدیات را بهمینوجه فراموش نمیکنند و فضا ما کاملاً شبیه باوضاع ایران در زمان تزارها در روسیه و ملکه و بکنوربا در انگلستان است .

و همه در خاطر داریم که ناچر باشی روس و نجار فنقازی و روسی چند بر مردم تعدی میکردند و حتی ایرانی های متقلب که اعمال آنها مبنی بر کلاه برداری و سندسازی بود با نفییل خارجیها متوسل شده و باینک معامله صوری حقوق دیگران را صاحب می شدند و با نصایبهای گرمی بصابت قونسول اسکلیس پول خوب دارها را میخورند با بعنوان حکم لرد گورزن در کشتیرانی دریاچه ارومیه من غیر حق دخالت کرده و از ایران بزور و فشار خسارت بی جا تقاضا میکردند و ۳۶۰ هزار تومان باج سیل میگرفتند با مثلاً سید

عباس بعنوان معامله صوری چندین سال مال الاجاره بندر پیره بازار را که مرحوم متیر- السلطنه وقف کرده و متولی رئیس الوزرای وقت است بزور و قفسداری فونسول روس میخورند. بهیچ قانون و سند و استدلالی هم فایده نمیشدند همین رویه در کشور چین هم جاری بود و بقدری بساطت چین تعدی کردند که امروز عکس العمل آن اینست که هر خارجی هر قدر هم ذی حق باشد چینی ها اطمینان نمیکند و میگویند قطعاً در زبر این معامله يك حق کثی و تعدی و اجحافی مخفی است و من وقتی خوب دقت کردم دیدم تمام این پیش آمد ها در نتیجه عمل دول اروپا است که ملت چین را عصبانی کرده و از اسم خارجی و دیدن هر خارجی بیزار هستند.

نظری باو خدای عمومی کشور چین

در موقعیکه ما وارد نانکینگ شدیم زد و خورد بین نوای دولتی و کم مونیستها در موکدن و شمال چین در جریان بود و هنوز از منچوری تجاوز نکرده بود ولی برای اینکه بوضعیت آشنا سویم باید قدری بقیه را برگشته و سابقه را بیان نمایم.

در موقع رباست جمهوری سون یاتسن بندر جمهوری چین کایچنگ و مایسه تونگ هر دو بسمت آجودانی رئیس جمهور مشغول خدمت بودند چنان کایچنگ عاشق خواهر زن سون یاتسن شد این خانم مذهب عیسوی داشت و چنان کایچنگ بودایی مذهب بود اولین شرط این ازدواج تغییر مذهب بود چنان کایچنگ باین تقاضا تسلیم و غسل تعمید نموده مذهب عیسویت را پذیرفت.

خانم چان کایچنگ که از زنهای بسیار باهوش و زبان انگلیسی را بخوبی میدانست در ترقی و پیشرفت چان کایچنگ فوق العاده مؤثر واقع شد و چان کایچنگ با پشت کار و جدیت فوق العاده سرعت ترقی نمود تا بسمت رئیس الوزرا انتخاب شد مایسه تونگ در کابینه چان کایچنگ و زبر بلیغات بود و با هم همکاری میکردند زائران چان کایچنگ که تحصیلش در ژاپون بوده و مدت بکسال در روسیه گذرانده بود بهماست و معاصد روسها مطلع شده و حقایق را درك کرد که همان حقایق و اطلاعات او را برای همیشه از شوروی دور نمود.

زائران چان کایچنگ و فنی زمام امور را در دست گرفت ایالات چین منفق نبوده و اختلافات عجیبی در بین مسئولین و ژنرالها حکمفرما بود دولت ژاپون که با تصرف منچوری و تشکیل دولت دست بسته تمام منچو کو آن قسمت را قبضه کرده بودنی بهانه میگشت که یکباره تمام خاک چین را متصرف شود و برای اجرای این نقشه بهانه اینکه سربازهای فراری ژاپون در سربازخانه های چین مخفی شده اند خوانند سربازخانه های چین را تفتیش نمایند و چون فرماندهان جنی نندرفند زد و خورد بین قشون ژاپون و چینی ها شروع شد.

دولت ژاپون که در ۱۹۳۱ منچوری را رسماً متصرف شده بود چان کایچنگ سعی میکرد اختلافات داخلی را رفع نموده بتواند با ژاپون مقابله نماید ژاپون بهانه منوجه شدند

که اگر نقشه چان کایچک عملی شود تصرف تمام چین غیر ممکن خواهد شد در ۱۹۳۷ بیپانه که فوقاً ذکر شد با چین داخل جنگ شده در این موقع دولت معظمه بدولت چین کمکی نکردند و دولت ژاپون موقع را برای اجرای نقشه خود مساعد تشخیص داد و بنادر چین را تصرف نمود .

ژنرال چان کایچک تمام متنفذین و ژنرالها را دعوت نمود و در کوهستان (لوشن) این اجتماع منعقد و بالتبعه متحد شده و چان کایچک را فرماندهی کل قوا انتخاب نمودند در این موقع حزب کمونیست هم با این اتحاد موافقت نمود و مجتمعاً بر علیه ژاپون وارد مبارزه شدند و در شانکهای هم در فرودگاه زد و خورد شروع و پس از سه ماه فزون ژاپون موفق شدند که شانکهای را هم قبضه نمایند .

در این واقعه انصافاً باید تصدیق کرد که مارشال چان کایچک چه خدمت برجسته بوطن خود نمود اولاً متحد کردن ایالات چین بر ضد ژاپون دوم جلوگیری از تجزیه چین که ژاپونی ها با تمام قوا میکوشیدند و شوروی ها نیز در عین اینکه ستون پنجم خود را در چین بر علیه ژاپون وارد مخاصمه کرده بودند سعی میکردند که منظور اصلی خود را پیش ببرند .

ولی شخص بانفوذ و مهمی در چین طرفدارنداشند در جریان این امور چهار سال تمام ژنرال چان کایچک منفرداً در مقابل ژاپونیهها ایستادگی کرد و بدینجه بود که قوای چین بانداشن اسلحه و مهمات کافی در مقابل قوای ارکانیزه ژاپون نمی توانست مقاومت نمایند ولی با احساسات وطن پرسانه و از خود گذشتگی با جنگ و گریز و عقب نشینی مانع موفقیت کامل ژاپونیهها گردید .

پس از چهار سال که کشور چین اسیر نظامی های ژاپون بود بواسطه اعزاز جنگ بانگلس و امریکا در بدو امر کمکهای مختصری با هواپیما بچین می کردند و بعد ها البته این کمک ها موثر تر شد تا اینکه دولت ژاپون در اثر بمباران بمبهای اتمی اجباراً تسلیم شد و خاک چین را تخلیه نمود .

حزب کمونیستی

در تمام دنیا عموماً و در شرق خصوصاً جوانهایی که مختصر اطلاعاتی بدست میاورند بواسطه حس جاه طلبی که از خواص بشر است وقتی متوجه میشوند که با حکومت حاضر و عناصری که در رأس امور هستند راهی برای آنها نیست طبعاً بطرف مقابل متوجه شده و از خطاهای حکومت و احساسات جامعه که البته از روی تعقل کامل نیست استفاده کرده با کشمکش اظهار وجود مینمایند تا خود را به نامی برسانند این جریان در کشور خود ما ایران بعد اکنال موجود است .

برای مثال ذکر میشود که در حکومت اعلیحضرت پهلوی احدی قادر باین قبیل اعمال نبوده و بعقیده من بهترین حکومت برای ایران تا یک قرن همین روزه و سیستم اعلیحضرت رضاشاه کبیر است عده از جوانها بنحبال واهی اینکه انگلیسها حامی حکومت رضاشاه هستند

خود را بروسها نزدیک کردند و بدون فهم و دقت کم مونیست شدند. در حالیکه هر ایرانی باید سیادت و حکومت ایران را بخواهد و نزدیک شدن بشوروی حکم نزدیک شدن آتش بیاروت است چنانکه دولت های لهستان و چک و اسلاو و رومانی و مجارستان و بلغارستان و آلبانی امروز دولت مستقل شمرده میشوند و همه چیزشان در دست روسهاست.

گذشته از اینکه مرآم کم مونیست در عالم بشریت قابل اجرا نیست و امروز در خود روسیه سخت ترین حکومت دیکتاتوری موجود است چگونه یک ایرانی وطن پرست حاضر میشود که استقلال کشور خود و حتی مذهب و دیانت خود را فدای جاه طلبی چندروزه بکند و اگر چنین فردی وجود داشت خائن و مهنورالدم است برای اثبات این اظهار فقط یک دلیل زنده میآوریم و آن مظفر فیروز پسر نصرت الدوله نواده مرحوم فرمانفرما و خواهر زاده مصدق السلطنه است.

این جوان که تحصیلاتش از حدود متوسطه تجاوز نمی کند و یک دیپلم ساخسگی دکرا در امریکا با چند دولار خریده فقط زبان انگلیسی تا حدی میداند و مثل تمام افراد این فامیل فوق العاده جاه طلب است در سلطنت اعلیحضرت پهنوی قادر به هیچ عملی نبود مخصوصاً که بواسطه فاجاق مشروبات در امریکا از بابت سفارت منفصل و پس از محاکمه از خدمت دولت طرد شد.

بعد از واقعه ۳ شهر بورد ۱۳۲۰ مظفر فیروز تقاضای خدمتی کرد و بنیابت فونسول گری ایران در شام راضی شد ولی مقامات عالییه موافقت نکردند. مظفر فیروز عازم فلسطین شد و در آنجا دشمنی پدرش را با آقای سید ضیاءالدین فراموش نمود و بخدمت ایشان سرسیرد و در مراجعت تبلیغ شدید برای آقای طباطبائی میکرد تا سیاست زمان بامراجعت ایشان مساعد شد و بپشهران تشریف آوردند آقای سید ضیاءالدین نسبت به سیاست انگلستان نظر موافق دارند و چون مرد شریفی است طاهرأ بانگلیس ها فحش میدهد و باطناً هم آلت مفاسد سوء دیگران نمیگردد مظفر فیروز صد درصد انگلوپیل سنولی و می داند که آنها سید ضیاءالدین کسی نیست که خود را بدست مظفرها بسارود و آلت اجرایی مفاسد سوء این وسیله استخفاف بسود روی مجلس را با ایشان قطع کرد و فوری بروسها معصل کردند.

خباسپایی که این حائن با این کسور کرده است در هیچ عصری سابقه نداشته و شخص مهمی مثل فواید السلطنه آلت دست این حائن بی وجدان گردید تا به تمام معاونت و وزارت و سفارت کبری رسید.

حالا وجداناً بخواهیم معذرت کنیم که مظفر فیروز انگلوپیل بود با روس فیل بلنکه هیچکدام و خود وکیل بود زیرا مقام و پول می خواست و این دو مطلوب با هر خیانت و جنایتی بدست میآید باید بدست آورد با اظهارات شخص مجهول الهویه بنام دکتر آدمنس که بدست روسها در دوره ۱۹ وارد مجلس سورای عملی شد این شخص را در تمام کشور باستانی لاهیجان کسی نمی شناسد ولی تمام حزب بوده مرود مسکو و نطق میکنند که من باما اجازه نمیدهیم ملت ایران بر علیه دولت شوروی وارد جنگ شود گذشته از اینکه

هیچوقت هیچ ایرانی عاقل بمخینه خود جنگ با دولت شوروی را وارد نکرده و نخواهد کرد مگر دیوانه باشد ولی روسها میگویند رفیق رادمش همچو گفت و کف میزنند و روزنامه‌ها هم مینویسند آقای رفیق رادمش هم بخودش مشبه می‌شود و تصور می‌کنند شخصی پیدا کرده در حالی که در تمام ایران رفیق رادمش بقدریک کند خدای ده موفقیت سیاسی و موقعیت شخصی ندارد و در ایران کسی او را نمی‌شناسد ولی تنها مقصود فقط و فقط جاه طلبی است همچنین قضیه اعوان و انصار آقای مصدق السلطنه است که برای جاه طلبی و پول دور ایشان جمع شدند و ایشان هم که عاشق صدای نعلین هستند و توجهی بسوء عملیات همکاران خود ندارند و نتیجه عمل آنها و آقای مصدق السلطنه که خود نیز آلت دست همکاران خود شده در آتیه روشن خواهد شد زیرا متأسفانه آقای دکتر مصدق در روز شنبه ۹ آذر ۱۳۳۰ چهار ساعت بعد از ظهر از زیر پتو اعتراف کردند که نسبت بصل انگلیس‌ها اشتباه کرده و از طرف امریکائی‌ها اغفال شده‌اند - مال آبا سیاستمداری که خود اقرار میکند اشتباه کرده است چگونه اشتباه خود را نرمیم خواهد نمود بهر صورت باید دید در آتیه رویه متخذه ایشان چه خواهد بود .

بعقدہ نگارنده اگر دکتر مصدق در همکاران خود تجدید نظر کرده و از رویه سابق خود واجبات و مخالفت با مقامات عالیه کشور خودداری و با اشخاص وزین و صحیح العمل واقعی همکاری نماید امیدوارم موفق شود ولی اگر باز هم با اصول لجاجت و کینه جوئی بخواهد ادامه دهد آتیه با خداوند است .

بهر صورت در کشور چین هم همین عوامل وجود داشته و مارشان چان کای چک که مدتی در روسیه کم مونیستی بوده است از رژیم شوروی متنفر بود و یک خانمی که بازندانسته کم مونیست شده بود مورد تعلق مایسه تونک که وزیر تبلیغات ایشان بود قرار گرفت چان کای چک این زن را اعدام کرد مایسه تونک بواسطه عشق مفرطی که باین زن داشت نتوانست تحمل کند و قسم خورد که از چان کای چک انتقام خواهد گرفت عینها از رفقای سابق خود جدا شد و با نهایت سختی خود را بنچوری رسانید و چند مرتبه در راه نزدیک بهلاکت رسید و چون امریکائی‌ها با چان کای چک همراه بودند طبیعتاً مایسه تونک بطرف مقابل بیوست مأمورین شوروی در منچوری از موقعیت استفاده کرده اسلحه که از ژاپونیا گرفته بودند با اختیار مایسه تونک گذارده مشارالیه نیز اشخاص ناراضی از چان کای چک و اشخاص جاه طلب و طماع را دور خود جمع و جلب کرد و صد درصد تسلیم تعلیمات مسکو شد و با کمک مادی و معنوی شوروی‌ها خود آرائی کرده شروع بمخافت نمود مارشان نماینده نرومن که بچین آمد سعی کرد شاید بین مایسه تونک و چان کای چک که ظاهراً گفته میشد نامبرو نالیسها و کم مونیستها مرافقت و موافقت ایجاد نمایند زیرا امید داشت چینی کمونیست نیست برای جاه طلبی و رقابت و اغراض شخصی است و عقیده داشت چند نفر از طرفداران مایسه تونک وارد کابینه شوند چان کای چک قبول نکرد زیرا میدانست که اگر حرف وارد مرکز عمل بشود مخالفین او و مخصوصاً زائران هائی که خود را مقدم بر او میدانند موجبات سقوط او را فراهم خواهند کرد

با اینصورت سدر رفت و مارشان بدون موافقت و با اینکه پندبرائی خیلی مجلل و احترامات

فوق العاده با و نمودند معینا با سوء نظر با آمریکا مراجعت نمود و مارشال چان کای چک که مرکز حکومت را به نانکینگ منتقل کرده بود اردوئی برای سر کوبی مایسه تونک اعزام داشت حال با بدعت العلیل شکست این طرف را بدست آوردیم و چه شد که ناسیونالیستها با اینکه مرکز مملکت و قوای عمومی این ملت بزرگ در بدو امر و مساعدت امریکاییها را داشتند با نتیجه شکست خوردند من در مدت اقامت خود نتیجه مطالعات و استطلاعات خود را باستحصار قارئین محترم میرسانم تا پرده از روی این صحنه برداشته شود.

علت شکست ناسیونالیست ها

چان کایچک شخصی است بزبار و مقاوم و بسیار لجوج و صبور و مثل تمام چینیها قوم و خویش دوست و خانم چان کایچک نیز نفوذ فوق العاده در شوهر خود دارد مساعدت های دولت امریکا چه از حیث پول و چه از حیث اسلحه تا آن حدی که کم موئیستها و مخالفین چان کایچک تبلیغ کردند مورد سوء استفاده قرار گرفت ولی باید تصدیق کرد که مأمورین دولت چین مخصوصا ژنرالها البته سوء استفاده کرده اند ولی این که تمام وجوه کمک امریکا بحساب شخصی منتقل شده است خیلی صحیح نیست علت العلیل شکست ناسیونالیستها و کمین تانک در این مبارزه سه چیز است اول عدم رضایت سیاست امریکا از رویه چان کایچک که در دستهای اخیر بهیچوجه کمک نمی کردند و حتی در حله اخیر خانم چان کایچک بواشنگتن رفت و هر قدر جد و جهد کرد امریکا روی مساعد نشان نداد و ضمنا سیاست عمیق انگلیسها که نظریشان بیرون کردن امریکائیها از چین بود که تمام تجارت چین را دست بگیرند.

دویم عدم صمیمیت ژنرالها و فرماندهان هشون که در تمام موارد فرمانده کل قوا خیانت کرده و باطنا با مایسه تونگ و ژنرال چته ساختند و همین قضیه موجب شکست چان کایچک و طرفداران او شد ضمنا اشتباه سیاسی امریکائیها که البته سیاست عمیق انگلیسها و تحریکات شوروی هاهم باین رویه کمک میکرد سویم تصور بيمورد رجال چین که در حال امریکا و انگلستان نمیگذارند چین بدست کمونیستها بیفتد.

در بدو ورود سفارت کبرای ایران در نانکینگ تقریبا صد هزار نفر بهترین قوای امریکا که تفنگداران دریائی است در نانکینگ و چند نقطه حاضر بودند دو کشتی هم در یانگتسه لنگر انداخته بود و در یک صغرا بعرض ۳ کیلومتر در ۳ کیلومتر اوازم و احتیاجات این هشون روی هم ریخته بود که بعد مقداری را فروختند و مقداری هم باقی ماند و از بین رفت.

ژنرال سول رئیس انامار مک آتور بست آتاشه ناوال (Naval) در نانکینگ حضور دائم در بدو ورود من از مستر استوارت سفیر کبیر امریکا سؤال کردم که با وضعیت فعلی آیا صلاح هست ما سفارت ایران را تأسیس کنیم یا خیر سفیر کبیر امریکا اظهار داشت کم موئیستها در مو کدن هستند و ما از رویه چان کایچک راضی نیستیم و مشورت مارانمی بندیرد و ما غیر مستقیم بکمونیستها کمک می کنیم (۱) معنی ما اینست که مارشال چان کایچک استعفا بدهد و ژنرال لی - Li ویاست جمهوری را در دست بگیرد در اینصورت

(۱) اسلحه که ما برای دفاع میدهم دست مهاجمین می افتد.

ما هم کمک می کنیم که بمعنیات کمونیست ها خاتمه داده شود هیچ نگرانی نداشته باشید و فوری سفارت خودتان را تاسیس نمایند من بواسطه وجود این قوه نظامی مهم باین نظر تسلیم شدم و سفارت خودمانرا بطوری که قبلا ذکر شد افتتاح نمودم فرمانده قوای چان-کاپچیک در موکنن بکم مونیستها تسلیم شد و با قوای چته بطرف پکن حرکت کردند از طرف دولت مرکزی بک اردوی بزرگ که حتی عده آنرا بعضی تا یک میلیون ذکر می کردند ولی من بطور قطع نمیتوانم بنویسم که عده قطعی این اردو چقدر بوده است نعت فرماندهی مارشال فوسویه بسمت فرماندهی جبهه و حکمران پکن روانه نمودند بک اردوی دوست و پنجاه هزار نفری هم در سمت غرب پکن برای مبارزه حاضر بود جبهه جنگ از طرف مشرق محدود بود بخلیج پکن یا خلیج بچی ای و از طرف شمال قوای مهاجم و قوه غربی و جنوبی اگر متفقا حمله میکردند قطعاً قوای چنه و مای سه تونگ شکست میخوردند .

ولی مارشال فوسویه ترجیح داد که با کمونیست ها وارد مذاکره شود آنها باین شرط پذیرفتند که قوای مهاجم اول ب غرب حمله نماید و قوای فوسویه وارد جنگ نشوند و همینکه آن قوه شکست خورد وارد مذاکره شوند این شده همینطور عملی شد اردوی غرب شکست خورد و فوسویه بدون جنگ با کمونیست ها متحد شد و اجازه داد قوای مهاجم وارد پکن شوند .

از طرف قوای دولتی حتی يك مشت هم خالی شد و این اردو کاملاً بکمونیسها تسلیم شد و مارشال فوسویه بفرماندهی همین اردو منصوب گردید و این دو قوه دیگر مانعی در جنو نداشتند و طرف نانکینگ حرکت نمودند امر بکائی ها بدون مصالحه در روحیات مارشال چان کاپچیک و سائل استعفاي اورا فراهم نمودند ولی بنا باینکه میدا بستند آرمه خود مارشال در نانکینگ حاضر است و نمی توان فکری را باو تحمیل نمود مخصوصاً که شخصاً مرد بر طاعت و صبور و لجوجی است فشار آوردند چان کاپچیک اظهار نمود من آنقدر مقاومت می کنم با جنگ عمومی شروع شود و شما با حار با من کمک خواهید کرد سایر امریکا جواب می دهد اگر جنگ هم شروع شود بجمع شما خواهد بود جان کای جنگ گفت شما اشپاه می کنید و می خواهید رسید که شما خواهی بخواهی بمن بکنج خواهد شد و الجنا بپن کمک خواهد کرد و دستور داد امام ذخیره صلاحات را در ۲۳ هزار صندوق از نانکینگ باطناره بهر من حمل کردند و خون قوه هم در مقابل بود جنو گیری غیرممکن سایر کبیر امریکا دو مرتبه با مارشال ملاقات و خواست از حمل ذخیره طلا و مسمات جلوگیری کنند .

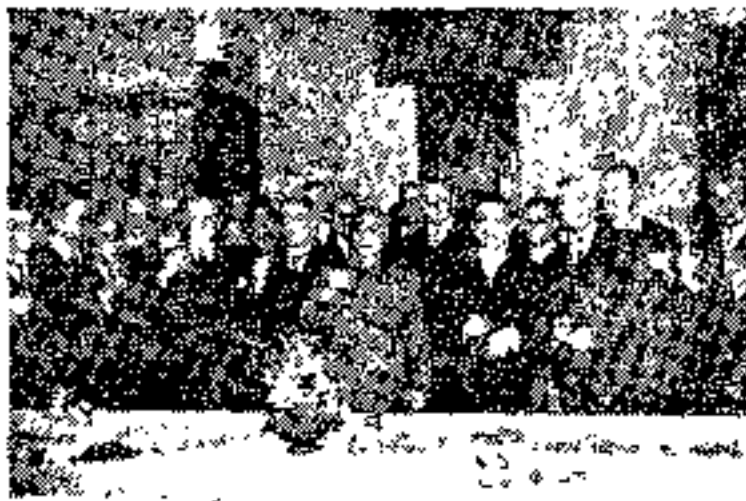
مارشال جواب داد اگر من سرم کدو بیست ها خواهند برد پس بپرا این است که من بپر و شاید استدلال صحیحی هم بود و همین که تمام ذخائر حمل شد مارشال در ناربخ سج سبه ۳۰ دی مطابق ۲۰ ژانویه ۱۹۴۹ از ر است جمهوری ورفنا استعفا داد و زود جمعه ۲۱ ژانویه با آرمه خود حرکت نمود .

بزرگترین اشپاه جینیها این بود که امر بکائی ها و انگلیسها بخواهند گذاشت کمونیست ها چین را قبضه نمایند زیرا از همین سیاست انگلیسها بی خبر بودند و دولت

کنسرواتور که در جنگ دویم با کمونیست ها برضد هیتلر متحد شدند چه اهمیتی می دهند که برای حفظ منافع خود چین از بین برود و همین اشتباه و خیانت ژنرال ها و اشتباه امریکائی ها موجب سقوط حکومت ناسیونالیست ها شد زیرا دولت امریکا خود اقرار کرد که ما در سیاست چین اشتباه کردیم و امیدواریم در آتی که سر اشتباه بکنیم ولی این اشتباه چقدر گران تمام شده است که خاتمه آن معلوم نیست زیرا در این موقع که من مشغول تحریر این کتاب ششم امریکائی ها ۱۱۷ هزار نفر تلفات در جنگ کرده داده اند و متحمل چند میلیارد هزینه جنگ شده اند و عاقبت آن هم معلوم نیست و بهمین جهت است که در عرف سیاست اشتباه جرم است چنانکه هیتلر و موسولینی در اثر اشتباه کشور آلمان و ایتالی را نابود کردند و امیدواریم آقای دکتر مصدق اشتباهشان تا این درجه بر بان کشور بدبخت ایران تمام نشود .

زیارت جمهوری ژنرال لی

ژنرال لی که مورد اعزاز مردم بود و معروف به صحت عمل و درستکاری معاون چان



چان بمقام ریاست جمهور منصوب گردید و کردستانیک (هیئت سفراء) را برای عصر دوشنبه ۴ بهمن ساعت ۴ عصر ریاست جمهور دعوت کردند که بحضور رئیس جمهور جدید معرفی شده و شناسائی رسمی بعمل آید علیهذا تمام سفرای کبار و وزرای مختار و سفارز داهرها با اعضای خود در ساعت مقرر در قصر رئیس جمهور حاضر شدیم و

مطابق بریکل الاقدم والا قدم رئیس جمهور توسط رئیس نشریات معرفی شده پس از دست دادن با رئیس جمهور سفیر با وزیر مختار اعضای خود را معرفی کرده بکناری رفتند و پس از خاتمه این نشریات رئیس جمهور در وسط دست چپ ایشان شیخ السفرا مسیو مریه ن M. Merye سفیر کبیر فرانسه دست راست فرخ سفیر کبیر ایران چنانکه در عکس ملاحظه می شود قرار گرفتند و سایر سفرا نیز هر يك در دو طرف ایستاده شامیانی بسلامی رئیس جمهور دادند صرف شد و پس از سه ساعت این مراسم خاتمه حاصل نمود .

ژنرال لی در مورد عیت بسیار باریک و خطرناکی بود زیرا فاقد پول و اسلحه و سرباز و مهمات بوده و مختصر قوه در حدود يك ساه بیشتر در ناکینگ نداشتند و قوای مهاجم بدون هیچ مانعی از یکین حرکت کرده و آمدند تا در ساحل شمالی بانگ تسه موضع گرفتند و از طرف دولت ژنرال لی بمذاکرات صلح شروع شد و این مذاکرات از طرفین مندی طوئ کشید و بالاخره منتج بیجه شد و نی قبل از اینکه باین قسمت بر دازیم جریبان داخلی کار های سفارت را از تغییر رئیس جمهور تا حمله کمونیست ها به شهر ناکینگ شرح خواهیم داد .

سازگهای مسئول و آقای در ندون دنا
 بجای اسان نه ناکسنگ مامور شد و لی
 من مهر داسیم که جشن عروسی را در
 ناکسنگ و در عمارت سفارت ساهشاهی
 بریب بدسیم و برای این جشن عروسی
 سه پنجاه ۱۲ اسه دره معنی کردیم
 بنام سفرا و اعضای آنها و ما مورین مهم
 چینی و عده از اتباع مهم ایران را از
 سازگهای دعوت کردیم و در این جشن
 نرنا سمند نر مهران دانشیم و سفار
 آرومند و نشاط مجلس حسن بر کندار سد عکسهای هم برداسه سد که از نظر فارسی



عروسی نازسا



عروسی نازسا

محررم میگردد و مسائل هر رخ از فصل
 موزیک و آس بازی و زفن موحسان
 تحلیل مجلس را فراهم نمود و پس از
 حتم عروسی آقای نازسا و خانم اسان
 سازگهای مسئول شدند و آقای در ندون
 دنیا سمند بنام دوم سفارت کبرای
 ایران در ناکسنگ با اچاه و طبعه
 مسعود سد

از طرف دوستان ما اعضای کمر
 دیپلماتیک و سفرای کسار و وزیرای مبحار
 و خود انجمن هدایایی برسم مبارکباد عروس و داماد هدیه شد

از دوماه قبل من شروع کرده و دم که مهمانی های همکاری های خود را جواب بدیم
 و چون هست سفرای خارجه در ناکسنگ من از ۲۵۰ نفر بودند ما هر ۲۴ مری زانا
 ملاحظه سمند دعوت سام هی کردیم و این مهمانی ها که بنام سفرا نامبحار من داده
 بودند جواب هی دادیم با استسای سمیر که در سوزوی که اساسا از سفارت ایران دعوتی نکرد
 و همها سنگ دید و از دنده رسمی با ما مباحثل مود و لی سایر مامورین خارجه ندون استسای
 ازس و سایر اعضای سفارت ساهشاهی دعوت کرده بودند و من هم موظف و دم که طلق
 اصول دعوت هر یک با ناسیح گویم

در ا موقع اول و روز ردیک هی سد و سب چهارشنبه ۲۵ اسه ما به اذت کنشود
 خود بونه آس زدیم و از روی آن جشن کردیم که موحب به استسای سمند من حسنی ما
 فر از کرب علاوه من بنام آن مفر جویدان حیولی سمند هشتم و در ا موقع ما با استی سنگ
 سفرا و رسمی هم در روز هند در روز خوزه بان از مامورین جواب موظف فیرا و همکاری های
 خوده ایی سامیم

کرد و بالاخره چون مذاکرات صلح قطع شده بود مامنتظر بودیم که بالنتیجه چه وضعیتی پیش خواهد آمد که روز چهارشنبه ۳۱ فروردین ساعت ۸ بعد از ظهر جنگ شروع و صدای توپها بلند شد و از طرفین جنگ در کمال شدت چربان پیدا کرد .

موقعیت سفارت ایران

خانه که برای سفارت ایران اجاره کردیم مالکش رئیس قوه قضائیه سابق کشور چین واز متنفذین و طرفداران کمین تانک بود این خانه در سمت شمال شرقی شهر نانکینگ واقع و پشت باغ عمارت خاک ریز دیوار شهر قرار گرفته در اینجا باید توضیح بدهم که شهرهای چین عموماً دارای حصار سنگی است که تقریباً سی متر با سنگهای بزرگ حجاری شده دیوار مستقیم و مرتفع در دور شهر ساخته شده و خاک ریز بعرض ۱۵ متر برای توپ کرد و کنگره‌هایی روی دیوار قرار داده اند که برای نیراندازی مهیا باشد دروازه‌های شهر عموماً دارای دو درمی باشد که درها در جنبین و در وسط برجی مرتفع قرار گرفته که روی آن برج چند توپ نصب شده است عرض درها که از دولنگه تشکیل می شود تقریباً هرلنگه اقل ۳ متر با فولاد و با حر و اقبال بسته و باز می شود خانه ما در خیابان شمال شرقی پشت دیوار شهر که دریاچه بزرگی است بماصله ۳۵۰ الی ۴۰۰ متر نا دروازه فاصله دارد که پس از گذشتن از یانک تسه و طی چند صدمتر وارد شهر می شود پشت دیوار شهر که قسمت شرقی عمارت سفارت است دریاچه است که روی آن کرجی دانها برای تفریح مردم را گردش می دهند و در این دریاچه پنج جزیره بنام پنج قطعه کوه واقع که در این جزیره ها رستوران و وسائل تفریح فراهم است و مردم برای گردش و تفریح با کرجی باین جزا بر می روند و در شب های ماهتاب خیلی باصفا و محل مفرح و زیبایی است .

در موقع شروع جنگ حملات کمونیست ها از طرف شمال بود و باسنی از یانک تسه بگذرند تا بتوانند وارد شهر شوند و اگر چند کشتی جنگی در یانک تسه وجود داشت عبور فوای مهاجم بسیار مشکل میشد ولی قوای بحری چین را تمام جزیره فرمز برده بودند علیهذا مانعی برای عبور نبود و در موقع حمله فوای مهاجم تمام گلوله های توپ از روی سفارت ایران رد می شد که در واقع سفارت کبرای ایران در مسلل جنگ واقع شده است .

تمام شب پنجشنبه و روز پنجشنبه و شب جمعه جنگ در کمال شدت جریان داشت کارد سفارت هنوز در سفارت منوقف بود و بوظیفه حفاظت عمل می نمود صبح جمعه ۲ اردیبهشت ساعت پنج صبح مسیومر به شهر کیر فراسه شیخ السفرای بمن تلفون کرد که فوری بسفارت فرانسه شریف بیاورید من بهر وسله بود جان شو فر را حاضر کرده و طرف سفارت فراسه حرکت کردم

قبل از شروع جنگ همین که قوای کمونیست بطرف جنوب سرار بر شد فوای نظامی امریکا تانک تانک را تخلیه کردند و کشتی های جنگی هم مراجعت نمودند ولی یک کشتی جنگی انگلستان دریانک تسه لنگر انداخته بود که روز پنجشنبه مورد حمله کمونیست ها واقع شد و ۳۳ نفر از سربازان و ۲۰ نفر از کادربانان کشته شدند .

هم در حدود ۲۶۰ نفر تلفات دادند و کشتی را توقیف نمودند من همین که سفارت کبرای فرانسه وارد شدیم دیدم تمام سفرا و مستشار سفارت شوروی حضور دارند سفیر کبیر فرانسه چنه را افتتاح نمود .

بدواً از پیش آمد کشتی جنگی انگلستان و قتل ویس کماندان و سر بازان انگلیسی اظهار تاسف نموده سفیر کبیر انگلستان تسلیمت گفت معتز استونس سفیر کبیر انگلستان از این پیش آمد اظهار تاسف نموده و از تسلیمت کرد دیپلماتیک تشکر نموده بعد سفیر کبیر فرانسه مجدداً برخاست و اظهار داشت دیشب فرمانده کار نیزن بیست هزار دلار امریکائی گرفت و بقوای خود دستور داد عقب نشینی کنند .

خودش هم دیشب بطرف شانگهای حرکت کرد قوای مهاجم از سه نقطه الساعه مشغول گشتن از یانگ تسه هستند و تا یکساعت دیگر شهر بندست گمو نیست ها خواهد افتاد و قیقه هیئت سفرا چیست :

پس از مشاوره اینطور تصمیم گرفته شد که رابطه رسمی با حکومت کمو نیست نمی توانیم داشته باشیم تا از دولت متبوعه خود دستور بگیریم و تا مدتی که دستور برسد اگر اتفاقاتی روی داد بطور غیر رسمی شیخ السفر با دولت جدید اوز و در امور این آنها مذاکره نمایند که تا حضی و وضعیت حفظ شود از طرف دولت معاهده سفیر ای خود هر يك دستور لازم برسد جلسه خاتمه حاصل نمود . پس از ختم جلسه هیئت سفرا من سفارت خود مان مراجعت کردم ولی با اینکه فرمانده مراد کرده بود و قوای مدافع عقب نشینی می کنند معیناً صدای توپ و تفنگ لا یقطع در جریان است .

ظهر روز جمعه انبار آرد نزدیک دروازه غارت شد و سر بازهای مدافع که در حال عقب نشینی بودند هر يك دوسه کیسه آرد روی شانه داشتند . بنصف قیمت باهالی می فروختند من بنو کرهای سفارت دستور دادم که از اموال غارتی بهیچوجه خریداری ننمایند عصر جمعه گارد مس حفظ سفارت خدا حافظی کردند و حرکت کردند مبلغی بآنها عنوان خرج راه از طرف سفارت کمت شد .

شب سینه هم صدای تیر فطخ نشد ولی روز شنبه صبح برور صدای توپ و تفنگ وضعت تیر کم شد تا عصر نماند که قوای مدافع منظمآ از سمت راست خیابانی که روبروی سفارت کبرای ایران می گذرد بحرکت درآمدند و تمام افراد تفنگها سردست و بویها سوار شده وضعت تیرها روی دست بجان حاصر باش پاده و سواره مشغول عبور هستند از سمت چپ خیابان هم قوای مهاجم (کمو و بست) بهین ترتیب وضعت تیرها روی دست و تفنگها سردست و مسعد نیرانه آزی در حرکت هستند فاصله دوفوقه مدافع و مهاجم دو منراست ولی هیچ يك منعرص دیگری نیسود و سکی اینکه يك قوه منحد از مانور دوستانه مراجعت میکنند می و خانم و در بهم و محمد پیشخدمت ایرانی در بالکون عمارت نشسته و این منظره را تماشا می کنیم و شریندر میخواهم تصور این موضوع را زد خود با قوه حقلانی حل کب فادر نیسم زیرا دوفوقه که تا یکساعت قبل باهم در مبارزه و جنگ بوده و از یکدیگر می گشتند و در عقیده دو نقطه موازی هستند حالا یکطرف شکست خورده ولی اینطور استسیم نکرده و امیر شده است دسه مهاجم و مانع چگونگی آنها حمله نم کنند .

این صحنه بسیار جالب توجه است و باید وارد در فلسفه اخلاقی ملت چین شد تا فهمید این ملت دارای چه خصائص و طرز فکر و عمل آنها چگونه است که در موقع خود امیدوارم در این کتاب ذکر شود در هر حال قوای مدافع شهر را تخلیه کرده و خارج شدند و از صبح یکشنبه ۴ اردیبهشت شهر نانکینگ بتصرف نظامی کمونیستها درآمد.

رفتار کمونیستها با سفیرای خارجه

پس از تصرف شهر از طرف کمونیستها مأمورین دولت جدید اقدامات مخالف مأمورین سیاسی دول متخاصم را شروع نمودند بدو سفارت کبرای فرانسه و سفارت کبرای انگلیس و سفارت کبرای امریکا و سفارت کبرای ترکیه و سفارت کبرای کانادا را با قوای نظامی محاصره کردند و حتی برخلاف تمام قوانین بین المللی وارد دفتر سفیر کبیر امریکا شده و آنجا را تفتیش نمودند.

البته از طرف مأمورین سیاسی پرست شد ولی کم مونیست ها جواب دادند ما شما ها را سفیر کبیر سابق H. X. Am میدانیم و مصونیت برای شما قائل نیستیم و مرادده سفارت خانه های فوق الذکر را با خارج قطع کردند سفارت کبرای امریکا در دیگری داشت که آقایان کمونیستها نمی دانستند و از آن راه از خارج اطلاعات بما و آنها میرسید.

شارژدافر ترکیه که با من خیلی دوست بود و در محاصره قرار گرفته بود بعد از سه روز منکی چینی خود را نزد فرمانده نظامی فرستاد و پرست شدید اللحنی تسلیم نمود روز پنجم محاصره سفارت ترکیه را برداشتن و جواب دادند ما سفارت ترکیه را برای آن محاصره کردیم که در موقع تصرف شهر و انقلاب صدمه به اعضای سفارت وارد نشود و ضمناً پرست شما را هم نمیدانیم زیرا شما سفیر کبیر سابق هستید خودتان و خانه شما مصونیتی ندارد.

آقای کنگان اوغلی شارژدافر ترکیه بدیدن من آمد و جریان را بیان نمود ضمناً موجه شدیم که رفتار دولت فعلی با سفرا از چه قرار است تلگرافات رمز ما را هم تلگراف خانه رد کرد که حق ندارید رمز تلگراف شما را پس از چند روز حکومت کم مونیست حکم کرد که سفارتخانه ها باید اوتومبیل های خود را تقلیل بدهند مثلاً امریکا ۳۵ اوتومبیل و مراسه ها ۲۵ و انگلیس ها ۳۰ اوتومبیل داشتند برای هر یک پنج اوتومبیل قائل شدند سفارت ایران دو اوتومبیل داشت فقط یک اوتومبیل اجازه دادند و باید ماهی برای هر یک اوتومبیل یکصد دلار امریکا مالیات بدهیم هیئت سفر پرست کردند که مأمورین سیاسی معاف از این عوارض هستند.

ولی کسی آغوش بدهکار نبود و اوتومبیل های ما را در خارج توقیف می کردند بالاخره جلسه از جواب سفارت خانه ها تشکیل و بررسانی خود را بورت دادند تصمیم این شد که الجاء برای هر اوتومبیل ماهی یکصد دلار مالیات بدهیم تا از طرف دولت متبوعه تکلیف روشن شود ماهی احوار یکصد دلار امریکا (۷۰۰ تومان) پرداختیم و بعد از مدتی سفارت خانه های محصور از محاصره خارج شده و فقط با مأمورین تأمینات تحت نظر گرفته شدند و

بلافاصله برای تلفونها مبلغ گزافی وجه مطالبه کردند و هر قدر گفتم این تلفونها به مبلغ ۱۲۰ هزار دلار چینی که معادل با ۱۲۰ دلار آمریکا بوده است بما فروخته اند کسی گوش نداد و ناچار شدیم ۱۲۰ دلار دیگر بدهیم که سیم را قطع نمایند و بجای ۱۲۰ دلار آمریکا ۴۸۰ دلار چینی کمونیستی قبض دادند که در روز حرکت از چین ۴۸۰ دلار بماند که در آن روز ۴۲۰۰ دلار کمونیستی بک دلار آمریکایی قیمت داشت و در واقع بجای ۸۴۰ تومان ایران با پنج قران مرحمت فرمودند این هم یکی از اعمال حیوان مآبانه و بغضگری حکومت کمونیستهای چین بود.

برای تعیین تکلیف از طهران ساعت دوچار زحمت بودیم و زحمت مهمتر نبودن پول بود زیرا معامله و مخایره با خارج بکلی قطع شده بود بانکهای کمونیست که تازه تشکیل شده بود با خارج ارتباطی نداشت حوالهجات ما بنیویورک و بانکهای آمریکا میرسید و ما نمی توانستیم استفاده کنیم و از این راه سخت در مضیقه بودیم برای مشکل اول بالاخره با سفیر کبیر آمریکا مذاکره کردم تلگراف رمز را میدادم سفارت آمریکا آنها را دریابواشننگتن می گفتند وزارت خارجه آمریکا میداد با آقای علاء ایشان باسیم و اشننگتن به تهران می گفتند و برای ما جواب می گرفتند از این راه مشکل را حل کردیم ولی البته خیلی دیر جواب می رسید.

برای مشکل دوم فقط یکمربع ۵۰۰ دلار آمریکا از سفارت آمریکا گرفتم و چک دادیم به نیویورک ولی سفارت آمریکا اظهار داشتند که ما خودمان هم در زحمت هستیم و نمیتوانیم از این راه کمک کنیم وضعیت ما مشکل تر میشد که با نایب اول سفارت آمریکا مستر لو بنسن آمد به سفارت ایران و گفت يك راه خبني مساعدی بدست آوردم و آن اینست که سفیر کبیر X پنج هزار دلار موجود دارد شما حواله بدهید بنیویورک در وجه سفر کبیر آنها درواشننگتن بردارند سفیر کبیر X در اینجا بشما عین دلار میدهد من خبني مسرور شدم و چک را دادم مستر لو بنسن نایب اول سفارت آمریکا با انگلیسی نوشت و چون مستر استوارت سفیر کبیر آمریکا با زحمات زیاد موفق شد يك طیاره او را اجازه حرکت بدهند عازم و اشننگتن بود چک را با ایشان دادیم که درواشننگتن بسفر کبیر بدهند و ایشان حرکت کردند پس از چند روز تلگرافاً بوسیله رادو اطلاع دادند که چک تحویل شد بانك هم بوسیله سفارت آمریکا اطلاع داد که پنج هزار دلار برداشته شده است سفیر کبیر برای اخذ وجه مراجعه کردیم جواب داد بمن وصول وجه خبر برسد هر قدر مسرور کردم بالاخره آقای سفر کبیر جواب سر بالا میدهد.

۳۵ هزار تومان کلاه سرمی زوجه است در عملی که سه سفیر کبیر وارد بودند سه نیت انضادی میسواسیم بگهیریم بعلاوه خلاف شراوت و همچنین سفیر کبیر ایران بود که از سفر کبیر در وات دیگر مستر رسمی مطالبه نماید خلاصه هر قدر مسرور کردیم سفیر خیال برداخت وجه را بداشت من ناچار با مستشار سفارت کبیرای آمریکا ملاقات کردم که سمت مستشار در دفتری داشت و گفتم من باطمینان شما این وجه را برداختم و چک هم بخط مستر لو بنسن نایب اول سفارت آمریکا بوده است سفیر کبیر (X) بحال برداخت وجه را ندارد مستشار سفارت آمریکا تا گردنش سرخ شد و بمن گفت شما سه روز بمن وقت بدهید و بلافاصله

بسیار کبیر:۰۰ اظهار کرد که این مبلغ بوسیله ما پرداخته شده است اگر فوری نپردازید من بدولت شما تلگراف می‌کنم که سفیر کبیر امریکا بوزیر خارجه شما اطلاع دهد که سفیر کبیر شما کلاهبرداری کرده است.

بعد از سه روز سفیر کبیر:۰۰ تلفون کرد که خواهش می‌کنم عصر یک قهوه با ما صرف فرمائید عصر بسفارت کبیر:۰۰ رفتم و پنج هزار دلار را تحویل نمود و قبض گرفت.

ولی من این مبلغ را از جو انمردی و مساعدت سفارت امریکا توانستم بدست آورم و ضمنا سوجه شدم که در عصر حاضر نباید زیاد متوجه عناوین و مقامات بود در دنیا ای که کم مونیست‌ها حکومت میکنند و سفارت خانه‌ها را محاصره می‌نمایند و از سفرای کبار مالیات می‌گیرند سفیر کبیر هم مجاز است که اگر توانست مال دیگران را بجیب بزند یا میل سفرای کبار امریکای جنوبی لاینقطع قاچاق وارد کرده تجارت نماید ولی متاسفانه یا خوشبختانه تربیت ما در عصر دیگر و اخلاق و روحیات ما در محیط دیگر تربیت شده است و همین اخلاق و روحیه نزدیک بود مرا به یک خسارت سی و پنج هزار تومانی دچار نمایند.

آقای دیبا برای تصفیه محاسبات و فروش اتومبیل شخصی خودش از من اجازه گرفت برای پنج روز بشانگهای پرود و مراجعت نماید روز چهارم حرکت ایشان حمله کم مونیست‌ها شروع شد و مراجعت ایشان غیر ممکن گردید.

مشکلات داخلی با جریان جنگ و طرز عمل مأمورین دولت جدید مراجعت آقای دیبا را دچار تأخیر نمود آقای فریدون دیبا نایب دویم سفارت شر قدر بمأمورین کم مونیست‌ها مراجعه مینمودند اجازه مراجعت نمیدادند و با اینکه شهر شانگهای هم بتصرف کم مونیست‌ها درآمده بود معینا ممانعت میکردند و تمام کارهای سفارت را خود من با مسوول می‌گردانیدم.

دو بامه دوستانه بمأمور سیاسی نوشتیم که این سخت گیری شان نسبت بمراجعته نایب دویم سفارت کبیرای ایران مینی برجه اصلی است جواب مفتح نمیدادند و واگذار بفرمانده نظامی شد بالاخره پس از سه ماه مکاتبه و کشمکش در ۲۶ تیر آقای دیبا را اجازه دادند و ایشان از شانگهای حرکت کرده به نانکینگ وارد شدند.

روزان مأمورین دولت چین کم مونیست روز بروز بی ادبانه تر و خشن تر میشدند بطوریکه مهمانی های سهبانه سفرا بکلی موقوف شد و گاهی بنهار دعوت پسل میآمد ما هم باحار همین روند را تشبیب میکردیم ولی متاسفانه برای تعیین تکلیف از طهران دستور میرسد.

در آخر برج امرداد مستر استونسن سفیر کبیر انگلستان بدیدن من آمد و اظهار داشت دولت انگلیس چین کم مونیست را بر سمیت خواهد شناخت من میروم و سفیر کبیر جدیدی بیکون خواهد داشت پس از دو هفته خبری از وانشنگتن منتشر شد که مستر اجسن وزیر امور خارجه امریکا اظهار نموده است اگر انگلستان چین کم مونیست را بر سمیت شناسد در امور شرق اقصی با انگلستان دیگر مشورت نخواهیم کرد و پس از انتشار این خبر روز ۵ مه ۳۵ مستر استونسن سفیر کبیر انگلیس بی خبر بدیدن من آمد تا آنجا که شما را خواهد کرد من جواب داده منتظر دستور طهران هستیم

زیرا که ۵۲ روز است که تلگراف کرده‌ام ولی جوابی نرسیده سفیر کبیر انگلیس اظهار داشت خواهش میکنم اجازه بدهید من بسفیر کبیر خودمان در طهران تذکر بدهم که جواب شمارا زودتر بدهند من متعجب شدم زیرا مداخله در این کارچه مربوط بسفیر کبیر انگلیس است و نمی‌توانستم مقصود او را درک کنم پس از قدری تفکر چون بلاضرر دیدم موافقت کردم. روز جمعه دیگر جواب وزارت امور خارجه رسید: در اینجا علت تاخیر وصول تلگرافات را باید توضیح بدهم زیرا تنها وسیله مخابرات با طهران رادیو سفارت امریکا بود که تلگرافات رمز من را بواسطه اشتباه می‌گفت و جناب آقای علاء بطهران مخابره میکردند و بهمین واسطه جواب دیر میرسید ولی رادیو سفارت انگلستان مستقیماً با طهران مخابره مینمود که من تا این موقع نمیدانستم و عجب اینست که رادیو سفارت کبرای امریکا فقط با واشنگتن صحبت میکرد ولی رادیو سفارت کبرای انگلستان با همه جا میتواند صحبت نماید.

تلگراف وزارت خارجه حاوی این دستور بود: اثاثیه سفارت را در شانگهای تحویل ژنرال قونسول بدهید و سفارت را منحل کرده با تمام اعضا بمرکز تشریف بیاورید تمام هزینه در طهران پرداخته میشود.

این تلگراف فوق‌العاده اسباب زحمت بود زیرا اولاً پول برای حرکت و حمل اثاثیه نداشتیم و ثانیاً حمل بیست تن اثاثیه در این موقع جنگ و آشکالات دائم التزاید کم‌مونیستها کارسپلی نبود آقای دیبا هم مریض و تب می‌کند بعلاوه بزرگترین اشکال ما مستخدمین چینی است که از روز ورود کم‌مونیستها بکلی دیسپلین و انضباط را از خود دور کرده‌اند و برای انحلال سفارت یکسال حقوق مطالبه میکنند و کمیته کارگری هم جداً آنها را تعویب می‌نماید و اگر مستخدمین رضایت بدهند بفرما اجازه خروج از شهر داده نمی‌شود.

برای تحویل دادن اثاثیه سفارت با آقای میرفندرسکی ژنرال قونسول مراجعه ولی ایستان نمودم و از اطاعت امر و وزارت امور خارجه استکفاف و رزیدند تاچار مجدداً توسط سفارت انگلیس در نامکننگ از وزارت خارجه کسب دستور شد و امر نمودند در محل امنی بسیاریم من هم در یکی از بناهای ساخته‌های سرانسی که برای این امور مهیا بود اشیاء غیرقابل حمل را متمرکز کرده و بینه نمودم.

حال قبل از آنکه وسایل حرکت خود را از جیب بپیه کنم و مشکلات حرکت خود را شرح بدهم مدتی از جغرافیای مختصر و محصولات و معادن و عادات ملت چین برای استحضار هم‌وطنان خود شرح میدهم که احتمالاً از کلیه امور ذرا عنی و صحنی و سایر عنایای کشور چین مستحضر شوند.

معصولات و معادن و اشیای گنجینه چین

مملکت چین ۴۸ هزاره است و مساحت آن ۴۸۰۰۰۰۰ کیلومتر مربع است و از شمال جنوب شرق می‌دهم.

(۱) استان منچو کئی که انان مسجوری است و راپو بسیار پس از تصرف این ایالت

آنها بنام منچو کو نامیدند و این ایالت بزرگ از سه حکومت نشین تشکیل میشود (۱)
(۱) ایالت نیاو لین (۲) جی لین (۳) خه فون چیان که این سه حوزه بنام منچوری نامیده
میشود و پس از شکست دولت ژاپون در جنگ دوم بین‌المللی بکشور چین مسترد شد ولی
عملاً در تصرف شورویهاست .

شهر هو کدن و بندر پرت آرتور در این ایالت واقع است و فعلاً بندر Dayron
داین را که روسها تصرف کرده و استحكامات بحری کامل در آن مسخر نموده‌اند در این
ایالت واقع شده و بوسیله استحكامات داین بر خلیج لیا ئو یانگ یا خلیج پکن مسلط هستند
و این خلیج را چینی‌ها خلیج پچی لی نیز گویند .

(۲) ایالت مغولستان که وسیع‌ترین ایالات چین است این ایالت همواره مورد نظر
و طمع روسها بوده و چشم آنها بمنچوری و مغولستان دوخته شده بود همین که ژاپونیه‌ها
آنها را از منچوری خارج کردند در مغولستان هم دخالت نمی‌کردند ولی سیاست روسها
مرتباً در این ایالت فعالیت محضر مانده داشت تا در ۱۹۴۹ پس از غلبه کم‌مونیست‌ها مایسه تونگ
استقلال کامل مغولستان را تصدیق نمود ولی این استقلال بمعنی ضمیمه شدن بکشور شوروی
بود چنانکه فعلاً مغولستان ضمیمه شوروی و پشت پرده آهنین فرار گرفته و بهمان درجه که
دولت های نپس و چک اسلاو و تاجیکستان و ارمنستان و آذربایجان فعلاً استقلال دارند
مغولستان هم در همان ردیف و تحت سلطه کامل دولت شوروی است و این منطقه را بر کی
تاریکاتای نیز گویند .

(۳) ایالت جین کیانگ که آنها شین چیانگ نیز می‌گویند که همان ترکستان چین
است سکنه این ایالت مسلمان هستند و بر کی این منطقه را ارم چو گویند و چینی‌ها حاکم
نشین سین کیانگ را دی خو نیز می‌نامند .

(۴) ایالت ژدهو که حاکم نشین آن شهر چن ده می‌باشد .

(۵) ایالت چاچار که حاکم نشین آن شهر ون جوان است .

(۶) ایالت خابه که حاکم نشین آن شهر معروف پکن است که سالهای منمادی
بایسخت کشور چین بوده است در زمان جمهوریته دکتر سون یانسن مرکز حکومت را به
نانکینگ منتقل نمود ولی پس از غلبه مایسه تونگ و برقراری حکومت کم‌مونیست مجدداً
بایسخت کشور چین در پکن مستقر گردید و بندر نزدیک آن شهر تین سن است که اروپاییها
آنها بین‌المللی کردند و پس از خاتمه جنگ دوم بین‌الملل بکشور چین مسترد گردید .
(۷) ایالت سوزو که حاکم نشین آن شهر گوی سومی باشد و این شهر را بنام
ناوو نیز می‌نامند .

(۸) ایالت نیو شاد که حاکم نشین آن نیز باین اسم نیو شاه نامیده میشود .

(۹) ایالت شایهون که حاکم نشین آن جی فر میباشد و بندر چین داو در این ایالت

واقع شده .

(۱۰) ایالت چیا سی که حاکم نشین آن شهر نانکینگ پایتخت کشور چین در زمان

جمهوریست بوده است و پس از غلبه کم‌مونیست‌ها مجدداً پایتخت به پکن منتقل گردید شهر

جمهوریهای پهای که نام معروفی است در این ایالت واقع شده است .

- (۱۱) آن هوی که حاکم نشین آن شهر آن چین است .
- (۱۲) ایالت خان که حاکم نشین آن شهر گای فن است .
- (۱۳) ایالت سهین شی که حاکم نشین آن شهر نای یوان است .
- (۱۴) ایالت شان شی که حاکم نشین آن شهر شی آن یا چان آن می باشد .
- (۱۵) ایالت کن سو که حاکم نشین آن شهر لنجو می باشد .
- (۱۶) ایالت چین خای که حاکم نشین آن شهر نئی فین است .
- (۱۷) ایالت چه چیاک که حاکم نشین آن شهر خا اچو می باشد محل تولد مارشال چان کای چنگ در این ایالت و در شهر فو نکو بوده است .
- (۱۸) ایالت چیان شی که حاکم نشین آن شهر فن چاو است .
- (۱۹) ایالت خو به است که مرکز آن شهر او جان می باشد .
- (۲۰) ایالت سه چون که حاکم نشین آن شهر چو نکینگ است که مدنی در مومع چنگ بازا یون مرکز حکومت چان کای چنگ بوده است .
- (۲۱) ایالت شیکان که حاکم نشین آن شهر شی چان است .
- (۲۲) ایالت شیزان که نبت نامیده میشود حاکم نشین آن ایالت سهر لاسا که لها سا هم گفته میشود که آنرا گونگونر نیز گویند .
- (۲۳) ایالت هوی چین که حاکم نشین آن شهر هین چو میباشد که سابقا آنرا فو چو می گفتند .
- (۲۴) ایالت فو اندون که حاکم نشین آن شهر گوانچو می باشد که مسقط الراس دکر سون یاسن بدر جمهوری چین است .
- (۲۵) ایالت خو ناز که ایالت نشین آن شهر چانشاه می باشد .
- (۲۶) ایالت هوی جو که حاکم نشین آن شهر هوی یان می باشد .
- (۲۷) ایالت تقدان شی که حاکم نشین آن شهر گوی لپین است .
- (۲۸) ایالت یون یان که حاکم نشین آن شهر گون یین است .

در نتیجه جنگ بن الملل دوم جزیره درم از راون منسغ و بدو اسپین و وطن امسی شود مورد گردیدند ولی مقرر است که مجموع صمصاع با راون تحت حکومت مارشان چان کای چنگ باقی بماند و آنرا در تمامه صمصاع شان در اسپسگر دولت زایون استخراج این جزیره را از خروج تصدیق رود و علاوه بر حکومت چین ملایون است که حاکم نشین آن سهر چینون است و جزیره های یو چو در ضمیمه حکومت این جزیره می باشد و این جزیره که میسوان آنرا هم یک ایالت محسوب داشت است و بهمن ایالت کشور چین محسوب میشود و محل اعانت رانس جمهوری در شهر نایبه است .

جمهوری لائوس

کشور لائوس که با ۲۳۸ هزار کیلومتر مربع مساحت و ۳ میلیون و ۵۰۰ هزار نفر جمعیت دارد از کشورهای آسیای جنوب شرقی است از برونج و کنگه یو چو است و جوونو نیون و لایه یو بادا از همسایگان و همسایگان و درون و شکر و مخصوصا بر شکر که یکی از بزرگترین معادن و کشتزارهای آن است از نظر کشاورزی و جنگل و غیره بسیار

(در ایالت نیوآرلین بدست می آید که نوعی از حبوبات و زرد رنگه است که صادرات آن خیلی زیاد می باشد) و سبب زمینی است.

کشور چین از حیث میوه خیلی قابل ذکر است و شاید نهادهایی که خیلی محصول میوه دارد بکار نده ندیدم فقط گیلاس خیلی ریز و هندوانه و سیب دیده میشد هر کثات بسیار اعلا از جزیره مرمر می آوردند بنان هم از نقاط جنوبی و کرم سیر چین بعد و فور در تمام نقاط بدست می آمد ولی میوه های دیگر که قابل ذکر باشد دیده نشد ولی محتمل است در ایالات شمالی یا غربی و جنوبی انواع میوه جات دیگر هم وجود داشته باشد که مناسفانه بکار نده موهی بدین آن قسمت ها نشدم.

راجع بصنایع چین در چند صفحه قبل شرحی ذکر شده است و حقیقتا هوش چینی در صنعت مافوق تمام مللی است که من دیده ام مخصوصا در صنایع طرفه ربه اول را حاضر هستند ولی کارخانه هاییکه در چین دایر است و صنایعیکه دیده شده است به قرار زیر می باشد.

در درجه اول صنعت حریر و پشم ابریشم است که اساسا کشف این موضوع و عمل آوردن پشه و نوغان و تهیه ابریشم از کشور چین بسا بر ممالک رسیده است و در واقع مادر صنعت ابریشم کشور چین است و بهترین حریر دنیا بانقش های بسا زیبا کشور چین مقدم بر سا بر ممالک عالم می باشد دویم صنعت کاغذ سازی است که این صنعت بز بوسینه چینی ها بدینا امونخته شده است و کاغذهای خان بالق که سا بقا برای نوشتن هرامین در ایران استعمال می شد از کشور چین ارسال می گردید این صنعت با چندین کارخانه کاغذ سازی فعلا در کشور چین موجود و کاغذ تهیه می شود سویم صنعت باروت سازی است که این موضوع نیز اخرا عش بوسینه چینی ها عملی و بعد بسا بر منل رسیده است چهارم کارخانه های چینی سازی است که شهرت جهانی دارد و چینی های کشور چین بهترین بویه این صنعت است من شخصا دو گلدان بزرگ چینی در کاخ رئیس جمهور دیدم که بسیار زیبا و بهترین بویه چینی در دنیا است و این دو گلدان را تا سیصد هزار دلار امریکا قیمت گذاشته اند گذشته از این صنایع که مخترع اصلی آن چینی ها هستند فعلا در چین کارخانه های تهیه ماشین های فلاحتی و کارخانه تهیه چرخهای خیاطی و کارخانه تهیه لوازم الکتریک سنه از قبیل باد بزن و سایر ادواتی که برای این موضوع باید تهیه شود در کشور چین موجود و می سازند اگر چه در خوبی جنس و در دوام بدرجه ماشین های اروپائی و امریکائی نیست ولی در درجه دوم تمام احتیاجات داخلی چین را مریض می نماید و هم چنین کارخانه حروف ریزی و تیخ ریزی کارخانه های بر چج ماک کنی و کارخانه های تهیه آرد و سایر مشتقات آن در اکثر اسنانها مخصوصا در شهر سانگپئی بسا است و همچنین در شهر نانکینگ در سمت شرقی رودخانه عظیم بانگ تسه کیانگ کارخانه های زیادی است که در واقع انقست شهر نانکینگ را می توان شهر صمصی نامید و همچنین کارخانه کسب سازی که باید آنها را بیشتر کارخانه تعمیرات بحری نامید موجود می باشد کارخانه های بسا مسروب و تهیه روغن های مختلف نیز در اکثر ایالات موجود است و همچنین کارخانه های تهیه لوازم خرازی و تهیه کامبوت و همچنین

کشان بافی و حریر بافی و چرم سازی و کارخانه‌های قندسازی است ولی در چین بواسطه رطوبت زیاد اکثر ایالات قند را از چغندر نمی‌گیرند بیشتر از نیشکر و ازینکه نوع ترب سفید است که مواد قندی آن کمتر از چغندر نیست و نیز دارای کارخانه‌های رنگ‌سازی میباشد که شیمیست‌های چین کمتر از سایر ممالک مرقی نیست و حتی چند نفر شیمیست در چین هستند که در تمام دنیا معروفیت فوق‌العاده دارند و می‌توان آنها را از علمای درجه اول این فن دانست و کارخانه‌های مبل سازی نیز در اکثر ایالات موجود است مخصوصاً استفاده که چینی‌ها از چوب بامبو می‌نمایند این چوب بشکل می‌سوز می‌شود ولی بی‌اندازه محکم و برای فقرا و اشخاص کم‌بضاعت فوق‌العاده مورد استفاده است زیرا عموم چینی‌ها از هر طبقه روی تخت می‌خوابند و تخت خوابهایی که از چوب بامبو ساخته می‌شود خیلی محکم و با دوام و ارزان قیمت است و نیز می‌روغن‌دلی از بامبو ساخته می‌شود که خیلی محکم و قابل استفاده و سهلاً تهیه است و بی‌اندازه در هر شهر و هر یک از دهات چین این قبیل احویاجات را با بامبو رفع می‌نمایند و نیز کارخانه‌های حصیر بافی که در نهایت نظافت و زیبایی حصیر تهیه می‌نمایند

و نیز کارخانه‌های کبریت سازی و تهیه نخم مرغ برای صادرات که تخم مرغ را خشک می‌کنند برای جلوگیری از فاسد شدن و این عمل اخیراً یکی از مال‌التجاره‌های بسیار عمده کشور چین بود زیرا در هر سال شاید در حدود ۶۰ تا ۸۰ میلیون تخم مرغ از کشور چین صادر می‌شد و نیز کارخانه‌های حجاری و شیشه سازی و کارخانه‌های سمنت در اکثر ایالات موجود است

در صنایع مستظرفه نیز چینی‌ها دارای هوش و سلیقه مخصوص و سرشاری هستند صنعت نقاشی و حجاری و حکاکی روی عاج و برودری دوزی در نهایت طراقت است چنانکه رومیزی و دستمال‌های سفره بعدری نفیس تهیه می‌شود که یک‌دستگاه ۲۴ نفری اقل سه هزار تا ۹ هزار تومان قیمت دارد و نیز مجسمه‌سازی و گل‌دوزی و تهیه نقشه‌های بسیار زیبا در صنعت حریر بافی در مقام اول است حتی قمره کاری دسی چین بقدری نفیس و دریا و بدون تقلب تهیه می‌شود که با صنعت قمره کاری اروپا کاملاً رقابت می‌نماید و صنعت نجاری و منبت کاری نیز در چین بی‌نهایت ترقی کرده و ظرافت این صنعت را از آنجا میدهند بطوری که نجاری چین را بهتر از نجاری‌های اروپا یا اتم و بواسطه وجود جنگلهای بسیار عالی و انواع و اقسام چوب‌های ذی‌قیمت نجاری‌چین حقیقتاً قابل توجه است و در این قسمت مخصوصاً منبت کاری صنعت گران چینی درجه اول را حائز هستند صنایع فیزی دیگر نیز در کشور چین موجود است از قبیل فولاد سازی و اشیاء مسی و سربی و سایر ادواتی که با فلزهای مختلف ساخته می‌شود در کشور چین موجود و تهیه می‌کنند که بعضی نمونه‌های آنها را من تهیه کرده و با خود آورده‌ام

اعیاد و عادات ملی چین

ملت چین ملتی است بسیار متعصب و نسبت به عادات ملی خود خیلی علاقه مند هستند. مارشال چان کای چانگ بسیار سعی کرد که اول ژانویه را ابتدای سال قرار دهد و روز اول ژانویه را مثل اروپائی ها عید بگیرند ولی هر قدر سعی وجد وجهه کرد موفق نشد و بالاخره تاریخ را پذیرفتند که مطابق سنوات اروپائی باشد ولی عید نوروز را قبول نکردند و این عید در چین مطابق است با فوریه (۱۵ بهمن) که از اعیاد مهم ملت چین است در این عید ۱۵ روز تعطیل است و از دهم بهمن تا ۲۵ بهمن عید نوروز محسوب میشود و تقریباً تعطیل عمومی است مراسم این عید تاحدی شبیه عید نوروز خودمان است هر خانواده نسبت بوضعیت مالی خود لباس نوتپیه میکنند و در شب ۲۶ ماه دوازدهم هر خانواده شامی تهیه کرده و تمام افراد خانواده در صورت امکان در هر نقطه باشند در این شب باید در مجمع خانوادگی حاضر شوند و این شب را عید کوچک می نامند و تعطیل عمومی شروع میشود و وقت خود را با تفریحات و موسیقی خودشان و پذیرائی و آتش بازی می گذرانند و در شب ۴ فوریه ۱۵ بهمن که شب نوروز است افراد خانواده تا صبح بیدار بوده و بعباش و عشرت و تفریح می گذرد بودائی ها از ساعت دوازده در خانه را می بندند و میزی که روی آن اقسام اغذیه تهیه شده است می گذارند جلو در و چند شمع هم روی میز روشن است تا قدری بطلوع آفتاب این میز را بیرون در برده و بعد وارد خانه میکنند و بودائی ها اورادی هم نوشته بندیوار های خانه الصاق مینمایند و این میز اغذیه برای پیش کشی ملکه ارزاق است و پس از این تشریفات تا ساعت ۱۶ الی ۱۲ روز در بسته و افراد خانواده با هم هستند و از ساعت ۱۲ به بعد دید و بازدید شروع میشود و این عمل تقریباً شبیه عادات و رسومات کشور خودمان است و نبودن عید از طرف رئیس خانواده با افراد فامیل و مخصوصاً بگماشتگان رعایت میشود در سفارت کبرای ایران ما دوسرته بگماشتگان چینی خود عیدی دادیم یکی در نوروز چینی ها و یکمرتبه در عید نوروز ایرانی که باز هم بگماشتگان چینی که برای تبریک نزد میرو خانم آمده دست می بوسیدند عیدی دادیم صرف شیرینی و زینت کردن بهراغ هندو خانه و آتش بازی یکی از رسومات محلی این عید است در اول ژانویه هم سه روز عید می گیرند ولی تعطیل نیست و این عید تاحدی تعطیلی است و ملت چین برای اولیاد از پیشوای خود مارشال چان کای چانگ رعایت می کردند ولی عمومی نبود ولی در فوریه عید حقیقی و ملی و عموم رعایت می نمایند و دلیل مهم پولادوستی چینی ها اینست که در اعیاد مهم به یکدیگر که تبریک میگویند اظهار نسی کنند که در سال جدیدی انشاء باشد و سلامت باشید به یکدیگر در موقع تبریک اعیاد می گویند امیدوارم در سال پیش رو شما بیشتر شود و این اظهار مهم ترین دلیل بر ثروت دوستی و پولادوستی چینی ها است.

و اما سایر اعیاد چین دو عید دولتی و ملی است یکی عید جمهوریست که در روز دهم اکتبر و دویم عید غلبه بر ژاپون که اخیراً رسم شده است در روز سویم سپتامبر ادارات دولتی تعطیل است ولی کسبه و تجار مشغول کسب و کار خود هستند

اعیاد ملی چین که از قدیم مرسوم بود و رعایت میشود پنج عید است عید اول بنام (یوان شیهه چیه) که در پانزدهم ماه اول سال گرفته میشود عید دویم موسوم است بعید (چین همین چیه) که در دهم ماه سویم گرفته میشود این عید را مخصوصاً بودایی‌ها برای احترام اموات می‌گیرند و در سرفبور پس از تنظیفات کاغذهایی می‌سوزانند و هر کس يك كاسه برنج در آب ریخته روی قبر مرده خود میریزد و مطابق رسوم مذهب بودا بعبادت مشغول میشوند و در وقت مراجعت مقداری کاغذهای ریسه ریسه کرده بسر جویی الصاق کرده و روی قبر نصب می‌نمایند و این علامت اینست که مرده صاحب دارد و متولین و بزرگان بکنفر مستحفظ هم سرفبور می‌گمارند که قبر را تمیز نموده و زائرین بدانند که مرده شخص بزرگ و محترمی بوده است و تمام مدارس در این روز تعطیل میشود و عموم مثل روز سیزده تورور ایرانیان بخارج شهر و نقاط باصفا می‌روند و تا شام به تفریح و تفرج می‌گذرانند عید سوم موسوم است بعید (دوان او چیه) که در روز پنجم ماه پنجم سال گرفته میشود در این روز نیز تعطیل عمومی است و غذای مخصوصی بشکل دلمه برك وای خیلی بزرگتر تهیه می‌کنند که داخل آنرا از خرما و کشمش و برنج پر کرده دور آنرا نخ می‌بندند و برگهائی که برای این غذا استعمال میشود خیلی معطر است و هر خانواده باید اقلاً دوسه عدد از این دلمه در این روز تهیه نمایند بودائی‌ها در این روز خرچنگ زیاد می‌خورند و با شراب مخصوص بندوستان خود هدیه می‌دهند

عید چهارم موسوم است بعید (جون چيو چیه) که در یازدهم ماه هشتم گرفته میشود این عید را بنام استراحت می‌نامند و خوراکی تهیه می‌نمایند از آرد سفید و روغن کنجد و شکر و تخم مرغ و کلم معطری بنام (کوی خوا) در آن میریزند و تمام خانواده‌ها و میهمانها از آن صرف می‌نمایند و این خوراک را چینی‌ها (پوپین) می‌نامند.

عید پنجم موسوم است بعید (چون یان چیه) و در نهم ماه نهم گرفته میشود این عید مخصوص شعرا و علماء و محصلین است ولی خوراک مخصوص در این عید تهیه نمیشود به پوشیدن شراب و شعر و موسیقی در نقاط مفرح می‌گذرانند

علاوه بر این اعیاد که ذکر شد اعیاد دیگری هم مرسوم است که عمومی نیست مثل اعیاد زارعی و دهشاقین و صد زبها و نیز اعیادی از قبیل عید اطفال عید خرنکاران عید روز نامه نگاران و عید هنر پیشگان و غیره که محتاج شرح و توضیح نیست و از نقطه نظر عمومی اهمیت اعیاد مذکور سابق را ندارد

سابقاً در چین مرسوم بود که دخترها را در سن طفولیت پاهای آنها را در کفش

فولادی قرار می‌دادند که بزرگ نشود و هم چنین به پستان دخترها قطعات فولادی می‌بستند که سینه آنها برجسته نمی‌پیداکنند و با این عمل که جلوگیری یکی از بهترین زیبایی‌های زنان است جلوگیری می‌کردند من شخصاً زنهای مسن را دیدم که بواسطه کوچکی با بسیار بزرگت راه میرفتند ولی خوشبختانه پس از جمهوریّت و مخصوصاً در موقع تصدی مارشال چای کای چک خانم ایشان که زن بسیار باهوش و تحصیل کرده و خوش بیانی است تشکیلاتی داد و نهایت جد و جهد را نمود و از این دو عمل شدیداً جلوگیری نمودند و تبلیغات بسیار موثر در تمام کشور بعمل آمد و حالاً می‌توان گفت که این دو عادت تقریباً منسوخ شده و این دو عمل که یکی بستن فولادبسته دخترها بقیصه زیبایی خانم‌ها و عمل بزرگتی بود هر دو موضوع موجب مشقت دخترها بوده است از بین رفته و منع این دو عمل نتیجه فداکاری وجدیت خانم مارشال چان کای چک است

اما طریقه ازدواج در کشور چین بیشتر شبیه سایر ممالک شرق بوده است و اختیار ازدواج در دست ابروین عروس و داماد قرار می‌گرفت ولی حالاً این رویه هم متزلزل شده سابقاً دخترها و پسرها حق نداشتند خود نامزدی انتخاب کنند و حق طلاق هم منحصرأ با اختیار شوهر بوده است و اگر شرایط قانع کننده و علل مهمی نبود مردها هم نمی‌توانستند طلاق گویند ولی مردها در صورت وجود علل مهم مثل خیانت زن و رفتار خلاف عفت یا عدم اطاعت عروس از پدر شوهر و مادر شوهر موجبات اجرای طلاق را فراهم می‌نمود.

برای خواستگاری دو هرزن یا مرد از طرف خانواده داماد بخانه عروس می‌روند و پس از مذاکره و قبول خانواده عروس بایستی منجم نیز ساعت مساعد تعیین و نظر کاهن و منجم بیز جلب شود که آیا ستاره عروس و داماد موافق است یا خیر و گاهی در صورت اظهار عدم توافق ستاره عروس و داماد از مواصلت صرف نظر می‌شود در صورت موافقت شیرینی که چینی‌ها آنرا (شی پیی) می‌نامند از طرف خانواده داماد بخانه عروس فرستاده میشود و آن شیرینی را باید افراد خانواده عروس تناول نمایند و عهد منجم نیز که بزبان چینی (کوشو) گفته میشود باید ضمیمه هدایا باشد و سن ازدواج برای داماد بیست سال و برای عروس اقل ۱۷ یا ۱۸ سال است پس از اتمام این مقدمات هدایایی از طرف خانواده داماد فرستاده میشود که حتماً باید زوج باشد مثل دو انگشتر و دو گوشواره و دو دست بند و این موضوع برای اینست که اتحاد و یگانگی بین دو نفر باید رعایت شود و هر کس هم طبق تعول و قدرت خود لباس‌ها و پارچه‌هایی برای عروس می‌فرستند و اگر این نامزدی قبل از رسیدن سن بلوغ باشد باید صبر نمایند و در صورت واجد بودن سن بلوغ بارسیدن باین سن دعوت عروسی عملی میشود و پرداخت وجه نقد مرسوم نیست خانواده عروس تهیه جهیز می‌نمایند و این جهیزیه تمام لوازم زنه گانی یک خانواده است بیشتر خانواده عروس

رشته پارچه سفید بطول بیست متر یا زیادتر در دو طرف نگاه میدارند و مشایعین در وسط این دورشته حرکت می کنند و موزیک محلی که خیلی خوش صدا نیست در جلو حرکت می کنند و مشایعین زن و مرد بلباس سفید و زنها با علامت گل پاینبه سفید مرده را مشایعت مینمایند و در مقبره با تابوت چوبی دفن مینمایند و قبر را مدور درست می کنند و سنگ قبر هم نسبت بتمول مرده از سنگهای مختلف که نام میت و اولاد او حجاری شده روی قبر نصب می شود .

گذشته از مراسمی که فوقاً ذکر شد من یکی دو مرتبه مشایعین جنازه را شخصاً مشاهده کردم که علاوه بر این تشریفات شخصی هم نوب کیسه سفیدی رفته و چون پاهای او آزاد نیست بهال ورجه ورجه در جلوی میت حرکت می کرد صدای طبل و آلات موسیقی برای تشریفات میت قرع سح مینمود و نیز در جلو جنازه اژدهائی بطول ۶ متر بامقوا میسازند و در جلو جنازه حرکت میدهند و تابوتهائی که در چین ساخته میشود خیلی عالی و گران قیمت هم تهیه شده گاهی تابوتها تا ۱۵۰۰ دلار امریکا قیمت دارد و میت را با تابوت دفن مینمایند ولی البته این عمل نسبت بمسلمانان نیست و مسلمانان را بر طبق اصول دیانت اسلام دفن مینمایند و در دهات هر زارع و دهقانی را در مزرعه خود دفن میکنند و مثل گنبد مانند با خاک روی قبر را مرتفع می نمایند ولی وقتی عده مرده در مزرعه زیاد شد و جا برای زراعت باقی نماند در بعضی دهات شب استخوان مرده ها را بیرون آورده میریزند در چاه و روز بعد صاحب مرده ها جمع شده بسر خود می زنند و داد و فریاد میکنند که دیشب درد آمده مرده ها را دزدیده و این عمل را یکی دو مرتبه مشاهده کردیم پیروان مذهب بودا برای اینکه خیرات نمایند اعمال اطعام و غیره را نیز انجام می دهند و بعضی اذ فرق بامقوا عمارت و باغ و احتیاجات انسان را تهیه کرده با مرده در قبر می گذارند حتی مقداری پول و هنری هم اسکناس در سر قبر آتش می زنند که مرده در آن دنیا محتاج نیابد و اگر احتیاجی داشته باشد از اینها رفع احتیاج بنماید ولی برود این عادات رو بزوال است .

چینی ها اکثر الباسشان مثل لباس رددستی های ایران است قبای بلند چپ کن مسپا یغه مثل یقه عربی و از پهلود کمره می خورد مأمورین دولت بلباس اروپائی کت و شلوار مجلس هستند لباس رسمی دولتی همان قبای چپ کن بلند است و روی آن یاک کت بشکل پلهای زمانه سابق می پوشند و این لباس لباس رسمی چین است ولی اخیراً فراك معمول شده است در روز شرفیایی بحضور رئیس جمهور وزیر امور خارجه و اعضای وزارت خارجه چنانکه در عکس مشاهده می شود با فراك هستند و نشان راهم روی فراك می رسد ولی در پذیرائی های رسمی وزیر امور خارجه ژنرال (و در چین) همان قبای بلند چپ کن را پوشیده و روی آن هم کت طرز چین را استعمال نموده بود اما خانمها در چین دارای سکر ملباس هستند که اسباب خوشبختی مرده ها است زیرا آمد و تئیر لباس خاصها در کشور چین و بود و ندارد و این موضوع حقیقتاً یاک خوشبختی برای مردم چین است که از دست عدو تغییر

لباس خانها هر روز آزاد هستند و برای صبح و عصر و شب و موارد مختلف البسه مختلف خانمهای چین استعمال نمی نمایند

لباس زنها عبارت است از يك پیراهن که بالاته و روب بهم متصل است و بعه آن مثل یقه عربی لباسهای مردانه ایرانیان در سابق باقرن قفلی بسته می شود در زمستان آستین بلند و در تابستان آستین خیلی کوتاه و این مد بهیچ وجه قابل تغییر نیست و در تمام مهمانی ها و در هر موقع همین لباس استعمال می شود منتها متولین از پارچه های ابریشمی و قیمتی استعمال می کنند طبقات متوسط با پاتین تر هم مد لباسشان همین است ولی پارچه را بر طبق تمول و دارایی خود تهیه می بینند و در زمستان شلوار و قهای بلند را پنبه دوزی میکنند و لای پارچه را کرک ابریشم لادوزی مینمایند که در زمستان خیلی گرم است طبقه سویم و چهارم در زمستان يك منقل کوچک مثل منقلهای اسپند دود کنی در اویش که بزنجیری آویخته است بپچ خود می آویزند و دود دست را در آستین لباس فرو می برند و این منقل هم که قدری آتش در او موجود است همین طور بدستان آویخته است و در حرکت هستند .

خوراك اهالی چین

مردم این کشور بیشتر و بلکه اکثریت نزدیک با اتفاق علف خوار هستند و بگوشت خیلی علاقه ندارند. خوراك اكثری برنج است و البته گندم هم در نقاطی که قابل زراعت است تهیه می شود ولی خوراك عمومی برنج است و برای متولین اقسام خوراك چین خیلی زیاد و باسئای چند خوراك مطفوب است و معمول ایست که در سر میز غذا از بیست تا سی جور غذا حاضر می کنند ولی هر کس قدر کمی از آنها صرف می کند شبی که من مهمان تجارت خانه نمازی بودم در شانکهای بطوری که در عکس مشاهده میشود چندین جور غذا در ظرفهای کوچک موجود است و ادویه جاتی در غذا استعمال می کنند که بعضی خیلی مطلوب و برخی بزائقه ما ایرانیان مطلوب نیست شراب را هم گرم کرده می آشامند و البته برای مائشرب شراب گرم هم خیلی مطلوب نیست ولی استعمال خرچنگ و گوشت خوک البته زیاد است و يك خوراك خیلی گران قیمت خوراك گوشت گربه است که آنرا چندین مرتبه در آب مرغ می جوشانند و آب آنرا عوض کرده و این عمل تکرار می شود و با ادویه جات مخصوص این خوراك را تکمیل می نمایند و برای بعضی بسیار مطلوب و قیمت آنهم خیلی گران است سرای خارجه و ما ایرانیها بیشتر گوشت کوساله یا ناو و یا از مرغ و خروس و مرغ آبی و قاز و قر قاول که بحد و هور دست می آمد استفاده می کردیم اقسام ماهی هم زیاد است ولی بخوبی ماهی های بحر خزر نیست اما برای چین همه چیز را برای غذا قابل استفاده می دانند چنانکه در سفارت کبرای ایران گماشتگان سفارت گرم های درون هلزون را از دریاچه سفارت گرفته و سوپ می کردند و همچنین ماهی که در سفارت بود گرفته سرو دم آنرا میزدند و سوپ مارتیه کرده با لذت تمام صرف مینمودند و از خوردن گوشت میته هم صرف نظر نمی کردند چنانکه در موقع ورود کم مونیست ما برای اینکه شاید جنک بطول انجامد و دوچار مضيقه شویم سی عدد مرغ و خروس خریداری کردیم که در صورت احتیاج مصرف کنیم .

ولی هر روز صبح می دیدیم دو مرغ یا خروس مرده است می انداختیم بیرون نوکرها

فوری برداشته پر کرده پخته و می خوردند چون این عمل هر زور تکرار شد مورد سوءظن من قرار گرفت معلوم شد که دوائی مخصوصی را که مسموم نمی کند بمرغهامی دهند و چون می دانستند ما میته نمی خوریم خودشان استفاده می کردند چهار عدد بقیه که مانده بود سر بریدیم و از سی مرغ و خروس چهار تار را بالاخره خودمان مصرف کردیم که اگر در این قسمت هم غفلت می کردیم از این چهار مرغ و خروس هم محروم می شدیم و نیز در موقعی که در سفارت سیام میهمان بودیم چند سگ خیلی شکیل بود دختر من مریم تعریف کرد و دختر سفیر کبیر سیام که با مریم دوست بود يك سگ كوچك از این نژاد برای مریم فرستاد و مریم برای نگاهداری این سگ خیلی مراقبت میکرد بهمین جهت فربه و چاق شده بود موقع حرکت از چین آوردن سگ غیر ممکن بود زیرا دولت چین اجازه نمی داد و گمرک خروجی خیلی فوق العاده مطالبه می کرد و ما ناچار از سگ صرف نظر کردیم شب آخر که حرکت ما قطعی بود نوکرها سگ را کشته و پخته و خوردند و بی نهایت موجب تاسف و تالم مریم فراهم گردید که بیچاره سگ را نتوانستیم بیرون ولی خیانت نمی کردیم که مورد استفاده گماشتگان واقع شده و تناول فرمایند.

چینی ها افلا روزی چهار مرتبه یا پنج مرتبه صرف غذای نمایند و اکثر برنج در کاسه ریخته و باد و چوب راست آنرا بدندان نزدیک کرده و بلع می نمایند و اسام سبزی و زردت نیز جزء غذای روزانه آنهاست و اگر مواد گوشتی بدست بیاورند بطور تفنن صرف می نمایند ولی غذای عمومی بطوری که ذکر شد اکثر آن همان برنج است ولی برنج چین برای ما قابل استعمال نبود و یا بواسطه جنک نوع برنج خیلی عالی بنا سگینگ نمیرسید و ما ناچار از سیام برنج خواستیم و تقریباً کیلوئی پنج تومان وارد شد و چند مرتبه برای تهیه پلوی ایرانی از این برنج استفاده کردیم (۱)

فلسفه در چین :

اگرچه چند کلمه راجع بکون فیسیوس قبلاً ذکر کردیم ولی برای فهم عقاید و رویه متخذة ملت چین لازم است مدتی در فلسفه و طرز فکر این ملت وقت نمایم.

آنچه در چین استعمال و وقت شد فیلسوف مهم این کشور شخصی را بنام (لاوز) ذکر می کنند که قبل از پنجهزار سال در چین زندگی می کرده است و اصول عقاید او تقریباً شبیه

(۱) قبل از حرکت چین در اثر تبلیغات من تصور می کردم که اولاً يك سوم ملت چین بریاکی هستند و پس از ورود بنایین مملکت در این قسمت کتیجاو شدم و معلوم شد واحد زیادی این تبلیغات صحیح نیست البته اشخاص بریاکی در چین هستند ولی ایسکه اکثریت جمعیت چین تریاکی هستند بکلی کذب محض است چنانکه قبل از مسافرت بکرمان من تصور می کردم تمام کرمانی ها بریاکی هستند و بعد که خودم والی این ایالت بودم سه چهار شدم که فوق العاده اعرافی آمیز است این موضوع هم در چین نسبتاً همین طور است و آیا این تبلیغات از طرف اروپائی ها یا ژاپنی ها تا این حد ساده است نمیدانم ولی بدیهی است در بین هر ملتی نیک و بد وجود دارد و اشخاص دلس در بین تمام ملل هستند ولی اکثریت جامعه چینی تاحدی که بنیغ شده است دلس نیست و اگر نسبت بجمعیت بمتجسم شاید از سایر ملل کمتر باشد.

بزرگ است زیرا معتقد بحکومت فردی است و مخالف با پیغمبران است و همه چیز را برای هر کس مساوی میخواید و معتقد است اوزان و مقیاس‌ها و قیود دیگر ازین برداشته شود و در هر چیز هر کس بتواند استفاده نماید ولی آنچه شنیدم فلسفه لاوژمدون نشده است و بعضی عقاید کنفیوس را مبنی بر اخذ از فلسفه مشارالیه میدانند ولی بطور قطع فیلسوف مهم چین کنفیوس است این فیلسوف طرز عملش شبیه بسفراط است زیرا بیانات او بوسیله شاگردش (من سیوس) مدون شده است عقیده کن فیسیوس در ماوراءالطبیعه اینست که این دنیای منظم و محسوس ناچار خالق دارد ولی ارایشکه این خالق چه شکل و درجه محل است باید صرف نظر کرد زیرا دقت در این موضوع بی نتیجه است راجع بامور اخروی و شایه دیگر می گوید چون ما فعلا زنده هستیم و احبباج بزنده گایی داریم بهتر است بامور دنیا پرداخته و موجبات آسایش خود را فراهم نماییم و موضوع آخرت را فراموش کرده بخدا و اگدار نمائیم و در عقبه همین عقیده راجع بفرشتگان و ملائکه و شیاطین و غیره اظهار عقیده نمی نماید و واضح است که بایش موضوع معتقد نبوده و راجع بامور بشر و جامعه در ۸ کلمه اظهار عقیده مینماید که بزبان چینی (۱) شو (۲) نی (۳) جون (۴) شین (۵) لی (۶) ای (۷) نین (۸) چی گفته میشود: شو بمعنای اطاعت و احسان به پدر و مادر است: تی بمعنای رفتار بیک با اهوام و خویشان چون بمعنای پرسش وطن و پادشاه است و بمعنای امانت و درستکاری نیز میباشد. شین بمعنای ایفای بعهول و عهد است: لی بمعنای ادب و احترام و خوش رفتاری است: ای بمعنای انجام وظیفه و عداوه بشغل و کار: نین بمعنای عفت و پاکدامنی. چی بمعنی شرم و حیا و دوری از شستاحی و بی شرمی است: گذشته از دستورات فوق چنانکه سابقا ذکر شد این فیلسوف میگوید اثر در مقابل بدی نیکی کسید در مقابل خوبی چه خواهید کرد.

در سیاست مدن عقیده کن فیسیوس اینست بشر باید نسبت بهمنوع خود خوش رفتار باشد و با همسایگان با مودت و مهربانی رفتار کند و آنچه بخود نمی پسندد به دیگران روا ندارد.

و نیز عقیده این فیلسوف است که اغنیاء باید جمع ضیاء و عقار نمایند و باید رفتار بضعا و فقرا وارد نشود و این عقیده را در زبان چینی (ای چیان فر ژو) میگویند و کم سوییست های چین بیشتر روی این کلمه تکیه میکنند و در هر مورد عمل چهار خانواده را تشریح کرده و عقیده کن فیسیوس را تبلیغ میکنند ولی برواضح است که این اظهارات کلمت حق یراد به الباطل است زیرا در عمل دیدیم که رفتار خودشان غیر از اینست و نیز کن فیسیوس سفارش مینماید که طرفدار درستی و صحت عمل باشید و با دزدی و خیانت مبارزه کنید که این عقیده را جینیها (چان ای چی ین) میگویند ولی متاسفانه کمتر باین دستور عمل میشود.

وقتی بدقت بعقاید کن فیسیوس توجه نمائیم میبینیم قدری فعدان عقیده راجع بمنهوب مربوط بفلسفه ماوراءالطبیعه است زیرا سایر فلاسفه شرق و غرب در این موضوع بشر را بداشتن عقیده ثابت راهنمایی مینمایند و مادی بودن ملت چین نیز بی ارتباط بهمین فلسفه نیست و کینه جوئی چینی‌ها نیز متکی بهمین دستور است.

چیزی که بینهایت موجب تأسف من است این است که بواسطه ندانستن زبان چینی و توقف مدت قلیل در این کشور موفق نشدم که در فلسفه این کشور عمقا مطالعه نمایم و با علاقه که بفرسفه دارم این مقدار را کافی نمیدانم و برای فهم عمیق فلسفه کنفیسیوس مدت بیشتری لازم است و در مدت کمی که من در چین بودم با گرفتاریها و انقلابات و جنگهای محلی خیلی جد و جهد کردم که همین قدر هم توانستم باوضاع واحوال این کشور متوجه شوم و البته این مطالعه خیلی ناقص است و امیدوارم ارباب دانش کمی مدت و مشکلات محلی را در نظر گرفته با نظر عفو و اغماض مطالعه فرمایند .

موسیقی و ادبیات و آثار

با کمال تأسف چون زبان چینی نمیدانستیم و استفاده از این زبان هم بقدری مشکل است که مدت زیادی باید وقت صرف و غیر ممکن بود و باز در صورت فهمیدن کلمات چینی فهم دقائق اشعار در هر زبانی بسیار مشکل و مستلزم تبصر در آن زبان است ولی میشنیدم که در چین شعرای مهمی بوده است و اشعار بسیار دلپذیر و جالبی داشته و دارند ولی موسیقی چینی برای ما مطلوب نبود و حتی در بعضی قسمت ها تا حدی قریح سمع می نمود در حالیکه موسیقی اروپائی و موسیقی هندی در بعضی قسمت ها تا حدی مطلوب است . اما موسیقی چینی آن مقدار که من شنیده ام مطلوب و جالب نبود نه اثر هم در کشور چین طرز مخصوصی دارد که از حیث دکور و لباس و تزئینات بسیار عالی و جالب است مخصوصا لباسهای فوق العاده زیبا و ملیله دوزی در درجه اول است که من در اروپا هم باین درجه ندیدم اما طرز بازی آکتورها و آکتریسها مخصوص بخود ملت چین است مثلا شخصی در سن پای خود را حرکت میدهد شما باید بفهمید یعنی سوار اسب شده است .

یا ظرفی را حرکت داده بخارج محتویات آنرا پرتاب میکند (در حالیکه ظرف خالی است) شما باید بفهمید که آب از آن طرف بخارج ریخته شده است و نیز در خیلی از موارد باید حرکات بازی کنندگان را تعبیر و تفسیر نمود و نیز در سن موقعیکه بازی می کنند زنی هم در گوشه سن نشسته بچه خود را غذا میدهد یا دونفری که بهیچ وجه مربوط بیازی نیستند باهم صحبت میکنند و چپق چینی میکشند و این عملیات در سن برخلاف اصول نه اثر تلقی نمیشود .

من مخصوصا شبی به نه اثر رهم اگر چه مطالب را نمیفهمیدم ولی مترجم خودمان تا حدی مفهوم مطالب و حرکات را بیان مینمود و آن مقداری که من از دیدن نه اثر چینی مایل بودم استفاده نمایم استفاده شد و گذشته از موضوع نه اثر که ذکر شد در عملیات (اگر باتیک) و کارهاییکه در سیرکها اجرا میشود چینیها استعداد فوق العاده دارند .

در شانگهای شبی در هتل ضمنا نمایش داده میشد یکی از بازی کنندگان میزی را روی چهار بطری قرار داده و روی آن صندلی گذارده و شخصی روی آن صندلی مایستاد و دختری روی سر او بایک پایستاده و حرکاتی میکرد که حفظ تعادل بسیار مشکل بود از این قبیل بازیها چینیها بطور فوق العاده حرکات و عملیاتی میکنند که مورد تعجب است

در این قسمت استعداد چینیه‌ها بیشتر از بازی کردن درس بطور تراژدی با کمدی است ولی شاید من هم در تمام قسمت‌ها نتوانستم همه جا و همه چیز را ببینم و اگر تقصیر در این قسمت مشاهده شود از قارئین گرام معذرت خواسته امید عفو و اغماض دارم.

حفظ الصحة افراد

نکته که برای من جالب بود علاقه افراد چینی‌ها به تمیز نگاه داشتن دندان و نظافت آنها بود زیرا تمام مستخدمین ما هر يك دارای يك مسواك بودند و بطور قطع روزی دو مرتبه دندانهای خود را می‌شستند و هر فردی نیز دارای يك تختخواب از چوب بامبو بود اگرچه استراحت عموم در روی تخت خواب بیشتر بواسطه رطوبت منطقه بود که در غیر اینصورت مبتلا بمرض رماتیسم میشوند در زابل (سیستان) هم افراد حتی فقیر ترین کارگریا زازع روی تخت خواب چوبی که بانی درست میشود و تشك آنها باطناب می‌بافند استراحت می‌کردند زیرا سیستان بواسطه هیرمند و دریاچه زره و برنك محل خیلی مرطوبست همین موضوع موجب شده است که کسی روی زمین نمی‌خوابد زیرا قطعاً بمرض رماتیسم مبتلا خواهند شد.

در کشور چین هم مخصوصاً منطقه که ما دیدیم هوا فوق العاده مرطوبی و طبیعتاً ایسوا از تختخواب استفاده نمایند و نیز افراد چینی تا مجبور نشوند آب غیر تمیز نمی‌بوشند مخصوصاً یکروز در حوض فواره جلوه عمارت که از آب لوله استرلیزه جاری بود محمد پیشخدمت من قاز را انداخت در حوض یکمرتبه مستخدمین چینی با کمال عصبانیت اعتراض کردند که ما از این آب مینوشیم چرا آب را کنیف میکنید که من متوجه شدم و غدق کردم دیگر احدی باین حوض آب دست نزنند و برای شرب مستخدمین تمیز نگاه دارند و این اخلاق عمومی و روبه جامعه چینی است و در تایلستان هیچ وقت آب سرد نمی‌نوشند و حتماً آب گرم یا چای مخصوص خودشان را می‌آشامند و این موضوع در حفظ الصحة چینیه‌ها بسیار مؤثر است.

حرکت از چین

قبل از شروع اقدامات برای حرکت از چین لازم میدادم احساسات مسلمان‌های این کشور را نسبت بخودمان بطور اختصار بیان نمایم. مسلمان‌های چین که تقریباً شصت میلیون هستند کمینه دارند که رئیس آن ژنرال عمر و اسم چینی ایشان ژنرال پایچون چبی است این شخص ژنرال ایالت کوانسی است ولی تمام مسلمین چین که در سایر ایالات هستند باین شخص با نظر احترام نظر میکنند و ژنرال عمر نیز مرد بسیار مودب و در فن خود شخص مبرز است و بواسطه دیانت اسلام نسبت بفرات ایران هم بسیار دوستانه و صمیمانه رفتار مینموند و روابط ما بقدری صمیمانه بود که اکنون هم مکاتبه دوستانه بین من و ایشان قطع نشده است.

ژنرال عمر نسبت بشارشال چان کای چانگ در آن موقع قدری ناراضی دیده میشد و با ژنرال لی مناسباتش صمیمی تر بود ولی پس از شکست ناسیونالیست‌ها اگر هم کدورتی در بین بوده مرتفع شده است زیرا از هکتوب امر که بمن نوشته‌اند معلوم میشود حسن

روابط برقرار و بست معاونت ریاست جمهور و کارهای نظامی با امارشال چان کای چک همکاری صمیمانه مینمایند و این نکته هم واضح است که مذهب مقدس اسلام با اصول کم مونیست موافقت ندارد. مسلمین چین تا حدیکه میتوانند تسلیم نمیشوند مگر وقتیکه قدرت حکومت مرکزی بر آنها غلبه نماید در هر حال بکمی از مسلمانهای نانکینگ شخصی بود که تجارتش زرگری و بسیار کارگرهای خوب داشت و از ابتدای تشکیل سفارت کبرای ایران با ما روابط صمیمانه پیدا کرد و موسوم بود بستر (لیو) این شخص بسیار آدم درست کاری بود و در روزهای مشکل و عملیات خصمانه کم مونیستها با کردیلماتیک با ما خیلی مساعدت نمود که اگر مساعدت مشارالیه نبود حرکت ما از نانکینگ تقریباً غیرممکن میشد که در ضمن تهیه موجبات و وسائل خروج از چین مساعدت های صمیمانه مستر لیو را شرح خواهم داد.

برای حرکت از نانکینگ در درجه اول محتاج پول بودیم و با قطع رابطه تلگرافی با طهران و سایر نقاط و نبودن بانک که با سایر بانکهای دول دیگر رابطه داشته باشد سخت در مضیقه بودیم ولی خوشبختانه آقای کرمانی برادر زاده مرحوم ارباب کینسرو شاهرخ در شانگهای تجارتخانه داشت و از ابتدای ورود من بشانگهای روابط خیلی نزدیک و صمیمانه با سفارت ایران در بین بود من ناچار با تلفون از نانکینگ بشانگهای با ایشان صحبت کردم و مشکلات خودم را بیان نمودم او جوانمردانه جواب داد من برای شما پول تهیه کرده و بهر وسیله باشد از شانگهای به نانکینگ میرسانم من در ابتدا خیلی اطمینان نداشتم ولی خوشبختانه اخلاق و روحیات و تعصب ایرانیت هنوز در بین افراد نجیب موجود است و بعد از چند روز آقای کرمانی خود را به نانکینگ رسانید و مبلغی که مورد احتیاج ما بود عین دلار امریکا در داخل لباس خود دوخته با خود آورد این مساعدت گشایش مهم و برای ما معجزه بود زیرا بدون این مساعدت آقای کرمانی که من هیچوقت فراموش نمیکنم حرکت من غیرممکن بود.

رسیدن پول ما را وادار نمود که قدری بیشتر فعالیت کنیم که وسائل حرکت طوری فراهم شود که با سایر هم کارهای خود با هم از نانکینگ خارج شویم از طرفی مأمورین دولت کم مونیست متوجه شدند که سفر اعزام حرکت هستند تصمیم با ایجاد مشکلات گرفتند من جمله کرایه راهی را که برای هر نفری ۵ دلار امریکا بود پنججاه دلار ترقی دادند و کرایه يك واگن باری که تقریباً ۲۵۰ تا ۳۰۰ دلار امریکا بود به سه هزار دلار ترقی دادند و نیز برای حرکت سفرا دستور دادند باید در جراید اعلان کنید که معلوم شود بکسی مقروض نیستند و تمام افراد و اعضای سفارتخانه ها و مستخدمین غیر چینی نیز باید همین عمل را اجرا نمایند و این دستور برای اینست که سفرا مجبور شوند تقاضای تمام مستخدمین چینی را قبول نمایند و همین که معلوم شد که بیک نفر چینی بدهی ندارند جواز خروج از شهر نانکینگ صادر شود.

دروغ قبل از حرکت آقای وزیر مختار دولت پرتغال بدیدن من آمد و خیلی عصبانی و ناراحت بود اظهار داشت من با تمام اتباع دولت پرتغال که ۱۵۶۰ نفر هستند خاک چین را ترك نخواهیم کرد من علت را سؤالی نمودم مشارالیه واقعه شانگهای را بطریق ذیل بیان نمود:

واقعه شانگهای

پس از فتح نانکینگ قوای کم مونیست‌ها بشانگهای حمله کردند و پس از ۴۰ روز زد و خورد شهر شانگهای را هم تصرف کردند یکی از تجار پرتغالی که شخص متسولی بوده است يك روز صبح همت‌نفر از دزدان چینی را می‌بیند که وارد خانه شدند معلوم میشود نوکر چینی با دزد ها تبانی کرده و آنها را وارد خانه نموده و خود خارج شده است .

چینی‌ها پس از ورود بخانه در را می‌بندند و تاجر منگورا گرفته به يك چرز با ملناب محکم می‌بندند و کلید های او را از جیبش بیرون آورده میگویند محل پول و جواهرات خود را ارائه بده تاجر میگوید کلیدها در دست شماست این خانه و شما جستجو کرده هرچه هست بردارید و بروید .

دزد ها مشغول جستجو میشوند خانم تاجر در حمام مشغول استحمام بوده است دزدها وارد حمام میشوند و این زن را گرفته هر ۷ نفر با او عمل منافی عفت مرتکب میشوند و هرچه بدست آوردند جمع می‌کنند ولی گویا قبلا شخص تاجر پول های نقد و اشیاء نفیس را در یکی از محل های خارجی گذارده و بیمه کرده است دزدها بقدری که تصور میکردند پول و اشیاء نفیس بدست نمی‌آورند به تاجر مراجعه میکنند که پول و اشیاء را کجا مخفی کرده تاجر میگوید کلیدها در دست شماست و من را هم بسته‌اید تفحص کنید هرچه بود ببرید میگویند اگر محل پول و غیره را ارائه ندهی زنت را می‌آوریم و در حضور خودت با او عمل منافی عفت خواهیم نمود تاجر التماس میکند که هرچه هست ببرد دزدها زن را می‌آورند و در حضور شوهرش این عمل رقیحانه و بی‌شرمانه را تجدید میکنند بعد دست های زن را گرفته و موهای پشت ظهار را با کبریت و کاغذ آتش میزنند زن بیچاره هر قدر ناله میکند نتیجه نمیدهد تا حدی که ضعف میکند بعد هرچه هست بر میدارند و از خانه خارج میشوند .

پس از مدتی که زن بهوش آمده و شوهر را از چرز باز میکند بز نرال قونسول پرتغال مراجعه میکند بز نرال قونسول بجاکم نظامی و فرمانده قشون کم مونیست در شانگهای مراجعه و شکایت میکند که سارقین چینی هرچه در خانه این باجر بوده است برده‌اند آقای حکمران نظامی باخون سردی میخندد و میگوید سالها اروپائیا اموال چینی‌ها را ربوده‌اند حال هم بگذارید چینی‌ها تلافی کنند و قدری از مال خودشان را که در دست شماست مسترد دارند .

ژنرال قونسول میگوید با خانم این شخص عمل منافی عفت مرتکب شده‌اند حکمران میخندد و میگوید پس شما انتظار داشتید که عمل منافی عفت با خود تاجر مرتکب شوند زن برای همین کار است اهمیتی ندارد میگوید بدن زن را سوزانده‌اند و مجروح است باز هم میخندد و میگوید بهریضخانه مراجعه کنید معالجه میکند ژنرال قونسول واقعه را بوزیر مختار اطلاع میدهد وزیر مختار بمن اظهار داشت من مراتب را بلیژبون تلگراف کردم دستور رسید گشی مخصوصی از Macao ما کائو آ جزیره ایست مستعمره پرتغال است) بشانگهای بساید و تمام انواع پرتقال خاک چین را برك نمایند من هم بشانم از باع خودمان دستور دادم حاضر شوند خود من هم چند روز دیگر بشانگهای

میروم و تمام اتباع را میفرستم با کاتو زیرا باین وضعیت و حکومت کم مونیست اقامت در این مملکت برای ما غیر ممکن است .

وزیر مختار پرتقال با کمال تأثر این اظهارات نمود و چند روز بعد که در سفارت کبرای انگلستان بجای دعوت داشتیم گشت من پس فردا حرکت میکنم و در شانکهای سایر رفقاهم خواهند بود در آنجا مراسم تودیع را بعمل خواهم آورد .

واقعۀ شانکهای برای تمام افراد کر دیپلماتیک خیلی متأثر کننده بود و تقریباً هیچ يك اطمینان بهیچ چیز نداشتیم مخصوصاً نمایندگان دولی که کم مونیست ها نسبت بآن ها نظر خصمانه داشتند و گذشته از اینکه چینی ها نسبت بخارجی ها بانظر کینه نگاه میکردند دستورات روس ها صد درصد بدست مأمورین چینی کم مونیست اجرا می شد چنانکه محاصره سفارت کبرای ترکیه در ناتکینک بهیچ وجه مورد نظر خود چینی ها نبود و معلوم بود که دستور روسهاست زیرا بغض عجیبی نسبت به ترکیها دارند و باین ترتیب همه هم عقیده بودیم که باید هر چه زودتر از این مملکت خارج شد زیرا در زمان حکومت ناسیونالیست ها و مارشال چان کای چک نسبت بسفرا مطابق اصول عمومی با کمال احترام رفتار میشد ولی کم مونیست ها بعنوان اینکه کارشما رسمیت ندارد حتی دفتر سفیر کبیر امریکارا تفتیش کردند و اوتومبیل سفرا را محدود نموده و بهر يك مالیات سنگینی برقرار نمودند مستحفظین سفارت خانه هارا هم که برداشته بودند باین جهت بهیچ وجه امنیت جانی و مالی نداشتیم و باید هر چه زودتر این کشور را ترک کنیم (۱) .

(۱) در اینجا باید از دوستان چینی خود معذرت بخواهم زیرا نیک و بد در هر ملتی باید مورد دقت قرار گیرد تا شخص بتواند بعمق پیشآمدها پی برد بدیهی است در تمام ملل نیک و بد موجود است در خود ما ایرانیان بعضی صفات نکوهیده دیده میشود و نیز دزد و آدم کش و شریر در تمام ملل وجود دارد ولی اعمال بعضی ها را نمیتوان صفات عمومی يك ملت دانست و چنانکه ذکر شد ملت چین دارای صفات ممدوحه بسیار است و البته بعضی از افراد هم دارای صفات نکوهیده هستند که ذکر این قسمت هارا از نقطه نظر فهم عمومی باید در نظر گرفت

دوستان چینی من تصور نفرمایند که من سوء نظری داشته ام و اگر در یک ملت یا نصد میلیون چینی نفر بد عمل یافت شود نمیتوان اعراضی نسبت بآن ملت دانست و یا این قبیل پیشآمدها را نسبت بعموم منتسب نمود و صفات نیک ملت چین نسبت به بعضی افراد فاسد قابل مقایسه نیست در هر حال از ذکر این قسمت معذرت میخواهم ولی نکته قابل دقت اینست که حکمران نظامی کم مونیست چگونه تضاد نموده و باچه منطقی بتظلم جواب داده است این رویه و رفتار مأمورین کم مونیست در تمام نقاط عالم که توانسته اند سلطه بدست آورند از همین قرار است و اصولاً کم مونیست ها برای موفقیت خود و پیشرفت مقصود و مرام خودشان هر گونه جنایت و شرارت و خیانت را مصاب میدانند چنانکه دروغهای تبلیغاتی بین المللی کم مونیست تا حال در عالم بشریت سابقه نداشته است و برای اجرای این مرام و بدست آوردن قدرت در هر کشور هر عمل و هر تبلیغ شرارت آمیز و هر جنایتی را مرتکب میشوند مثل عمل آرداشز نامرحوم حاجی احتشام و عملیات غلام یحیی و پیشه وری در آذربایجان ایران خداوند عالم بشریت و ملل مسلمان را از این بلا حفظ نماید .

برای خروج از کشور چین بهیچ وجه وسیله نبود زیرا رابطه هوایی بکلی قطع شده در دریاهم ناسیونالیست‌ها بلوکت اعلان کرده و هر کشتی را از هوا بمبارده میکردند پس از مشاوره کردیلماتیک از لندن اقدام شد که دو کشتی برای حمل سفرا بشانگهای فرستند و هیچ يك از طرفین متعرض این کشتی نشوند باین جهت از طرف دولت انگلیس بنا اطلاع دادند که سفرائی که حرکت خواهند کرد بطوری خود را حاضر کنند که روز ۱۹ اکتبر باین دو کشتی حرکت نمایند و در صورت تاخیر دیگر هیچ وسیله برای حرکت موجود نخواهد بود.

از زمانیکه کم مونیست‌ها به نانکینگ وارد شده بودند همه روزه طیارات ناسیونالیست‌ها از ساعت ۶ صبح تا دو بعد از ظهر شهر را بمبارده می کردند کم مونیست‌ها توپ ضد طیاره نداشتند طیارات دولت چین راهم چان کای چک با خود برده بود و بهسین وسیله شهرهای متصرفه کم مونیست‌ها را بمبارده می نمودند و از طرف روسها هم هنوز طیاره با اختیار دولت جدید نگذاشته بودند باین جهت سر بازهای کم مونیست روی بام عمارات رفته و با شصت تیر میخواستند طیارات را فرود آورند بمبهای طیارات بدون هدف گیری بهر جا فرود می آمد و عده بیگناه و بیجهت کشته میشدند

يك بمب افناد بمدرسه دخترها و تقریباً پنجاه نفر را کشته و مجروح نمود منبع آب شهر والکتریک و استاسیون راه آهن مرتباً همه روزه بمبارده میشد پشت دیوار سفارت کبرای ایران منبع بزرگ بنزین بود که یکمرتبه بمب اصابت کرد و آتش گرفت و اگر دیوار حصار دور شهر نبود سفارت ایران تمام آتش گرفته و میسوخت پناه گاه هم نداشتیم و باین وضعیت من و خانواده من ۶ ماه زیر برب گذرانیدیم و برای مدرسه رفتن مریم فوق العاده در زحمت و ناراحتی بودیم زیرا هر دقیقه سوت آژیر بلند میشد و تمام وسائل نقلیه را در خیابان‌ها متوقف میکردند و بمبها از هر طرف منفجر میشد بدیسی است در رفتن و آمدن مریم بمدرسه من و مادرش چه حالی داشتیم و چاره هم نبود

در هر حال با این پیش آمدها و رفتار حکومت محلی که سعی میکنند سفرا نتوانند حرکت نمایند ما باید بیست تن ائاثیه سفارت و دوا و تومبیل سواری را بشانگهای حمل نمایم .

برای حمل این ائاثیه و دوا و تومبیل از ما ۶ هزار دلار امریکا یعنی ۴۲ هزار تومان مطالبه میکردند و برای ما غیر ممکن بود بتوانیم پردازیم عجلتاً شروع کردیم به بستن ائاثیه و اشخاص متخصص امن کار را خواستیم و با زحمات طاقت فرسای آقای دیبا ائاثیه تمام بسته بندی شد ولی برای حرکت باید گماشتگان سفارت رضایتنامه بدهند والا اجازه خروج از شهر داده نمیشود.

در این موقع رفتاری که با ژنرال سول Syژنرال سول آتاشه نظامی سفارت امریکا شد برای ما درس عبرتی بود زیرا سفیر کبر امریکا پس از زحمات زیاد و مذاکرات يك طیاره که در نانکینگ داشتند اجازه حرکت داده شد و مستر استوارت سفیر کبیر امریکا حرکت کرد گماشتگان سفارت کبرای امریکا و شعبات ادارات نظامی و نجاردتی و بحری و غیره امریکا تقاضای یکسال حقوق برای آتیه نمودند چون اعضای سفارت حرکت کرده بودند

نوکرهای چینی ژنرال سول را توقیف کردند و هر قدر جدیت کرد که من مسئول امور تمام شعب امریکائی ها نیستم کسی نه پذیرفت ژنرال در اطاقی محبوس است ولی چون چینی ها دیدند باجس فقط نتیجه حاصل نمیشود دو نفر کرناچی گذاشتند در اطاق ژنرال و این دو نفر لاینقطع کرنا میزدند و هر سه ساعت به ساعت عوض شده عمل کرنازدن بدون انقطاع در جریان بود بعدی که ژنرال بیچاره نزدیک بود دیوانه شود بالاخره پس از مذاکرات و کشمکش ها تقریباً در حدود صد هزار دلار امریکائی ها دادند و ژنرال را خلاص کردند این پیش آمد تقریباً تکلیف ما را هم روشن کرد گماشتگان ما هم یک سال حقوق میخواستند هر قدر جدو جهد کردیم که از این جریمه بدون جهت خلاص شویم ممکن نشد کمیته کارگری هم جداً دستور میداد که باید یک سال حقوق به کارگرا بدهید که اینها بیکار میشوند

بالاخره من به تدابیر ایسرانی دست زده بین نوکرها اختلاف ایجاد کردیم بعضی به شش ماه حقوق راضی شدند مامحرمانه پرداختیم و رضایت نامه گرفتیم سایر نوکرها هم وقتی مطلع شدند راضی شده و ۶ ماه را قبول کردند و با این تدبیر جریمه بنصف صلح شد حال برای حرکت اثاثیه چه باید کرد هر قدر کوشش کردیم گفتند از کرایه حمل و نقل يك پنس کسر نمی شود.

در اینموقع مستر لیو زرگر کمکی بنا کرد که من همیشه از این مرد خیر و مسلمان ممنون هستم و راه حل مساعدی برای ما تهیه کرد ولی قبل از اینکه زحمات و مشکلات خود را برای حمل اثاثیه سفارت توضیح بدهم لازم میدانم خدا حافظی و مراسم تودیع خود را بادوستان چینی نگاشته و اظهارات یکی از رجال برجسته و ممبر کشور چین را نسبت به مارشال چان کای چک شرح دهم تا از تشخیص رجال مجرب و وطن پرست این کشور نیز مستحضر شویم .

آخرین ملاقات

پس از آن که حرکت از چین مسلم شد با چند نفر از دوستان معدود خود برای خدا حافظی و مراسم تودیع ملاقات کردیم و در موقع این آخرین ملاقات بیانات یکی از رجال ممبر که دارای مقام شامخی در جامعه چینی میباشد شرح میدهم که تا حدی نظریات رجال چین را نسبت به مارشال چان کای چک درک نمایم

برای خدا حافظی بزیارت شخصی محترم نائل شدم این پیر مرد با تاتر عجیبی بمن گفت شما در موقعی بکشور ما آمدید که بشما خوش نگذشت و جریان امور و سیاست های دول معظمه ما را بوضعیتی دوچار کرده است که عاقبت آن معلوم نیست و نمیدانم چه قدر باید قربانی بدهیم من از ایشان سؤال کردم علت این پیش آمده بود و این تبلیغاتی که بر علیه مارشال میکنند تا چه حد صحیح است چون من عازم وداع با این کشور هستم آیا ممکن است جناب عالی که در مرکز سیاست این کشور بوده و هستید و خودتان از رجال مؤثر بوده مینوانید من را روشن نمائید زیرا میبینم طرفداران مایه تونک و چته نیز نسبت به جناب عالی منظر احرام میسگرند: شخص محترم باقیانیه من اثر کننده گفت نتیجه این تبلیغات خائنه در آتیه روشن خواهد شد من پاسخ دادم که یقیناً از این لطف جناب عالی

متشکر خواهم شد اگر من را روشن فرمائید که اظهارات موافق و مخالف نسبت به ارشاد چان کای چک تا چه حد صحیح است شخص محترم که بوسیله مترجم صحبت می کردند اینطور آغاز سخن نمودند: من چای کان چک را از طفولیت میشناسم و تمام ادوار خدمات او را بخوبی مستحضرم زیرا تقریباً ۲۵ سال سن من از او بیشتر است از روی حقیقت باید بگویم آن قدر که اخیراً چان کای چک مورد طعن و لعن و مباحثه جراید و مطبوعات خارجی که به پول روسها اداره میشوند قرار گرفته است صحیح نیست زیرا بیشتر این اتهامات در نتیجه تبلیغات دامن دار کم مونیست ها و دولت شوروی است که چند سال است نهایت درجه کوشش نموده اند که شهرت و شخصیت این مرد برجسته کشور مالطمه وارد نمایند ولی آتیه حقایق را روشن میکند اگر من زنده ماندم به تفصیل برای شما خواهم نوشت و آدرس من را در طهران یادداشت کردند و مراسم تودیع بعمل آمد و از خدمت ایشان خارج شدیم چندی قبل مراسم بزبان انگلیسی از این مرد محترم رسید که برای استحضار قارئین گرام عیناً در این کتاب درج میشود.

پس از تعارفات اینطور نامه شخص محترم شروع میشود: با وصف کلیه تبلیغات کم مونیست ها که مستقیماً بر علیه چای کای چک ادامه دارد اخیراً دنیای خارج دوک کرده است که چان کای چک هنوز مانند یک فرد وطن پرست و بیگانه پیشوای چین آزاد با تصمیم راسخی بر علیه کلیه تهاجمات و خطر کم مونیست بین المللی میجنگد.

و با تمام تبلیغات و فشارهایی که از طرف مسکو بر علیه چان کای چک میشود معیناً با کمال سختی مقاومت کرده و خواهد کرد و امروز واضح و روشن است که چان کای چک پس از سون یاتسن تمام دستورات و متد او را تعقیب و دست سلسله مانچو را از سلطنت کوتاه و کشور چین را بسایر ملل معرفی و نشان داد که ملت چین ملت زنده است و همچنین در انقلابات ۱۹۲۰ ژنرال ها که حکومت مطلق العنان در ایالات داشتند و بطرز ملوک الطوائف عمل میکردند شکست داده و با آنها فهماند که باید از مرکزیت حکومت متابعت نمایند و در موقع هجوم ژاپونها تشکیلات جدید داد و با وجود فقدان وسائل لازمه مقاومت کرد و کشور چین را از اضحلال قطعی نجات داد ولی البته موفقیت در هر مملکت منوط با استعداد هر جامعه و مشکلاتی است که پیش میآید و در تمام مدت جنگ با ژاپون ۴ سال تمام منفرداً در مقابل کشور ژاپون که از هر حیث قوی و تا اندازه ای مسلح بود مقاومت کرد و پنج سال با همکاری متفقین کشور چین را هدایت نمود تا بالاخره ملت چین را بفتح و فیروزی رسانید و چین را جزء دول معظمه در جامعه ملل معرفی نمود و بعضی اینکه شوروی ها احساس کردند که کشور چین با هدایت چان کای چک رو بترقی میرود و مشکلات مرتفع خواهد شد بوسیله ستون پنجم و افراد جاه طلب و دشمنان کای چک شروع بعمل کردند ولی چان کای چک از دقیقه اول که از مسکو مراجعت نمود کاملاً درك کرده بود که کم مونیست و اصول کمین فرم یعنی ارتجاع و بردگی.

امروز پیش بینی و هوشی شخصی چان کای چک ثابت شده است که قبل از همه نقشه کریملن را دانست و همساز روز بر علیه نقشه اسامالین و عبودیت چین وارد عمل شده تمام ملل.

چین با این عقیده موافقت کامل دارند که کمونیست یعنی تحت الامر و بندگی از مسکو چنانکه دول لهستان و چک و اسلاو و رمانی و مجارستان و بلغارستان و آلبانی دارای استقلال نبوده و هیچ فرد چینی وطن پرست وجود ندارد که بحرفهای ظاهر فریب استقلال کشور خود را بروسها بفروشد مگر چند نفر اشخاص دست نشانده و جاه طلب که مملکت را فدای منافع شخصی خود مینمایند .

چان کای چک در اثر لیاقت شخصی وجد و جهد و کوشش شبانه روز توانست رهبری این کشور را بعهده بگیرد زیرا چان کای چک از یک خانواده زارع در فنکو و ادر ایالت چکیانک متولد شده و از طفولیت مورد توجه دکتر سون یاتسن قرار گرفت و برای تحصیل به اپون اعزام شد و در مدارس نظامی ژاپون تحصیلات خود را بی پایان رسانید و همین که بوطش مراجعت کرد برای ترقی و تعالی چین وارد حزب فعال آن زمان تو لنگ منگ هوی شد و این حزب یک جمعیت انقلابی بود که سون یاتسن رهبری مینمود .

و با تمام مخالفت متنفذین این کشور و یوان شی کای چان کای چک مرتجعین را مغلوب و اساس جمهوریت را برقرار نمود .

چان کای چک تنها فردی بود که در ۱۹۲۰ پس از مراجعت از روسیه با فردادی فکر ثابت نمود که عمل کمونیستها از هر استبداد و هر ارتجاعی مرتجع تر و مستبد تر هستند و حتی برای سایر ملل حق حیات هم قائل نیستند و آمال و آرزوهای تزار های روسیه و وصایای پطر کبیر در تحت لفافه کمونیست و میلیتاریزم جریان دارد و با کمال جدیت ثابت نمود که یک فرد میهن پرست چینی اگر عامل سیاست شوروی شود بزرگترین خطر برای وطن خود نخیره کرده و اگر کمونیستها بچین رخنه نمایند آزادی و استقلال وهستی کشور چین برای همیشه از بین خواهد رفت و اگر چه چو فردی در چین یافت شود خائن بوطن و واجب القتل و مهدور الدم است زیرا خیانت بمملکت و وطن قابل عفو و اعماض نیست و فقط و فقط چان کای چک بود که این حقایق مسلم را بدکتر سون یاتسن پدر جمهوریت چین مدلل و ثابت نمود .

وقتی چان کای چک از مقاصد روسها مستعضر شد بدستور سون یاتسن دانشکده نظامی وانکیو را تشکیل داد زیرا مسلم بود که بدون قشون منظم و افسرهای تحصیل کرده و مقاومت در مقابل خارجیها بقای کشور چین عملی نیست امروز که کمونیستها چین را بورطه بدبختی سون داده تمام ملل عالم درك کرده اند که رویه کمونیستی شوروی برای بشراهیمی فائل نبوده و نیست و کسانیکه نشه کمونیستها را درك کرده اند بدون تردید از این مسلک و این طرز حکومت بیزار و متنفر هستند و شورویها هیچ وقت کسانیکه با اساس فکر و عمل آنها متوجه شده اند عفو نخواهند کرد و مقصود آنها اینست که اشخاص کور کورانه بآنها اطاعت کرده و بلا شرط تسلیم اعمال جا بران آنها بشوند و در غیر اینصورت دشمنی و کینه فراموش نشدنی خود را برای همیشه حفظ می کنند .

زیرا بزرگترین خطر برای کمونیست درك حقایق این مسلک بشر بر بادده میباشد و اشخاص روشن فکرو ذی نفوذ مهال است که تسلیم این افکار شرارت آمیز شوند و شوروی

ها معتقدند که هر کس با ما نیست برماست و برای فزای او از هیچ عملی خودداری نمی کنند .

و با کمال تأسف با کمال مراقبت چان کای چک معهدا روسها در مدرسه وانگپوا و حزب کمین تانگ رخنه کرده و جد و جهد میکردند که مقاصد خود را عملی نمایند ولی چان کای چک بدون قطع رابطه با کمونیست ها نقشه اصلی خود را تعقیب و عده افسر تحصیل کرده تربیت نمود .

بواسطه همین عده در انقلابات ملی موفقیت شایانی بدست آورد در ۱۹۲۶ قشون کشی بزرگی تحت فرماندهی او از کانتون شروع شد و در مدت قذیلی به یانگ تسه رسید و قوای سوئیچو آنک فنانگ حکمران چین شرقی رو روی فو حکمران چین مرکزی را شکست داده قلع و قمع نمود و در ۱۹۲۷ قوای ملی طرف نانکینگ حرکت کرد و رسمیت پایتخت جمهوری را اعلام نمود .

و در ۱۹۲۸ قوای چانگ تسو لین حکمران شمال چین را هم نابود نمود و بلافاصله منچوری هم تحت پرچم حکومت جمهوری قرار گرفت و با تمام کارشکنی ها و نهریکات روس ها و ژاپونیا همین قدر که چان کای چک موفق شد موفقیت بزرگی بود و برای اولین دفعه ژنرال و حکمرانان نقاط مختلف چین مجبور شدند مرکزیت را بشناسند (۱) و در کشور حکمرانان ایالات بیل خود منصفی امور نمیشدند و طبق قوانین جدید روس و اجزای شورا های ایالتی از طرف مرکز عزل و نصب میشدند (۲) و همین اقدامات موجب نهریکات و حس حسادت شوروی و ژاپونیا گردید و به خصوص کمونیست ها از توطئه های خائنه خودداری نمیکردند و با سم پاشی بین افراد جاهل و نهریک کسانیکه نفوذ سابق را از دست داده بودند موجبات تشج کشور را فراهم میکردند ولی تنها کسی که در مقابل تمام این عملیات مقاومت مینمود چان کای چک بود بزرگترین خصمی که چان کای چک بوطن خود نمود خنثی کردن نقشه ژاپونیا بود زیرا در موقع حمله ژاپونیا کشور چین فاقد اسلحه و مهمات و افراد ورزیده بود ولی با زحمات خسته شی ناپدیر چان کای چک هشت سال در مقابل یک دولت قوی مثل ژاپون و نهریکات خائنه کمونیست ها مقاومت نمود تا مملکت را از چنگال ژاپونیا بیرون آورد و برای اجرای این مقصود منها درجه فدائاری و تحمل مشقت و بردباری در مقابل تمام بدبختی ها را ثابت نمود و مدت چهار سال بک و تنها در مقابل ژاپونیا ایستادگی کرد و دومرتبه پایتخت را به هانگکو و بعد به چوانگ کینگ منقل و چندین کارخانه اسلحه سازی را با زحمات فوق العاده بداخل چین منتقل کرد و زیر بمباران های هوایی و حملات پی در پی ژاپونیا از نجات وطن صرف نظر

(۱) متأسفانه در قسمت های اخیر هم هنوز مرکزیت را کاملاً رعایت نمیکردند چنان که در جنگ های کمونیست ها مشاهده شد

(۲) این قسمت هم مثل فرمان های زمان فاجاریه برای شیخ خزعل و اقبال السلطنه و غیره بود که با صدور فرمان مرکز عزل و نصب صورت میگرفت ولی حکومت مرکزی چاره نداشت و غیر از این که شیخ خزعل را پس از قتل مرزول منصوب نماید یا بعد از مرگ تیمور باشا خان مرتضی قلیخان را منصوب نماید .

نمود و متاسفانه در هیچ موقعی انگلیس ها و دیگران به ژاپونها اسلحه می فروختند (۱).

در تمام مدت جنگ بیش از يك ميليون قشون ژاپون در چین معطل بود که بسایر جبهه ها نتوانستند بفرستند و کمکی که چین در این جنگ بستن کرد قابل انکار نیست و چقدر از مردم این کشور در اثر بیماری های هوایی و گرسنگی و مهاجرت تلف شدند و چنان کای چنگ با چه مشقتی هشت سال این جنگ را ادامه داد تا بالاخره در کنفرانس قاهره کشور چین را جزء دول معظمه قرارداد و مستر روزولت و مستر چرچیل قدر و قیمت این مرد را دانستند و لی بدبختانه بطوری که خود شما حضور داشتید در موقع خود کمک نکردند و اگر از کمک اخیر خودداری می شد کم مونیست ها موفق نمیشدند و می بینید حالا پس از سه سال با اشتباهات خود پی برده و تا چه اندازه افکار تغییر کرده است .

در تمام مدت جنگ و بدبختی چینی های فریب خورده و شورویها مشغول بهیه ستون پنجم خود شدند چنانکه از اخبار مسعاد میشود همین کار است که معلا در کشور شما هم مشغول همد و جوانهای بی تجربه و کم عقل و جاه طلب را فریفته بامید جاه و مقام طوفان رقبت و یوغ عبودیت ابدی را بگردشان میگذارند در هر حال در موقعی که هر دقیقه مرگ کشور پهناور چین مسکن بود عده خودخواه و جاه طلب یا برای کیه جوئی شخصی ستون پنجم شوروی را تقویت کردند و روسها نیز بسیار خوشحال بودند زیرا حریف سر صحت بزانو در آمده و حالا آنها حریف آنها چنان کایچنگ است که باید او را هم از این برد و يك کشور پانصد میلیونی را بلمید و دنیا را کم مونیست کرد بدبختانه متحدین ما حالا

(۱) اساسا شکست انگلیس ها در شرق اقصی قسمت مهمش ساختگی و تعمدی بود زیرا سنگ پوزرا در مدت سه روز تسلیم کردند و تمام این نقشه برای این بود که امریکائی ها مجبور شوند داخل جنگ شده و با انگلیسها کمک مالی و معنوی نمایند این قبیل تاکنیک ها از طرف انگلیسها نیز تاره ای نیست چنانکه در جنگ بین لندن اول ژوئیه تا در کون العباره مشغول جنگ بود .

قوای ژنرال باراتف بقصر و خسروی نزدیک میشد برای اینکه روسها به بغداد برسند بکمر تبه صدوقهای مهمات ارسالی سوزن کر اما چون در آمد و ژنرال توشانید با تمام قوای خود مجبور بتسلیم شد و خلیل پاشا از يك جبهه خلاص شده به باراتف حمله نمود و او را تا بین قزوین و همدان عقب زد آنوقت ژنرال مد با قوای لارم وارد بین السهرین شد و خلیل پاشا را شکست داد نتیجه مطابق پیشه لندن اجرا گردید زیرا اگر روسها پایشان ببغداد میرسید و انقلاب کم مونیستی که هنوز معلوم نبود دیگر اخراج روس ها از بغداد با کرام - انکاتین بود .

به همین جهت توشانید شکست خورده و تسلیم و اسیر شد تا باراتف به بغداد برسد در سنگاپور هم عینا همین رن را انگلیسها بازی کردند و امریکارا داخل جنگ نمودند . و ژاپونیی ها علاوه بر دول منچو کویک دولت دست نشانده خود را هم در چین شرقی مستقر کرده بودند و منظور سان این بود که تسلیم بلا شرط ژاپون را برای برقراری صلح چین بقبولاند و این نقشه برای رقبت و عبودیت کشور چین طرح شده بود که با جدیت و مقاومت چنان کایچنگ از بین رفت و ژاپون شکست خورد .

متوجه شده اند که کار از کار گذشته و اگر حالا باز هم سستی نکنند همین چانکایچک تنها کسی است که ممکن است چین را نجات بدهد.

دوست عزیزم علی ایسکه پاسخ سئوالات شما را بیعده موکول کردم اینست که امروز شما کار چین را شاید تمام شده فرض میکردید و اگر اظهار عقیده میکردم من را در سن هشتاد و چند سال طرفدار یکطرف و مخالف یکطرف میدانید همین جهت خواستم جریان روزگار و پیش آمد های بعد حقاین را بچنانعالی روشن نماید چنانکه خوشبختانه اکنون عقیده دینی آزاد در خصوص چانکایچک بکلی عوض شده است و در کشور چین و سایر نقاط عالم اسم او را بخوبی میبرند و تبلیغات یکنواخت کم مونیست ها برای بد نامی مشارالیه که در ابتدای امر تاحدی موفقیت حاصل نمودند اینک متدرجاً از بین میروند.

اگرچه برای بسیاری از جوانها که فریب تبلیغات کم مونیست ها را خورده اند بسیار مشکل است که بحقیقت امر پی ببرند ولی وقایعی که در کره و هندوچین و مالایا و برلین و آلمان شرقی و حتی در کشور چین از سال ۱۹۴۹ بوقوع پیوست باعث شد که دینی آزاد بفهمد که چانکایچک دشمن سرسخت کم مونیست کاملاً راه خطا نپیموده است و راجع نامریالیسی که از کریمان سرچشمه میگردد حق داشته است زیرا او غی- الحقیقت به کمک کم مونیست های شوروی پی برده بود و میتوان گفت مشارالیه بزرگترین رهبر ضد کم مونیست است.

بطوریکه مطلع هستید و در قسمت های اخیر خودتان در چین بودید در ابتدای مخالفت ما با روسها معنای زیادی اسلحه که از ژاپونی ها گرفته بودند تحویل کم مونیست های چینی دادید و از طرفی سیاست آمریکا بکلی در چین تغییر کرد و در عوض اینکه به چانکایچک کمکهای شتری نکند و برای اینکه بر علیه کم مونیست ها بیشتر بتواند مقاومت نماید و مرام آنها در آسنا پیشرفت نماید تشویق نماید بالعکس کم مونیست ها را هم که قول داده بودند قطع کردند و در عوض اینکه بفرماند ما کم مونیست ها را هرگز نمر بخش نخواهد بود. مستقیماً با کم مونیست ها تماس حاصل نمودند و پس از اینکه در سالهای ۱۹۴۶ و ۱۹۴۷ ما موریت مارشال خاصه پذیرفت کم مونیست ها کاملاً از موفقیت و وقت استفاده کرده تجاوز خود را در حالی که دست های چانکایچک را بسته بودند ادامه دادند و همین که مارشال ما موریت و حشاک خود را خاتمه داده و با آمریکا رجعت نمود امریکائی ها تصمیم وحشتناکتری گرفته و سیاست اولیه خود را تعقیب نموده و چین را به حال خود گذاشته و نتیجه این شد که با نامر کرمان ما نومه تونک نواست پیشرفت نموده و به عملیات خود توسعه دهد.

ولی حالا که سه سال از وقوع حمله اولیه گذشته دنیا متوجه شد که چانکایچک برای استخلاص آسیا از چنگال خطر دایک کم مونیست می جنگد و عقیده چانکایچک اینست که دموکراسی و دینی آزاد و راحتی جامعه بشری، وقتی است که کم مونیست ها نابود شوند و برای اینکه دنیا روی سعادت و راحتی را ببیند باید مجتمعاً و متفقاً بر علیه کم مونیست ها عمل نمایند.

حال که این نامه را بچنانعالی می نویسم ششصد هزار قشون در چین آزاد تعلیم یافته

و منتظر روز حمله هستند که شاید بیاری خداوند متعال وطن ما را از چنگال دژخیم کم مونیست نجات دهند .

اکنون عقیده دنیای آزاد تغییر کرده است و امریکائی ها پی بخطای خود برده و یکدفعه دیگر فهمیدند که بایستی باچان کاپچک و دولت ملی چین کمک و مساعدت نمایند و برای جلوگیری از توسعه امپریالیست کریملین قدمهای موثری بردارند علیهذا علاوه بر کمکهای اقتصادی بیش از ۷۰۰ نفر افسر و مستشار امریکائی بفرمز اعزام داشته و برای تجهیزات قوای چین آزاد جد وجهد مینمایند در سازمان ملل متفق هم خوشبختانه مساعی روسها و همکارانشان بلاثر ماند و دول عالم هنوز نماینده ملت چین را از طرف چین آزاد می شناسد

موضوع مهم تر شقاوت و بیرحمی و قتل عامی است که کم مونیست ها در چین مینمایند چنانکه تا کنون بیش از دو یست و پنجاه هزار نفر را تیرباران کرده و بی گناه معدوم کرده اند و در چنگ گره نیز بیش از یک میلیون و دو یست هزار نفر تلفات داده اند و بهین جهت عموم اهالی چین دیگر از زندگانی مایوس شده و تنها امیدواری مردم بسراجعت چان کای چک و استغلاص کشور چین از قصابهای کم مونیست است .

از طرفی عموم ملت چین متوجه شده اند که حکومت کم مونیست چین دست نشانده دولت روسیه شوروی است و مملکت و وطن را باجنیبی تسلیم کرده است و تمام قربانی های چینی برای موققت کریملین بدیاریستی فرسوده شده است و اکنون هشت هزار نفر (۱) روس بنام مستشار در تمام شاون مملکت دخالت میکنند و هر کس دقیقه بر علیه روسها فکر کند فوری به اوین مختلف دستگیر و اعدام میشود (۱) .

دوست من - حالا با مطالعه نامه من متوجه میشوید که برای پاسخ سئوالات شما چرا بر روز زمان فائل شدم زیرا آنروز شاید در اظهارات من تردید می کردید ولی تجربه چندین ساله پیرمردی مثل من بر خودم محقق بود که آتیه وضعیت را روشن و واضح خواهد نمود چنانکه حالا حقایق روشن شده و دانستید که ما چرا با کم مونیست مخالف هستیم این نکته را هم توجه داشته باشید که مملکت شما ایران هم در مقابل شوروی و متون پنجم روسها که بنام توده و طرفداران صلح و ضد استعمار و غیره در کشور شما نامیده میشود در خطر بزرگی است خداوند جوانها و اشخاص جاه طلب را هدایت نماید ولی تنها خوش بختی شما اینست که مذهب اسلام بهیچ صورتی با کم مونیست توافق حاصل نمی کند چنانکه قسمت های مسلمان نشین چین تا این ساعت تسلیم مراسم خطرناک کم نیست نشده اند .

در خاتمه اگر زندگانی من خاتمه حاصل نمود از شما خدا حافظی میکنم و یک

(۱) از فرار اظهار مقامات رسمی چین میلیون عنده مستشارهای روس در کشور چین بهشتاد هزار نفر رسیده است و اداره پلیس که همان اداره (کپه او وانکیو و اسوی ادل) باشد بالتمام در دست روسهاست و تمام اجرائیات مهم مخصوصاً پلیس مخفی مطابق دستور مسکو و کریملین اداره میشود حتی مایسه تونک و چوین لای در این قسمت ها بهیچوجه دخالت ندارند و قادر بجلو گیری از کشتارهای دسته جمعی نیستند .

قطعه عکس مرحوم سون باتسن را که خواسته بودید لفاً ارسال میدارم و تمنی میکنم احترامات من را بپذیرفته و من را فراموشی نفرمائید دوست شمای ژ . چ
مراسله مشروح دوست معمر و گرامی من که از چین ارسال شده است تا حدی نظریه اهالی این کشور بالاخص رجال مجرب و وطن پرست چین را روشن مینماید مخصوصاً که نویسنده این مراسم از رجال درجه اول و معمر و بسیار متنفذ کشور چین است و بهمین جهت از طرف مایسه تونگ و چه و چوئین لای و لیومورد احترام و تجلیل است و حال سنش باید بین ۸۰ و ۹۰ سال باشد .

اگرچه استنباطات خود من و آنچه در این کتاب نوشته شده است تقریباً خلاصه از بعضی قسمت های نظریه شخص محترم است ولی حالاً که از جمله کم مونیست ها بر کنز چین سه سال گذشته ملت چین منوجه شده است که بحسب چه فشار و بدبختی قرار گرفته و امروز به دنیای آزاد مسلم شده است که سلطه کم مونیست در هر کشور اضحلال قطعی و معدوم شدن ملیت و مذهب و سبادت آن کشور است چنانکه رفتار شوروی ها را در لهستان و چک اسلاو و رمانی و بلغارستان و مجارستان و آلبانی و آلمان شرفی می بینیم حتی وزیر جنگ آنها از مسکو تعیین میشود .

با این رویه استقلال و موجودیت این ملل بکلی از میان رفته و در زمان تزارها با اصول سلطنت مطلقه و سر نیزه ملل را تحت رفیت خود در می آوردند حالاً با اصول اشتراکی و سر نیزه ملیت و موجودیت و هستی ملل را دستخوش هوی و هوس خود قرار میدهند و تمام مللی که فوقاً ذکر شد امروز موجودیت و استقلال را فاقد هستند و این کلمات استعمار و استثمار و ارتجاع حرف هائی است که برای اغفال جوانان بی تجربه و جاه طلب ذکر میشود و الا تمام این ملل تحت رفیت و بنده گی حکومت کرملین قرار گرفته و رویه فعلی روسیه شوروی بدرجات خطرناک از روسیه بزاری است و حالاً باید تصدیق کنیم که تشخیص مارشال چان کایچک صحیح بوده است زیرا بالاخره امریکائی ها به انبساط خود منوجه شده و با چان کایچک مساعدت میکنند .

حنی سه اسکا در بحری امریکا مسحفظ فرمز است و ششصد هزار بشون از گابیزه فعلاً در فرمز مهبیای حمله است ولی سیاست انگلستان همان طور که از بسیار دمان اطراف رودبالو و منچوری جلو گیری میکند از حمله ملیون هم بچین اصلی با وسائل مختلف ممانعت مینماید چنانکه برای حمله بکشنی هائی که مواد جنگی برای چین کمونیست حمل میکنند چین آزاد را تهدید بکشنی های جنگی خود نمودند باینیم آتیه په نهشه در حجه سیاست خود نمائی خواهد کرد .

حمل اناثیه

مستر لیو برادری داشت که رئیس حمل و نقل کامیون های دولتی بود و چند روز قبل چند کامیون مهمات و لوازم آرتشی از شاگهای به نام کینگ حمل کرده بود و کامیون های دولتی بایمنی خانی بشاگهای مراجعت نماید غلبه اماً مسر لیو پنج کامیون برای حمل اناثیه

سفارت حاضر کرد و ما شبانه کامیون ها را در داخل عمارت سفارت بارگیری کردیم ولی فردای آن روز که خواستند جواز خروج برای کامیون های دولتی بگیرند کامیون ها را توقیف کردند .

نایب سفارت را بوزارت خارجه فرستادم متعذر شدند که رئیس امور سیاسی فعلا در وزارتخانه نیست بعد مستر لیو اطلاع داد که مأمورین دولت جدید شدیداً اعتراض کرده اند که چرا اثنائیه سفارت را بارگیری کرده اند ما مخصوصاً قیمة کرایه و حمل و نقل را ترقی دادیم که در این موقع از سفر اسعار و پول بکشیم و این عمل شما برخلاف سیاست دولت بوده .

مستر لیو اظهار داشته است که سفارت ایران تصمیم داشت اثنائیه خود را در يك خانه محقر قرارداد و حرکت نماید ما چون کامیون های دولتی را بایستی خالی ببریم از موقع بنفع دولت استفاده کرده و چندین برابر کرایه علاوه دریافت داشتیم و اگر هم ما این اثنائیه را ببریم حمل نمی کنند و خسارتی بی جهت متوجه اداره حمل و نقل دولتی میشود اگر اجازه نمیدهید بما کتباً بنویسید ما بارها را خالی می کنیم و کامیون های دولتی را خالی بشانگهای رجعت میدهیم ولی خسارت این عمل و مسئولیت آن متوجه شما خواهد بود که باید خودتان جواب بدهید .

بالاخره سه روز کامیون ها بهمین حال بآبار در داخل سفارت توقیف بود که اجازه خروج نمی دادند پس از مذاکرات متعاطی و جدیت مستر لیو و استدلال باین که اگر ما حمل نکنیم اساساً اثنائیه را حمل نمی کنند با نتیجه با دادن مبلغی محرمانه بمأمورین دولت کم مونیست اجازه حرکت کامیون ها صادر شد و روز یکشنبه ۱۷ مهر کامیون ها طرف شانگهای حرکت کردند .

حال برای ارسال اوتومبیل ها باید فکری کرد چنان شوفر ما اهل پکن و بسیار مرد نجیبی بود مستر لیو هم ما را مطمئن کرد علیهذا اوتومبیل ها را هم قراردادیم که روز چهارشنبه بعد از حرکت ما خالی بطرف شانگهای حرکت دهند ضمناً خطری هم متوجه بود زیرا اگر شوفرها اوتومبیل ها را می بردند ما هم وسیله برای استرداد آنها نداشتیم و دولت کم مونیست غیر ممکن بود کوچکترین مساعدتی باما بنماید .

(ولی باید اقرار کنم که چنان شوفر سفارت کبرای ایران بسیار مستخدم مؤدب و درسکار و وطنیه شناسی بود چنانکه هر دو اوتومبیل سفارت را در شانگهای تحویل نموده و من همیشه از این آدم راضی بودم و بهمین جهت هم در موقعی که اوتومبیل ها را در شانگهای تحویل نمود بی نهایت از او اظهار رضایت کرده و انعام خوبی هم باودادم)

باین ترتیب از فرستادن اوتومبیل ها هم خیالمان تا حدی راحت شد و برای حرکت خودمان روز چهارشنبه بیستم مهر از راه آهن پکن کوه بدست آوردیم و پس از چندین مرتبه رفت و آمد بالاخره اجازه خروج دادند و علت معطلی این بود که تقاضا میکردند عمارت سفارت را بدولت تحویل بدهید و ما نمی توانستیم قبول کنیم و بالتسلیجه ما عمارت را به پیشکار فاضی انقضات تحویل داده و رسید گرفتیم و بعضی خروج ما از در سفارت سر بازهای کم مونیست داخل شده عمارت را بقوه قهریه تصرف کردند ولی دیگر مسئولیتی متوجه ما نبود .

قبل از حرکت عمل دیگری شد که معلوم بود مأمورین دولت جدید متعهد هستند که برای ما موافقی ایجاد کنند که حرکت نکنیم زیرا در روز قبل مأمور سیاسی به آقای دیبا اظهار داشته بود که امیدواریم آقای سفیر کبیر بزودی مراجعت فرمایند و روابط بین ایران و چین کم‌مونیست مستقر گردد.

آقای دیبا جواب گفته بود اگر چه ما از رفتار مأمورین دولت فعلی ناراضی هستیم زیرا برخلاف اصول بین‌المللی و مهمان نوازی با ما رفتار شده است ولی رجعت آقای سفیر کبیر منوط بشناسائی دولت جدید و تصمیم دولت شاهنشاهی ایران است.

در هر حال دو ساعت قبل از حرکت چهار نفر پلیس مسلح بسفارت آمدند که آقای سفیر کبیر در نظیبه حاضر شوند من سؤال کردم برای چه گفتند آقای (مارمیتون) شاگرد آشپز شکایت کرده است سؤال کردم برای چه امری شکایت نموده است پلیس گفت در جیب مارمیتون بدستگیرك در گرفته پاره شده است و باید سفیر کبیر خسارت کارگر را بدهد من گفتم ممکن بود جای دیگر شاگرد آشپز پاره شود بسفیر کبیر چه مربوط است پلیسها خنده کرده گفتند بفرمائید برویم.

باز من بشوخی گفتم لباس رسمی من حاضر نیست با چه لباسی حاضر شوم باز خندیدند گفتند برویم بنظیبه.

من سؤال کردم خسارت آقای کارگر چه قدر است گفت دو دلار امریکا من دو دلار انداختم جلو پلیس برداشته و باسر تعارفی کرده از در خارج شدند و من متوجه شدم که اگر باز دو سفارت بمانیم ممکن است بازی های تازه دیگری شروع شود فوری حرکت کردیم و چون دو ساعت هنوز بوقت حرکت راه آهن باقی بود و در استاسیون هم تأمین نداشتیم رفتیم بسفارت کبرای ترکیه و آقای کنعان اوغلو را از جریان مسنحضر ساختم و جای را در خدمت ایشان صرف کرده و بادوست خودمان وداع نموده ساعت ۶ بعد از ظهر با سناسیون که تمام از بیمار درمان خراب شده است وارد و بلافاصله وارد کویبه شدیم و ترن حرکت کرد.

شانکهای

دو ساعت بعد از نصف شب وارد شانکهای شدیم ایرانیان مقیم شانکهای در استاسیون از ما استقبال کردند و معلوم شد سابر سفرها هم همه یکی بعد از دیگری وارد شانکهای شده اند برای خروج از استاسیون کبفهای دسنی ما را باچمدان کوچک می خواهند تفیش نمایند هر قدر اعتراض کردیم و پاسورت سیاسی و جواز حکومت ناسکینك را ارائه دادیم که این عمل برخلاف اصول است و شما حق ندارید قبول نشد البته ما در دفتر اسناسیون اعتراض کردیم و کبفها را بازرسی کردند و اجازه خروج دادند با مستقبیلین بطرف خانه که آقای احمد رئیس تجارتخانه نمازی برای ما تهیه کرده بود حرکت کردیم و در این منزل که بدستور خود من تهیه شده بود زیرا در هتل ها امنیت نداشته و محصور جو امیس حکومت بودیم در ژنرال قونسولگری خودمان هم بدلائلی که بعد ذکر میشود نمیخواستیم وارد شوم ۷ روز در شانکهای تونف کردیم تا اجازه خروج از شانکهای با هزاران زحمت صادر گردید.

در اینجا چند کلمه از طرز رفتار آقای ژنرال قونسول دولت شاهنشاهی ذکر می‌نمایم که علت عدم اقامت در ژنرال قونسولگری را یاد آور شده باشم و خیلی متأسف هستم که در این مسافرت یکمرتبه دیگر با اخلاق ایشان مصادف شدم و چون مایل نیستم در این اواخر عمر موجبات رنجش بیشتری فراهم شود بطور اخصار ذکر میشود که آقای نصیر الملک اخلاق و رفتارشان مناسب يك عضو وزارت امور خارجه و يك مأمور سیاسی نیست در کارهای ژنرال قونسولگری با وزارت امور خارجه مسؤوبانه مکاتبه نمی‌کردند و چند مرتبه بطور خصوصی بمن نوشتند که ایشان را متذکر فرمائید که طرز تحریرات خود را تغییر بدهد من هم تذکر دادم ولی نتیجه حاصل نشد .

همچنین رفتارشان مناسب زندگانی يك مأمور سیاسی نبود و چون قدری روسی میدانند و در ژنرال قونسولگری تغلیس چندی انجام وظیفه می‌فرمودند دوستی و ارتباط با روس های سرخ را برای روز مهیاد ذخیره می‌کردند .

مستراستوارت سفیر کبیر امریکا از من سؤال کرد که آیا سیاست دولت ایران تغییر کرده است .

من جواب دادم برای چیست که اینطور استعلام می‌فرمائید سفیر کبیر گفت مأمورین ما از شانگهای خبر میدهند که مناسبات ژنرال قونسول ایران با کم مونیست ها خیلی صمیمانه و همه روزی است .

من جواب دادم سیاست دولت ایران اگر تغییر می‌کرد باید بمن که سفیر کبیر هستم دستور برسد نه بژنرال قونسول و بعقیده من مأمورین امریکائی اشتباه کرده‌اند ژنرال قونسول ما و خانم محترمه ایشان روسی میدانند و سابقاً در روسیه مأموریت داشتند شاید مرادات شخصی و دوستانه باشد .

در هر حال اطمینان میدهم که این سوء ظن مورد ندارد بخود ایشان هم بوسائلی تذکر داده شده بود و همچنین صاحب خانه محل توقف ایشان مرتباً بسفارت کبیرا شکایت میکرد که ایشان خانه ما را خالی نمی‌کنند و اجاره هم نمی‌دهند ایشان بعنوان اینکه خانه متعلق بطوطی است و بمن مجاناً واگذار کرده است جواب مقنع نیدادند در روابط خود با نایب ژنرال قونسولگری هم ممانعت و ادب را رعایت نمی‌کردند تا آن حد که بر حسب تقاضای اولیای محترم آقای دینا به نانکنیک منتقل شدند خانه طوطی را هم که متعلق بچارتخانه آقای نمازی است انقدر خالی نکردند تا در موقع ورود کم مونیست ها یکی از مسئولین جیمی خانه خود را مجاناً بایشان واگذار کرد که کم مونیست ها نصرف نشایند و ایشان از این خانه مجانی بخانه مجانی دیگر منتقل شدند و احمد رئیس تجارخانه نمازی شکایات دیگر هم می‌کرد که از ذکر آن خود داری میشود گذارشات دیگری هم میرسید که من حتی بوزارت امور خارجه هم چیزی ننوشتم و نخواستم در ادوار آخر خدمت ایشان سوء نظری حاصل شود .

ولی هر قدر رفتار و اخلاق آقای ژنرال قونسول زننده بود خانم محترمه ایشان خانم بهجت السلطنه خانم سیار عاقل و مؤدب و از تمام جهات دارای صفات پسندیده و رفتار قابل تمجیدی بودند که اقلاً اعمال شوهر محترم خود را تعدیل می‌فرمودند .

جهت دیگری هم پیش آمد که در موقع مراجعت بهتر دانستم با ایشان ملاقات نشود و گذشته از اینکه امر وزارت منبوعه را اطاعت نکردند در موقع خروج هیئت سفرا از چین تمام ژنرال قونسولها تراکت هائی بجا آوردند ولی ژنرال قونسول ایران بروی خود نیاورده و مثل اینکه اساساً در جامعه مأمورین سیاسی وارد نبوده و تراکتهای سیاسی را فاقد هستند .

از همین قدر هم که در این کتاب توضیح دادم از همکاریهای خودم در وزارت امور خارجه معذرت میخواهم زیرا هیچ وقت عادت نداشتم که از همکاریهای خودم تنقید کرده و با اعمالشان خرده گیری نمایم .

حرکت از شانگهای

بطوریکه ذکر شد اجازه خروج از شانگهای صادر گردید و پس از تردد آقای ژنرال قونسول از امر وزارت امور خارجه اثاثیه سفارت را که قابل حمل نبود در يك تجارتخانه سوئیسی بنام Commercial expresse Storage با دو اتومبیل بیمه کرده و امانت گذاردم ولی بیست نخته قالی و قالیچه و نقره آلات که تقریباً ۱۳۰ کیلو بود با پرده های ایریشمی و لوازم غذاخوری که از کارهای دستی چین و بسیار ممتاز بود و اگر در محل می گذاردیم بواسطه هوای مرطوبی از بین میرفت و نقره آلات هم ممکن بود تلف شود و در کشور ایران هم با روبه منتخذه جوان های مهندس و دکتر اصول تهمت رایج است و موجب بدنامی و سوء استفاده خصمائی من بود زیرا حقیقتی درین نیست و بعد ما معلوم شد این پیش بینی من کاملاً صحیح بوده که در خانه این کتاب باستحضار قارئین گرام خواهد رسید علیهذا تصمیم گرفتم که اشیاء قیمتی مهم را با خود بیاورم و برای خروج این اشیاء از چین دوچار مشکلاتی شدم که کم مونیست ها هر ساعت ایجاد میکردند اول خروج نقره از چین قدغن است که با هزار مشقت ثابت کردیم که این نقره آلات کار ایران است و بالاخره جواز خروج گرفتیم و این اشیاء را پس از تقبیش گمرک حمل کردیم .

اتباع ایران شکایت داشتند که برای ما صدور تذاکره بشکلات دوچار خواهد شد من بوزارت امور خارجه تلگراف کردم و باتباع اطمینان دادم که برای صدور تذاکره طویل المدت دستور خواهد رسید بقیه اثاثیه را طبق صورت های تنظیمی بیمه کردیم و هر سالی ۱۴۸ دلار بایسی حق الحماضه و بیمه بپردازیم و پس از اتمام این کارها خود را برای حرکت مهیا نمودیم و جای ما را در کشتی Wingson معین کردند که روز سه شنبه ۲۶ مهر مطابق ۱۹ اکتبر ساعت ۱۲ حرکت نمایم ضمناً در شانگهای شنیده شد که فرمانده نانکنگ که شهر را یکم مونیست ها تسلیم نمود از طرف مارشال تیرباران شده است .

کشتی و نیکسن

در موقع ورود بکشتی و نیکسن دوخبر بما رسید و از ساحل شانگهای حرکت نکرده بودیم که یکی از سفرای کبار آخرین نفری بود که داخل کشتی شد و این دوخبر را نقل نمود .

اول خبری بود که در شانکهای من مطلع شده بودم و آن اعدام فرمانده قشون نانکینگ بود دویم خبر اجتماع احزاب در پکن برای موافقت با کمونیست ها . در چین پنج حزب مهم وجود داشت که باستانیای حزب کمین تانگ که حکومت در دست خود آنها بود و چهار حزب دیگر با حکومت ناسیونالیست ها مخالفت نمی کردند و چون اکثریت با حزب کمین تانگ بود چهار حزب دیگر مباحثات و مراقبت می کردند پس از غلبه مایسه تونگ حکومت کمونیست با آنها اعلام نمود که ما با تمام احزاب حاضریم همکاری کنیم باستانیای کمین تانگ و غیباً با رواسای این حزب را که مارشال چان کای چک در رأس آن قرار گرفته بود مهدورالدم اعلان کرده و آنها را محکوم باعدام نمودند و رواسای چهار حزب دیگر را پکن احضار کردند .

روز تشکیل کنگره عمومی که باید تصمیم قطعی اتخاذ نمایند در سالن بزرگ عکس استالین را گذارده و در زیر عکس استالین عکس مایسه تونگ را قرار داده بودند لیدر های سوسیالیست بعضی ورود بسالین سؤال کردند این عکس متعلق بکیست ؟ چون لای جواب داد عکس استالین پیشوای کمونیست است لیدر های سوسیالیست گفتند ما برای کمونیست غیر از مایسه تونگ پیشوایی نمی شناسیم و اگر این عکس را بر ندارید ما از جلسه خارج می شویم زیرا خارجی برای ما - خارجی است و برای ما امریکا و انگلیس و روس و ژاپون و فرانسه تفاوتی ندارد .

چون چون لای عکس را بر نداشت لیدر های سوسیالیست معترضانه از سالن خارج شدند و چند نفر از شیوخ قوم مشغول مذاکره هستند که طوری اصلاح نمایند و نتیجه هم این شد که بیرق چین از صورت سابق تغییر کرد و در پارچه سفید يك ستاره سرخ بزرگ و چهار ستاره كوچك در اطراف ستاره بزرگ قرار گرفته است که علامت حزب ملی است و در اطراف ستاره بزرگ که حزب کمونیست چین است و این خبر بعد در هونگ کونگ هم تأیید شد و در جراید هم منعکس گردید .
در اینجا بی مورد نیست کمیته ازدهای سبز را معرفی نمایم .

کمیته ازدهای سبز

کمیته ازدهای سبز کمیته است که سالهای متسادی در چین مشغول عملیات مخفی است این کمیته از وطن پرستانان حقیقی تشکیل می شود افراد آن مخفی و تشکیلات بکلی سری است و کمیته ترور بسیار مخوف و خطرناکی است و هر کس از طرف کمیته محکوم باعدام شود بطور قطع او را ازین خواهند .

بقدری در چین از این کمیته چیزها شنیده شد که ذکر تمام آنها مورد ندارد فقط قسمت مهم اینست که جامعه چینی را خیلی مرعوب کرده است در موقع حرکت از چین شنیده شد که از طرف کمیته ازدهای سبز بنخام مایسه تونگ و خانم چته و خانم لیونوشته شده است شوهر های خود را متوجه نمایند که تا چه حد تسلیم شوروی می شوند اگر تجاوز شود ملت چین آنها را عفو نخواهد کرد و کمیته انتقام ملت را خواهد گرفت حال امی دانم تا چه حد این اخبار صحیح بوده است زیرا با دادن منولستان و منچوری معناً تصدی هشتاد هزار نفر مستشار روسی در چین چگونه پس کمیته اقدامی نکرده است و شاید هم

در معنی نقشه طرح شده باشد که کمیته اژدهای سبز هم وارد بوده و بعد ها در موضوع مداخلات شوروی باید قضاوت نمود و دید آیا کمیته اژدهای سبز چه رویه ای اتخاذ خواهد کرد .

کشتی ونیکسون دارای نه هزار تنه و کشتی تیز و خوراکش هم مطلوب بود در این کشتی ۱۳ سفیر کبیر و چهار وزیر مختار و چهار شاره دافر با اعضاء سفارتخانه های مربوطه وارد شده و فقط تا هونگ کونگ مارا میرساند بعد هریک با هر وسیله که خود مایل باشند با وطن خود رجعت مینمایند .

گرایه این کشتی را از ما نگرفتند و گفتند دولت انگلستان بدول مربوطه بعد صورت می فرستد و در این کشتی بیشتر وقت من بامذاکره با سفیر کبیر بلژیک و سفیر کبیر مصر که فعلا در طهران تشریف دارند می گذشت .

روز جمعه ساعت ۵ صبح وارد هنگکنگ شدیم آقای نمازی در اسکله منتظر من بودند از طرف حکومت انگلستان برای هریک از سفرا اوتومبیل فرستاده و محل اقامت آنها را هم معین کرده بودند .

ولی خوشبختانه وجود تجارتخانه نمازی در شرق اقصی آبروی دولت و ملت ایران است من از حکمران انگلیسی شکر کرده و اظهار نمودم که کلنی ایرانی ما برای من محل اقامت حاضر کرده اند و اوتومبیل خودشان هم حاضر است و از رفقای کشتی خودمان خدا عافظی کرده از کاپیتان تشکر نموده و با اوتومبیل آقای مهدی نمازی بخانه ایشان منتقل شدیم و چون خانه آقای نمازی در محل مرتفع و بسیار آبرومندی است و از حیث مبل و لوازم زندگی تاحدی آبرومند است در دید و بازدید با حکومت محل و سفر اموجیب آبرومندی بود .

آقای حاجی محمد نمازی مخصوصاً از واشنگتن تلگراف کرده بود که در تمام خط مراجعت تجارتخانه نمازیها از من پذیرائی نمایند و تلگراف تبریک ورودی هم بخود من مضایقه نموده بود که من تلگراف تشکر نمودم و در مدت ۸ روز که ما در هنگکنگ بودیم نهایت محبت و صمیمیت و احتراماتی که لازمه مقام مأمورین دولت شاهنشاهی ایران بود از طرف آقای نمازی بعمل آمد که من برای همیشه متشکرم .

برای حرکت از هونگ کونگ معلوم شد کشتی کارناژ که یک هفته دیگر حرکت خواهد کرد محل خالی ندارد و تنها کشتی که می توان استفاده نمود ۴۸ روز دیگر خواهد رسید و ما هم برای این مدت توقف بقدر کاهی بول نداشتیم و در خانه نمازی هم نمیتوانستیم این مدت توقف کنیم .

ناچار من بمستراسونسن سفیر کبیر انگلیس تلفون کردم که تنها کشتی که ۶ روز دیگر حرکت میکند کشتی کارناژ است و اگر ما باین کشتی حرکت نکنیم باید ۴۸ روز در هونگ کونگ توقف کنیم و این عمل برای من غیر قابل تحمل است اگر میتوانید مساعدتی فرمائید که ما با همین کشتی به بمبئی حرکت کنیم مستراسونسن از من ۲۴ ساعت وقت خواست که جواب قطعی بدهد ضمناً من بوزارت امور خارجه تلگراف کردم که اثاثیه سفارت دریک تجارتخانه سویسی امانت گذارده شد ولی اثاثیه قیمتی که قسمت مهم را

تشکیل میدهد از قبیل فرش و پرده و تفره آلات و غیره اگر در شانکهای می گذاشتم بواسطه رطوبت هوا ممکن بود از بین برود با خود آورده ام آیا بطهران حمل نمایم یا دستور دیگری داده خواهد شد پول هم هر قدر ممکن است به هونکونگ برسانید روز چهارشنبه جواب رسید که این اشیاء را تمام سفارت کبرای ایران در کراچی تحویل نموده رسید دریافت فرمائید (چون سفارت کراچی فاقد اناثیه است) پنج هزار دلار هم حواله شده است .

با وصول این تلگراف تکلیف ما روشن شد و من فوری پنج هزار دلار را با آقای کرمانی حواله کردم و مستراستونسن هم بمن تلفن کرد که در کشتی کارتاژ که روز شنبه ۲۸ اکتبر حرکت میکنند چهار کابین برای جنابعالی مهیاست بنا بر این فوری بلیط خریداری کردیم و اناثیه سفارت را بکشتی حمل نمودیم (در صورتی که دو روز قبل ما جواب دادند محل خالی در کشتی موجود نیست) و من با آقای نصر تلگراف کردم که يك عضو به بمبئی بفرستید که اناثیه را تحویل بگیرند (کشتی که بطرف خلیج فارس میرود فقط ده ساعت در کراچی توقف مینماید و این مدت برای تحویل اناثیه سفارت کافی بود جناب آقای نصر سفیر کبیر ایران در کراچی مستشار خود را برای تحویل گرفتن اناثیه تعیین و به بمبئی اعزام داشتند .

در هونکونگ دوسه پذیرائی بعمل آمد و بعضی از همکارهای ما بطرف امریکا حرکت کردند که از آن راه پارو پا بروند آقای سفیر کبیر مصر اسمعیل ادریس با کشتی مستقیم طرف قاهره حرکت کردند بعضی هم باطیاره مراجعت نمودند من بواسطه اناثیه سفارت نمی توانستم باطیاره مسافرت کنم علیهذا خود را برای حرکت با کشتی کارتاژ آماده کردیم .

روز جمعه ۱۶ آبان ساعت ۱۲ حرکت کردیم و تلگرافاً از آقای حاجی محمدی نمازی درواشنگتن اظهار امتنان نمودم و با آقای مهدی نمازی وداع کرده باتشکر از مساعدتها و پذیرائی های ایشان روز جمعه بکشتی منتقل شدیم و مستراستونسن سفیر کبیر انگلستان و خانم ایشان هم با همین کشتی با ما هم سفر هستند .

کشتی کارتاژ

کشتی کارتاژ ارحیث نماز و سایر تشکیلات شبیه بکشتی کانتون است و از جهت انتظامات و رعایت ادب و نزاکت کارکنان کشتی های انگلیسی تقریباً دارای يك اصول و يك رویه هستند من و خانم و مریم و آقای دیبا در درجه اول و محمد پیشخدمت در درجه دوم بود و روز ها اکثراً با مستر استونسن صحبت میکردیم .

روز سه شنبه دهم آبان ساعت ۸ صبح کشتی ما در لنگر گاه سنگاپور پهلو گرفت ولی ساعت هفت صبح بمن اطلاع دادند که لیدی استونسن بدیدن خانم می آیند ما برای پذیرائی حاضر شدیم لیدی استونسن و مستراستونسن بکابین ما تشریف آوردند و با ما حداحافظی کردند سفیر کبیر انگلستان اظهار داشت ما يك کنسولتاسیون (مجلس مشاوره) در سنگاپور داریم که منتظر ورود من هستند پس از خاتمه این جلسه با خانم بوسیله طباره بلندین حرکت خواهیم کرد .

ما مراسم تودیع را بعمل آورده و تاروی پل کشتی آنها را مشایعت کردیم آقای نمازی از منصوبان آقای حاجی محمد نمازی است و در سنگاپور تجارتخانه مهسی دارند موقع رفتن ما بچین از ورود ما بی اطلاع بودند و در این موقع گویا بواسطه اطلاع تلگرافی آقای حاجی محمد نمازی از واشنگتن با استقبال ما آمدند کشتی کارتاژ ۴۲ ساعت در سنگاپور توقف خواهد کرد و ما باتفاق آقای نمازی از کشتی خارج شدیم و بمنزل آقای نمازی رفتیم خانم ایشان واقوامشان نیز حضور داشتند نهار را هم در کلوب مهمان آقای نمازی بودیم .

سنگاپور روی خط استوا واقع است و در تمام چهار فصل گرم است فقط موقعی که باران میبارد هوا ملایم و مطبوع است ولی بمحض اینکه باران قطع شد و آفتاب خود نسائی نمود برای ما تاحدی غیر قابل تحمل بود ولی این شهر بسیار زیبا و بواسطه جنگلها و معاط بودن از دریا منظره قشنگی دارد بقیه روز را بسدیدن نقاط تماشائی شهر گذرانیدیم و شب را بکشتی مراجعت نمودیم امشب رادیو قتل مرحوم هژیر وزیر دربار ایران را در مسجد سپهسالار اطلاع داد .

روز چهارشنبه باتفاق آقای نمازی بدیدن مسجد ابوبکر رفتیم این مسجد بسیار تیز و زیبا و مزین است محل موعظه یا پله کان مدور دویالای مسجد قرار گرفته و پارتفاع پنج شش متر محلی برای جلوس و اعظ است که میکرفن هم در جلو آن قرار گرفته و در واقع يك مسجد مدرنی است .

پس از تماشای این قسمت باغهای اطراف را نیز گردش کردیم و از جهت گل کاری و درخت کاری بسیار قابل توجه بود روز پنجشنبه که ساعت ۱۲ کشتی از سنگاپور حرکت مینماید صبح رفتیم بکارخانه کاتوت شو سازی و چون من از تشکیلات و طرز ساختن رزین بی اطلاع بودم میل داشتم که بدقت این قسمت را مطالعه نمایم چهار ساعت وقت مادر این کارخانه گذشت و بسیار جالب توجه بود شاید در ایران هم در قسمت های جنوب و گرمسیر جزایر خلیج فارس ما هم بتوانیم از این صنعت استفاده نماییم بالاخره برای ساعت ۱۲ بکشتی مراجعت کردیم تنها چیزی که موجب تأسف من شد تغییر تابعیت آقای نمازی و خانواده اش که ساکن سنگاپور بودند می باشد این خانواده در سنگاپور مورد توجه هستند و حتی یکی از برادرها از طرف شهر انتخاب شده بود و عضو شورای محلی بود و البته برای پیشرفت تجارتشان با جهات دیگر تبعیت انگلستان را قبول کرده بودند و این خانواده محترم که موجب آبرومندی ایرانیان در شرق اقصی هستند البته بدلائلی مجبور باین عمل شده اند که موجب نهایت تأسف من است در هر حال از پذیرائی و مراقبت و راهنمایی میزبان محترم و خانم ایشان تشکر کرده مراسم تودیع بعمل آوردیم و ساعت ۱۲ کشتی از ساحل جدا شد و بطرف شمال از کنار مالایا در حرکت بود روز جمعه ساعت ۱۱/۵ به پنینگ Pening رسیدیم و چون این شهر را در موقع رفتن دیده بودیم پیاده نشدیم و ساعت ۶ کشتی حرکت کرد .

شب یکشنبه ۱۵ آبان رادیو اطلاع داد که دولت بیرمانی چین کمونیست را شناخت سه شنبه ۲۷ آبان کشتی ما بجزیره سرانندیب رسید و در اسکله شهر کلمبو Colombo

پهلوی گرفت و ساعت ۲ کشتی حرکت کرد امشب رادیو اطلاع داد که دولت هندوستان هم چین کمونیست را شناخت شب پنجشنبه ۱۹ رادیو اطلاع داد که حکومت سراندریپ هم چین کمونیست را شناخت .

بالاخره کشتی ما ساعت پنج بعد از ظهر روز پنجشنبه ۱۹ آبان در ساحل شهر معروف بستنی پهلوی گرفت آقای بهادری ژنرال قونسول ایران و خانم ایشان و ویس قونسول و غیره از ما استقبال کردند و ما با کشتی کارتاژ نهاد جاقظی کرده حمل با کاژها را بمهده آقای کازرونی پسر کازرونی ترجمان اول واگذار نمودیم و خودمان به هتل ماژستی منتقل شدیم زیرا در تاج محل جا نبود آقای خاکسار مستشار سفارت کبرای ایران در کراچی نیز دو روز بود که بمبئی آمده که اثنایه سفارت را تحویل بگیرد منتظر و دور ما بود .

شب جمعه شام را میهمان آقای بهادری بودیم و هر قدر در موقع رفتن به چین از پذیرائی خانم محترمه ایشان متشکر بودیم در مراجعت با ضعاف افزوده شد و در مدت ۱۴ روز اقامت اجباری در بمبئی بقدری محبت و مساعدت و پذیرائی نمودند که ما برای همیشه شکرگذار هستیم .

هتل ماژستی خیلی ناراحت و هتل آبرومندی هم نبود بالاخره پس از مذاکرات روزی دوشنبه ۲۳ آبان به تاج محل منتقل شدیم و این هتل یکی از مجلل ترین و ممتاز ترین هتل های شرق است و در اینجا ما میتوانستیم با سخ میهمانی های دوستان را بهمیم و ضمناً اثنایه سفارت را باز کرده و در مدت دو روز صورت برداری شد و بجزء آقای خاکسار تحویل نموده رسید گرفتیم و مجدداً بسته بندی شد که پیکر اچی حمل شود .

پنج شنبه ۲۶ و شنبه ۲۸ دوستان میهمان من بودند و برای پذیرائی در تاج محل سالن غذا خوری که در موقع نهار و شام با ماشین تهویه هوای مطلوبی داشت ضمناً بواسطه موزیکال بودن خیلی پسندیده و جالب میباشد و بعضی شبها هم رقص و بازی های دیگر قابل تماشا بود .

رئیس موزیک برای پذیرائی ما مارش ایران و موسیقی ایران نواختند و من تشکر کردم نقاط دیدنی این شهر از قبیل موزه و باغ وحش و باغ معلق و سایر موسسات رادر ایاب و ذهاب بجزء گردش کردیم مدت اقامت من در بمبئی بواسطه مراقبت و پذیرائی آقای بهادری و خانم ایشان بسیار خوش گذشت و ما مجبور بودیم این مدت را به دو جهت در بمبئی توقف کنیم اول انتظار رسیدن کشتی دامرا Damra که عارم خلیج ایران است و دویم تحویل اثنایه سفارت مستشار سفارت کبرای ایران در کراچی قسمت دوم خاتمه حاصل نمود و روز یکشنبه ۲۹ آبان کشتی دامرا وارد شد و بلا اطلاع دادند که کشتی روز سه شنبه حرکت میکند .

علیهذا بارها را بکشتی حمل کردند و خودمان روز سه شنبه ساعت پنج به همراهی آقای ژنرال قونسول و دوستان وارد کشتی شدیم و پس از تودیع و تشکر از میزبان های محترم کشتی ساعت ۶ طرف کراچی حرکت کرد و دوشب قبل مطلع شدیم که دولت پاکستان هم چین کمونیست را برسمیت شناخت و چند روز بعد دولت انگلستان شناسائی

چین کمونیست را اعلان نمود در اینجا بيمورد نیدانم که قدری بطور اجمال بیانست انگلستان را در چین تشریح نمایم .

سیاست انگلستان در چین

پس از جنگ اول بین الملل تجارت کشور چین صدمی نود و پنج در دست انگلیس ها قرار گرفت و انگلیسها از این موقعیت استفاده کردند ولی پس از حمله ژاپون به چین و جنگ دوم بین الملل تجارت چین ازید انگلیسها خارج شد و امریکاییها امور شرق اقصی را در دست گرفتند .

این پیش آمد و ظهور قدرت امریکا در شرق اقصی موجب شد که انگلیس ها معتاد برای شکست امریکا در شرق اقصی عمل نمایند و بر طبق همین نقشه انگلیسها طوری عمل کردند که امروز تنها دشمن خود را کم مویست ها در چین امریکارا میدانند و در جنگ کره انگلیسها طوری دست امریکائی ها را بند کرده اند که هیچوجه خلاصی ندارند زیرا از شدت عمل امریکائی ها در حمله بنقاط حساس منچوری و اطراف رودخانه یالو جلو گیری میکنند و حتی سیاست مک آرتور را تقبیح کرده و موجبات عزل او را فراهم نمودند ولی معناً منظور انگلیس ها این است که جنگ کره خاتمه حاصل نشاید و خصومت چینی ها با امریکائی ها تشدید شود و ادامه این جنگ هم صد درصد بضرر امریکاست زیرا کشور چین با پانصد میلیون جمعیت لا ینقطع افرادی برای گوشت قصابی بجهت اعزام میدارد ولی امریکا باید این هزینه هنگفت را که سه سال است می پردازد تحمل نماید و این جنگ را برای حفظ حیثیت خود ادامه دهد و ضمناً مجبور است پای خود را از خط بیرون نگذارد و تمام این مقدمات برای ادامه تجارت انگلستان است از راه هنگکنگ .

ولی منظور اصلی انگلیس هم عملی نشده است زیرا روسها با داشتن هشتاد هزار نفر مستشار در چین کم مویست حتی المقدور از منظور انگلیس ها جلو گیری میکنند وقتی اساساً برویه انگلیسها در چین تعمق نمائیم می بینیم که رویه انگلیسها در شکست ناسیونالیست ها که فقط متکی با امریکائیها بودند بی اثر نبوده و اخراج قشون امریکا و بحریه امریکا و بالاخره سفارت کبرای امریکا از چین طبق يك نقشه معین عملی شده است و بعد بلافاصله پس از ورود کم مونیست ها به ماکینک انگلیس ها تصمیم میگیرند چین کم مونیست را رسمیت بشناسند و وقتی که دوچار اعتراض آچسن وزیر امور خارجه امریکا میشوند خودشان موجبات حرکت کردیلماتیک را از چین فراهم مینمایند و در کشتی مخصوص بشاگهای برای حمل سفرا میفرستند و بالاخره پس از دوسه ماه با هدایت کامین ولت دولت چین کم مونیست را شناخته به پکن مراجعت مینمایند .

با مطالعه در سیاست انگلستان روشن میشود که نقشه انگلیسها اینست که امریکا و روسیه را بجان هم بیندازد و بالاخره شاید خودشان هم وارد صحنه بشوند ولی طوری خصومت چینی را نسبت با امریکائیها تشدید نمایند که پس از ختم جنگ بین الملل سویم نیز تجارت چین و نفوذ انگلستان در شرق اقصی متزلزل نشود ولی روسها هم از طرفی در خواب نیستند و با تمام وسائل بقطع رشته تجارت انگلستان در چین جدوجهد مینمایند منتهی عجزاً ناموادی که برای معاریه لازم است از انگلیسها می گیرند و بر علیه امریکائیها اعمال مینمایند چنانکه بعضی

از سناتورها و اعضاء کنگره درواشنگتن باین موضوع متوجه شده و اعتراض کردند تا آخرین نتیجه معلوم شود و از طرفی هم انگلیسی ها کوشش می کنند که در عین حالی که جیب امریکائی ها را خالی می کنند چین کمونیست را هم در جامعه ملل وارد نمایند و از عملیات شدید امریکائی ها هم در جنگ کره جلوگیری مینمایند .

در حال رویه انگلستان مطابق رویه تاریخی خود همیشه برای اغفال تمام ملل عالم و استعاده خودشان تعقیب میشود و امریکائی ها نیز باین موضوع متوجه شده و می بینیم که اختلاف بین آنها زیادتر می شود و از طرفی روس ها هم باین آتش دامن میزنند تا باین نتیجه رویه متخذه انگلستان در شرق اقصی و رویه مساعدت دولت امریکا با چان کای چک و حکومت فرمز و تقویت ژاپونی ها بکجا خواهد کشید و آیا دنیا بر اثر همین طمع ورزی ها بآتش و خون کشیده خواهد شد یا خیر (۱) .

کراچی

روز پنجشنبه ۱۳ در ساعت ۸ صبح کشتی ما وارد بندر کراچی شد جناب آقای میرزا سید علی خان نصر سفیر کبیر ایران در پاکستان و خانم ایشان و اعضاء سفارت در عرشه کشتی ارما استقبال کردند کشتی دما را ده ساعت در کراچی توقف خواهد کرد علیهذا ما با اتفاق آقای سفیر کبیر و خانمها بسفارت کرای ایران رهسپار شدیم و اثنایه چین که بکراچی منتقل شده بود برای دو ساعت بعد از ظهر بسفارت رسید و طبق صورتهائی که بامضای مستشار سفارت کرای کراچی رسیده بود تحویل شد و صورتهارا نیز آقای سفیر کبیر امضا نمودند و ضمناً خواهش کردند که سرویس غذاخوری را هم بسفارت کراچی بدهم و مقرر گردید بوزارت امور خارجه بلگراف نمایند که در صورت موافقت وزارت خارجه ابلاغ نمایند تا دستور دهم که سرویس را بسفارت کرای کراچی تحویل نمایند .

امروز بهار را در خدمت جناب آقای نصر در سفارت ایران صرف نمودیم و اثنایه که برای کراچی آورده بودیم فوق العاده موجب امتنان آقای نصر را فراهم کرد و از من تشکر نمودند .

ساعت ۵ بکشتی مراجعت کردیم و پس از مراسم تودیع آقای سفیر کبیر و خانم ایشان و سایر اعضاء سفارت و منایعین از کشتی خارج شدند و ساعت ۶ بعد از ظهر از کراچی حرکت کردیم و ساعت ده شب ۵ آدر کشتی ما وارد هرمز شد و روز یکشنبه ۶ ساعت ده صبح ساحل بحرین رسیدیم من خیلی مایل بودم که این جزیره را بدقت بینم ولی متأسفانه از نقطه نظر سیاسی و موقعیت شخصی صلاح ندیدم که پیاده شوم و ساعت ۱۱ از بحرین حرکت کردیم و روز دوشنبه ۱۲ در ساعت ۶ صبح در ساحل جزیره واس الخیه یا واس النار کشتی دما را پهلو گرفت این جزیره امروز مرکز فعالیت امریکائی ها است و بتمام جدید مشغول استخراج نفت هستند و مؤسسات مدرن در کمال سرعت و فعالیت

(۱) به بطن مستر ایلی لیدر اقلیت پارلمان انگلستان و رهبر حزب کارگر در ۱۲ مه ۱۹۵۳ در پارلمان در جواب مستر چرچیل مراجعه شود .

در دست تأسیس است کشتی ما لوازمی را که برای این جزیره حمل کرده بود تحویل نمود و نیمساعت بعد از ظهر از راس النار حرکت کردیم .

این جزیره که سابقاً تقریباً غیرمسکون و شاید چندعرب با کمال بدبختی روزگار می گذرانند امروز یکی از نقاط صنعتی مهم خلیج است و با نظر دقیق ملاحظه میشود که دست بشر و قدرت علمی عصر حاضر چه معجزه کرده است و این محل که حقیقتاً همان راس النار است تمام وسائل آسایش را در خود دارد و احتیاجات سکنه و وسائل قبی و صنعتی را مرتباً باین جزیره حمل می نمایند و عمل استخراج نفت هم در کمال فعالیت عملی شده است .

روز سه شنبه ۸ آذر ساعت ۶ صبح بکویت رسیدیم و ساعت ۵ هم حرکت کردیم و روز چهارشنبه ۱۹ در ساعت ۵/۵ صبح وارد شط العرب شدیم ولی بواسطه جزر و مد باید ساعت یازده کشتی پهلو بگیرد در ساعت ۸ صبح موتور بادهای کپانی نفت سابق با آقای مصطفی فاتح در شط از ما استقبال کرده و از کاپیتان کشتی خدا حافظی کرده به طرف آبادان حرکت کردیم .

در آبادان خانه برای ما معین شده بود و از طرف حکومت و نماینده شرکت خیمه مقدم گفته شد برای این که انانیه و چمدانهای ما را در گمرک پیاده نمایند بایستی امروز ۱۰ در آبادان توقف نمایم شب آقای فاتح ما را بشام در کلوپ دعوت نمودند .

در موقع حرکت بطرف چین ۱۱ چمدان لباس های من و خانواده من همراه بود که در طهران گمرک پلمب کرده بود موقع مراجعت چمدان های ما ۲۱ بسته بود زیرا ۵ صندوق دفاتر و تله گره و اسناد سفارت بود که بایستی بوزارت امور خارجه در طهران تحویل شود پنج صندوق هم متعلق با آقای فریدون دیبا نایب دوم سفارت بود که از گمرک بفرم شهر حمل نمودند (۱) .

شب پنجشنبه که مهمان آقای فاتح بودیم بسیار خوش گذشت و از پذیرائی و هوس ایشان خیلی ممنون شدیم و روز پنجشنبه ساعت ۹ صبح از آبادان حرکت کرده در اداره حکومتی خرمشهر با آقای ابوذر وارد شدیم آقای ابوذر از اعضای بسیار لایق و در کار و با معلومات وزارت کشور است و از زمانی که من وزیر کشور بودم با ایشان سابقه دوستی داشتم آقایان اعضای ادارات لشکری و کشوری و آقای رئیس تلگراف که در ایاب و ذهاب ما خیلی کمک کردند از ما دیدن نمودند و نهار را در خدمت آقای فرماندار صرف کرده ساعت ۳ بعد از ظهر باراه آهن طرف اهواز حرکت کردیم و ساعت ۷ وارد اهواز شدیم امشب را در خدمت جناب آقای بهرامی که بامن سوابق زیادی دارند مهمان هستیم شب را در خدمت ایشان گذرانندیم و چون آقای افغمی معاون راه آهن در اهواز تشریف داشتند خانم و مریم بواسطه انتساب و خویشی و تقاضای خانواده گی بستل آقای افغمی که در وانج

(۱) دفاتر گمرک آبادان صحت قضیه را ثابت مینماید و حالا معلوم می شود که پیش بینی من چقدر صحیح بوده است زیرا دشمنان من تبلیغ می کنند که مرخ هشتاد صندوق انانیه سفارت چین را با خود حمل کرده و سوء استفاده نموده است خداوند اشخاص بی وجدان و مغرض را خود هدایت نماید .

برادرزاده من هستند برای استراحت منتقل شده و صبح روز جمعه ۱۱ در ساعت ۷/۵ صبح از هواز حرکت کردیم و روز شنبه ۱۲ آذر ساعت ۷/۵ صبح وارد طهران شدیم افراد خانواده و اقوام و دوستان را در کاروان راه آهن طهران زیارت کرده و چشم من به دیدار ایشان روشن شد.

این مسافرت ۱۴ ماه و ده روز بحمدالله بسلامتی خاتمه یافت و با تمام مشکلات و بیش آمدن های جنگ خداوند ما را حفظ نمود و بسلامتی بدیدار پای تخت مملکت و ابناى وطن نائل گردیدیم.

در اینجا سفرنامه را خاتمه داده و از حقارت آن از قارئین محترم معذرت خواست و اشتباه یا انحرافی اگر شده باشد عفو و اغماض را ملتزم و امیدوارم در نظر ارباب دانش مورد توجه قرار گیرد و چون اولین کنایی است که بزبان فارسی از کشور معظم چین اطلاعاتی که برای اولین دیده شده با اختیار ابرایان میگذارد انشاءالله مورد استفاده خواهد بود.

خاتمه

در موقعی که من از چین حرکت می کردم مارشال چان کای چک رئیس جمهور و ژنرال لی و تمام رجال حکومت وقت از چین خارج شده بودند و همین جهت نزاکت های بین المللی و تشریفاتی معمولی سبب بفرای کبار عملی نشد ولی پس از چندی نامه از سفارت کبیرای چین در تهران رسید که عین آن در این کتاب درج میشود.

شماره ۱۸۵/۴۱

ژوئن ۱۹۵۲

جناب آقای مهدی فرخ سناتور محترم

اینک با نهایت احترام یک قطعه عکس حضرت رئیس جمهور چان کای چک را که شخصاً امضاء فرموده اند بعنوان یادگار بجناب عالی اخیراً از تاییه باین سفارت کبیری واصل گردیده بدینوسیله پیوست تقدیم میدارم.

ضمناً اضافه مینماید که دو کلمه اول چینی سمت راست عکس تلفظ اصلی نام حضرتتعالی و دو کلمه دیگر عنوان سقبر کبیراست: و در قسمت پائین سمت چپ عکس امضاء مهر ایشان و حروف کوچک تاریخ امضاء مشارالیه میباشد موقع را مفتنم شمرده احترامات فاتحه را تجدید مینماید.



華樂大使

蔣中正贈

عکس اهدائی چان کای چک رئیس جمهور با آقای فرخ سفیر کبیر ایران

شائو چانگ سو

کاردار سفارت کبیرای چین در ایران

جناب آقای شائو چانگ سو شارژدافر سفارت کبرای چین در ایران

نامه شماره ۱۸۵/۴۱ بانضمام عکس حضرت مارشال چان کای چک رئیس جمهور که برسم یادگار باین جانب اهداء فرموده اند عز وصول بخشید متمنی است تشکرات من را بحضورشان تقدیم و این یادگار مدت اقامت خودم را در کشور زیبای شاهپوقه فراموش نمی کنم تمنی دارم احترامات من را پذیرید .

مهدی فرخ

در فروردین ۱۳۳۱ مراسله از سفارت کبرای چین باین جانب واصل گردید که عین آن نیز در این کتاب درج میشود .

جناب آقای سید مهدی فرخ - تهران دوستانه ۱۶ فروردین ۱۳۳۱

سنا تور معترم افتخار دارم بطور غیر رسمی باطلاع آنجناب برسانم که دولت متبوعه این جانب تصمیم گرفته حمایل بزرگ و مدال ستاره درخشان را برای خدمات شایان تحسین و تقدیر و کمکهای ذی قیمتی که جهت تحکیم روابط دوستانه مابین دو مملکت موقعی که سمت اولین سفیر کبیر دولت شاهنشاهی ایران در مملکت جمهوری چین انجام فرموده اید اعطا نماید .

البته بی نهایت موجب امتنان اینجانب خواهد بود اگر آنجناب لطفاً تماهبل خود را نسبت بقبول شان بامبرده بالا ابراز و تشریحاتی که از نقطه نظر دولت شاهنشاهی ایران بایستی انجام داد اینجانب را مستعضر فرمائید موقع را برای تجدید احترامات فائقه معترم می شمارد .

شائو چانگ سو شارژدافر سفارت کبرای چین در ایران

پس از وصول این مراسله مراتب را ضمن نامه دیل بوزارت دربار شاهنشاهی اداره تشریحات سلطنتی معروض داشم :

۳۱/۱/۱۸

ریاست محترم تشریحات دربار اهلحضرت همایون شاهنشاهی ارواحافدا

سفارت کبرای چین مراسله بتاریخ ۱۶ فروردین جاری باین جانب نوشته دولت متبوعه این جانب تصمیم گرفته حمایل بزرگ و ستاره درخشان برای خدمات شایان تحسین و تقدیر و کمکهای ذی قیمتی که جهت تحکیم روابط مابین دو مملکت ما موقعی که سمت اولین سفیر کبیر دولت شاهنشاهی ایران در مملکت جمهوری چین انجام فرموده اید اعطا نماید .

متمنی است مراتب را بعرض پیشگاه ملوگاه ارواحناهدها برسانید که آبا اجازه میفرمایند نشان اعطائی دولت چین را بپذیرم یا خیر ونتیجه اراده سنیه را باین جانب ابلاغ فرمائید .

مورخه ۳۱/۱/۲۱ شماره ۶۳۱

جناب آقای فرخ نماینده محترم مجلس سنا

نامه مورخ ۳۱/۱۰/۱۸ راجع باعطای حمایل بزرگ و مدال ستاره درخشان که در نظر است از طرف دولت چین بجناب عالی اعطا گردد واصل و از شرف غرض مبارک اعلی حضرت همایون شاهنشاهی گذشت و اجازه مرحمت فرسودند .

رئیس تشریفات دربار شاهنشاهی ه هز پرنیا

پس از وصول نامه تشریفات سلطنتی من مراتب را کتباً بسفارت کبرای چین اطلاع دادم که حمایل و نشان اعطائی دولت چین را می پذیرم و در موقع خود بوسیله وزارت امور خارجه دولت شاهنشاهی ایران ارسال فرمائید .

مراسله ذیل از طرف سفارت کبرای چین برای اینجناب ارسال گردید .

۱۳۳۱ دی ۱۵

شماره ۴۲/۲

جناب آقای سید مهدی فرخ سفیر کبرای سابق ایران در چین

بدین وسیله افتخار دارد که از طرف دولت متبوه خود حمایل بزرگ و ستاره درخشان که توسط رئیس جمهوری چین برای خدمات شایان تحسین و تقدیر و کمکهای ذی قیمتی که جهت تحکیم روابط دوستانه مابین دو کشور در موقعیکه بست اولین سفیر کبرای دولت شاهنشاهی ایران در مملکت جمهوری چین انجام فرموده اید به آنجناب اعطا گردیده به پیوست تقدیم نمایم ضمناً گواهی نامه (مقصود هرمان است) مدال به پیوست تقایم گردید . (۱)

بایستی خاطر نشان ساخت که مدال طبق امریه رئیس جمهور در تاریخ ۱۲ ماه مه ۱۹۵۲ اعطا گردیده ولی بواسطه اشتباهی که در نقل و انتقالات شده اخیراً از طرف سفارت دریافت گردیده و تاخیر در این مورد موجب نهایت تأسف است ضمناً از آنجناب تقاضا مینمایم که وصول ضمانت را ابلاغ فرمائید .

باتقدیم احترامات فائقه شاکو چانگ سو کاردار سفارت کبرای چین

۱۳۳۱ دی ۱۶

(۱) فرمانی که از طرف دولت چین برای نگارنده فرستاده شده است در وسط پاه پری بزرگ برنک سرخ مهور است و این مهر را آل تمغای گویند بمعنی (سرخ مهر) و این رسم گویا از زمان سلطه مغول در چین معمول شده است بتاریخ عظامتک جوینی جلد اول بهقدمه شرح حال مصنف صفحه (بطل) مراجعه شود .

این مهر مربع کامل و ۱۳ سانتی متر در ۱۳ سانتی متر است که از زمان سلطنت مغول هم بهین قسم در فرامین سلطنتی استعمال میشده است

۸۴۴۸۲۱
MIRAL

جناب آقای شائوچانگ سو گاردار سفارت کبرای چین

گرامی نامه مورخ ۱۵ دیماه ۱۳۳۱ بنه ره ۴۲/۲ بانضمام فرمان وحمایل بزرگ و نشان سناره درخشان رتب وصول داد با کمال افتخار این فرمان که حاوی اظهار قدردانی از خدمات ناچیز این جانب در مدت مأموریت خود در کشور معظم چین میباشد دریافت داشه و بهترین یادگار در مدت زندگی خود میدارم و نمیشد مسکنم شکر ات این جانب را بحضور والا حضرت اقدس رئیس جمهور تقدیم و امیدوارم اولیای دولت معظم چین ملیون این جانب را همواره از دوستان صمیمی خود بدانند .

در خاتمه از مهر و صمیمیت جناب آقای شارژ دافر نمی توانم خودداری کرده و اینک مراتب محبت قلبی خود را خدمت ایشان تقدیم میدارم .

سید مهدی فرخ

خیلی مأسف هستم که در خاتمه این کتاب برای روشن شدن و آرائین محترم مجبور شدم موضوع کوچکی را تکرار کنم و نظر بموقعیت و محیط متشنج و تهمت زنند فعلی امیدوارم معذرت مرا قبول فرمایند .

چنانکه در این کتاب ذکر شده است اثاثیه مهم و قیمتی سفارت کبرای ایران را که با تحمل زحمات زیاد از چین خارج نموده بودم طبق دستور وزارت امور خارجه بسفارت کبرای کراچی تغویل و بقیه از قبیل میر و صندلی و انومبیل که خارج کردن آن غیر ممکن بود در محل بیه شد و نتوانستم راضی شوم که اموال دولت از بین برود ولی پس از تصدی من در سنای یک هده هویچی که دور آقای مصدق السلطنه و قوام السلطنه را گرفته اند بواسطه عدم موافقت من با قوام و تردید نسبت بسیاست متخذه دکتر مصدق شروع بفحاشی و هرزه گوی نمودند و یکی دو از آن روزنامه های خلق الساعه که از زمامداری قوام السلطنه و مصدق السلطنه به نان و آبی رسیده بودند بخیال افتادند که من را بیک وسیله متهم نمایند و چون بعون الله دوره زندگی من بقدری بی آلاش است که شدیدترین دشمنان من نیز نمی توانند وسیله برای حمله بمن بدست آورند . موضوع اثاثیه سفارت را در جراید مطرح کردند که فرخ هشتاد صندوق از چین با خود آورده و اثاثیه دولتی سفارت چین را بنفع خود تصرف نموده اینک برای رفع سوء تفاهم توضیح میدهم که تمام اثاثیه شخصی من در مسافرت بچین در ابواب و زهاب فقط و فقط بازده صندوق بوده که دفاتر گمرک تهران و خرم شهر نشان میدهند و اما راجع باثاثیه سفارت کبرای ایران در چین عین مراسله وزارت امور خارجه ذیلا درج میشود :

بتاریخ ۱۳۳۱/۳/۱۸ شماره - ۸۱۲۰/۳۶۴

جناب آقای فرخ شائوچانگ سو

در جواب یادداشت مورخ ۳/۳/۳۱ جناب عالی راجع باثاثیه سفارت کبرای شاهنشاهی در چین زحمت افزا می گردد :

بطوری که استحضار دارید پس از ابطال سفارت کرای مر نور قسمی از اثاثیه
مشمول بر فرش - پرده - دستمال سفره - نقره آلات طبق ریزی که در پرونده موجود
است توسط جناب عالی تحویل سفارت کبرای شاهشاهی در کراچی گردیده و بقیه اثاثیه
که صورت ریز آن در پرونده ضبط است از بانکینگ بشاگهای حمل و در کمپانی سویسی
Commercial Expresse Storage یا مات گذارده شده است. يك سرویس ۲۴ ساعه
هم که در زمان بعدی جناب عالی پاکستان سفارش داده شده بود سفارت کرای شاهشاهی
در پاکستان تحویل گردیده است

ویرا امور خارجہ ناقر کاظمی

در حاتمہ امیدوارم خداوند اشخاص مقررین را هدایت و کشور ایران را از این
حسومت ها و مخالفت های شخصی حفظ نماید

سعید مہدی فرخ

۱۳۳۳

فهرست مندرجات

صفحه	موضوع	صفحه	موضوع
۴۹	علت شکست داسپونالیست ها	۲	علت نگارش
۵۱	ریاست جمهوری ژنرال لی	۳	مقدمه
۵۲	واقعه ۱۵ بهمن ۲۷	۴	علت مسافرت چین
۵۲	عروسی در سفارت ایران	۸	کشتی دامرا
۵۵	هرار بودا	۹	بیبئی
۵۵	مذاکرات صلح	۹	کشتی کانتون
۵۶	موقعیت سفارت ایران	۱۱	خزیره هنگکنگ
۵۸	رفتار کم مویست ها با سفرای خارجه	۱۳	شامکهای و ساریها
۶۱	استانهای چین	۱۵	دلار چین
۶۳	محصولات چین	۱۶	دفتر سفارت ایران
۶۶	معادن چین	۱۷	شریابی
۶۷	اعیاد و عادات ملت چین	۲۰	مسافرت و جمعیت چین
۷۱	مراسم تشریفات اموات	۲۱	بژاد چین
۷۳	خوراک اهالی چین	۲۲	حکومت چین
۷۴	مفسعه در چین	۲۳	پادشاه دول معظمه در چین
۷۶	موسیقی و ادبیات	۲۶	تشکیلات کنوری چین
۷۷	حفظ الصحه اوراد	۲۷	وظایف رؤسای پنج گانه
۷۹	واقعه شامکهای	۲۹	ریان و خط چین
۸۲	آخرین ملاقات	۳۰	آداب و اخلاق و روحیات ملت چین
۸۹	حمل اثنایه	۳۱	اصول خانواده
۹۱	شامکهای	۳۲	اجاسات عمومی
۹۳	حرکت ارشامکهای	۳۶	صنعت و هوش چینی
۹۳	کشتی ویکسن	۳۷	مذهب در چین
۹۴	کمیته ازدهای سر	۳۹	فقر عمومی
۹۶	کشتی کارنار	۴۰	صحه و احتیاجات
۹۹	سیاست انگلستان در چین	۴۲	معماری در چین
۱۰۰	کراچی	۴۳	اتباع خارجه و داد گستری
۱۰۲	خاصه	۴۵	نظری باوصاع عمومی کشور چین
		۴۶	حزب کم مویست

مانهایت سعی و جد و جهندی که بعمل آمد مهندسا بعضی اغلاط در چاپ دیده میشود که از قارئین محترم تهنی میشود قبل از مطالعه اغلاط را تصحیح فرمائید:

غلط نامه

صفحه	سطر	غلط	صحیح
۲	۷	پذیرم	بنا بر فتم
۳	۱	و	در
۳	۱۶	فرما	فرمان
۳	۲۱	اثاثیه اوتومبیل	اثاثیه و اوتومبیل
۱۰	۱۲	می نماید	می نمایند
۱۱	۳	ایران	انگلیس
۱۱	۲۱	انگلیسی ها	انگلیس ها
۱۱	۳۲	اوتومبیل	اوتوموبوس
۱۲	۱۲	مجد	مجد
۱۳	۵	کبری	کبرای
۱۷	۱۴	۲۴	۱۴
۱۸	۱۶	ریس	رئیس
۱۸	۱۹	ریس	رئیس
۱۹	۲۷	می الاقدم	فالاقدم
۲۱	۲۲	عادات رسوم	عادات و رسوم
۲۳	زیر عکس	جمهوریت	پدر جمهوریت
۲۳	زیر عکس دوم	ابنیه ها	ماههای
۲۴	۲۶	پرت آرتورا	پرت ارنور را
۲۴	۲۷	آر	آمد
۲۵	۱۰	بن مللی	بن الملل
۳۰	۱۰	چای کای	چیان کای
۳۱	۶	جمهوری - - سون	جمهوری از طرف سون
۳۵	۱۳	ازد	ازدو
۳۹	۱	کتریده - دیات	کتریده و دیات
۳۹	۲	مما به	ممنابه
۴۰	۱۸	با	تا

صحیح	غلط	سطر	صفحه
خود	ود	۸	۴۸
بعقیده	بعقدہ	۱۴	۴۸
بمخالفت	بمخالفات	۲۸	۴۸
ارم چی	ارم چ	۱۹	۶۲
سویون	سوون	۲۸	۶۲
ہمہ	ہ	۲	۶۶
یقہ	یضہ	۲۵	۷۲
یزاپون	بہ اپون	۹	۸۴
کم مونیست	کم مویت	۳۳	۸۷
دولت	دلت	۱۰	۹۰
حرکت	رکت	۱۹	۹۱
اکتیر	اکسر	۲۸	۹۳
زندگانی ہم تا	زندگانی ما	۱۹	۹۵
باب ہرمز	ہرمز	۲۵	۱۰۰
مدال	مدال	۳	۱۰۴
ارسال	ارشال	۱۰	۱۰۴
نگارندہ	نگاریدہ	۲۵	۱۰۴
مہور	مہور	۲۶	۱۰۴
واین	واین	۲۶	۱۰۵
ساتھی	ساتھی	۲۹	۱۰۴
در زمان	از زمان	۲۹	۱۰۴

نژاد چین - زبان و خط چینی - عادات و اخلاق و
 روحیات ملت چین - اصول جاوادیه - صنعت و هوش چینی
 مذهب در چین - فقر عمومی - معماری در چین
 بهداری - محصولات و معادن استانیهای کشور چین
 عادات ملی چین - مراسم و تشریفات اموات
 خوراک اهالی چین - فلسفه در چین - موسیقی و ادبیات
 و تئاتر - کمیته آزدهای سبز - و اطلاعات وسیع
 و جالبی از کشور پهناور ۴۸۰ میلیونی چین که تا کنون
 در هیچ کجا نتوانسته‌اید در این کتاب مشروحات
 بنظر شما میرسد.

نگارش: سید مهدی فرخ

بها ۴۰ ریال